

ساقی به نور باده برافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خیر ز لذت شرب مُدام ما
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
حافظ



*Discover a Whole New Dining
Experience in a Chic & Gracious Atmosphere at*



Los Gatos

"Peruvian and Japanese Cuisine"

Full Menu Available at Katsulosgatos.com

Dinner Service:

Sunday: 11:00am-8:00pm (Brunch from 11:00am-3:00pm)

Monday-Thursday: 5:00pm-10:00pm

Friday-Saturday: 5:00pm-11:00pm

Happy Hour:

Monday-Friday: 5:00pm-7:00pm

Sunday: 12:00pm-4:00pm

Restaurant is available for Private Events

(408) 354-0712

160 W Main St, Los Gatos, CA 95030

THE LAW OFFICES OF
CAROLINE J. NASSERI

(800)525-6060

وکیل تصادفات و صدمات بدنی
Accident & Personal Injury Attorney



Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

- ❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده
- ❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات
- ❖ مرگ بر اثر تصادفات
- ❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel:(408)298-1500

e-mail: cnasseri62@yahoo.com

Fax:(408)278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112

ما و شما



آخرین روزهای اسفند پر می کشد و دروازه بزرگ بهار باز می شود. با وزش باد بهاری، درختان قبای سبز بر تن می کنند و آوای پرندگان رسیدن سال جدید و روز و روزگار نو را نوید می دهد.

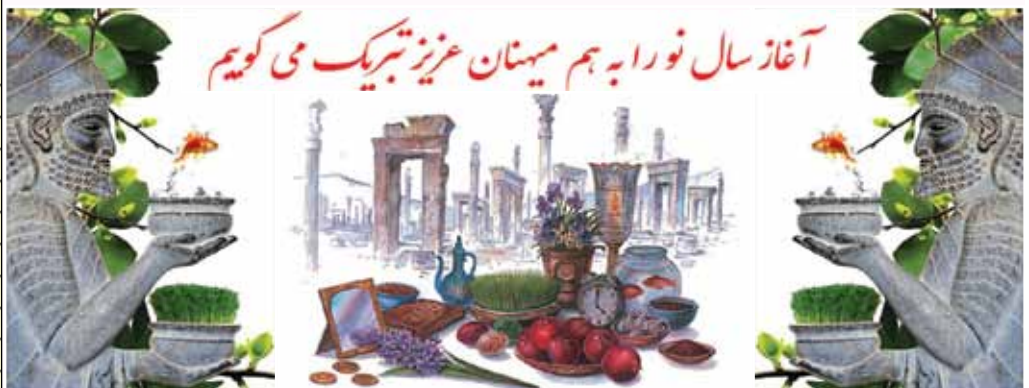
نوروز یادگار دیرین و مهمترین جشن ملی ایرانیان است و بزرگ ترین نشانه ای که از ایران باستان باقی مانده است. نوروز جشنی است که با وجود مخالفت های شدید خلفای عرب و متولیان بعدی آنها از بین نرفت و باقی ماند. جشنی است سرشار از خوشی ها و شادمانی ها و خاطرات شیرین کودکی و نوجوانی، لباس نو پوشیدن، به دیدار عزیزان رفتن، بوسه دادن و بوسه گرفتن، عیدی دادن و عیدی گرفتن، شیرینی خوردن و دل از غبار کدورت ها شستن.

در این بهار سال نو، پژواک با حمایت و همراهی شما، ایرانیان وطن دوست، ۲۴ ساله می شود. به چشم می بینید که پژواک جز مهر وطن سنگی به سینه نمی زند و همواره تلاش کرده تا میراث غرورانگیز ملی را زنده نگاهدارد. پژواک با مدد و یاری شما عزیزان نزدیک به ربع قرن را پشت سر گذاشته و در این مدت جز عشق به ایران سودایی در سر نداشته است و پیوسته کوشا بوده که اندیشه ها و آرمان های ملت بزرگ و کهن سال ایران را در این سوی جهان به شکلی آراسته و پیراسته با شما عزیزان در میان گذارد و صد البته که تنها پاداش و چشم داشت ما رضایت خاطر شماست و دلگرمی ما در ادامه این راه فقط تأیید و تشویق شما هموطنان و همزبانان است. پژواک بدون هیچ گونه وابستگی به گروه های سیاسی و مذهبی و فقط با همت و یاری شما به حیات خود ادامه می دهد. در پی آن هستیم که از این جهان پر جوش و خروش هر چه افزون تر به شما خوانندگان وفادار بهره رسانیم. امیدواریم همان طور که پژواک به خانه و کاشانه شما راه می یابد، نویسندگان پژواک نیز با قلم و اندیشه خود در خاطر و قلب شما حضوری مؤثر داشته باشند. عدم وابستگی به کانونهای سیاسی و مذهبی و عدم دریافت دیناری کمک از سوی کسانی که در مقابل حمایت مالی، خواه ناخواه، از پژواک انتظار جهت گیری و جانب داری را دارند سبب گردیده تا به طور تام و تمام متکی به دریافت آگهی از صاحبان حرفه ها و مشاغل باشیم. از شما چه پنهان که پرواز پژواک با دو بال نویسندگان و آگهی دهندگان امکان پذیر است. نویسندگانی که با نوشته های سودمند خود به شما هموطنان آگاهی می بخشند ستون فقرات پژواک هستند و آگهی دهندگان شریانهای حیاتی که هر ماه خون تازه در رگهای پژواک می دوانند.

از همکاری و کمک هر دو گروه صمیمانه سپاسگزارم و از شما خوانندگان وفادار که اینجا و آنجا، در این مجلس و آن محفل، و در کوی و خیابان با تشویق ها و تحسین های خود مرا به ادامه این خدمت کوچک فرهنگی دلگرم می سازید بسیار متشکرم. انتشار پژواک بدون پشتوانه شما میسر نیست. از همکاران عزیزم که با مهربانی و صمیمیت مرا در انتشار پژواک یاری می دهند قلباً ممنونم و تشکری ویژه برای همسر، اردشیر، که در تمامی این سال ها با عشق و کمک بی دریغ و صبر و تحمل بسیار مرا در این راه حمایت کرده است. دستهای پرتوان و کریم شما نویسندگان و آگهی دهندگان را صمیمانه می فشارم، سال ۱۳۹۳ را به شما هموطنان و همزبانان دور از وطن شادباش می گویم و برای ملت بزرگ و صبور و آزادیخواه ایران سالی سبز و پربرتکت همراه با پیروزی و بهروزی آرزو می کنم. اقلیا پرویزاد

تحويل سال نو خورشیدی ۱۳۹۳

ساعت ۹ و ۵۷ دقیقه و ۷ ثانیه صبح روز پنجشنبه ۲۰ مارس به وقت کالیفرنیا



آغاز سال نور با به هم میهنان عزیز تبریک می گویم

ماهنامه پژواک از سری انتشارات شرکت پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: اقلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱-۴۰۸
شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳-۴۰۸

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:
PO BOX 9804,
SAN JOSE, CA 95157

♦ مسئولیت صحت و سقم آگهی ها با صاحبان آگهی می باشد. شرکت پژواک هیچگونه مسئولیتی را در این مورد نمی پذیرد. ♦ استفاده از طراحی های این نشریه بدون اجازه کتبی از شرکت پژواک (حتی برای صاحبان آگهی) غیر قانونی می باشد. ♦ ماهنامه پژواک در انتخاب، حک و کوتاه کردن و اصلاح مطالب آزاد است. ♦ نظریه های مقالات لزوماً عقاید مسئولین پژواک نمی باشد. مسئولیت نظریه ها به عهده نویسندگان می باشد.

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak was compiled as carefully as possible. Pezhvak of Persia cannot guarantee the correctness of all information contained herein and does not accept responsibility for any errors or omissions.

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	یادداشت سردبیر-فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اخبار
صفحه ۶	اخبار
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با هادی خرسندی
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	اخبار
صفحه ۱۲	اخبار
صفحه ۱۳	اخبار
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	خاک ایران یا دلار عرب ها (شهاب احقری)-اخبار ورزشی
صفحه ۱۶	نقد فیلم (سعید شفا)
صفحه ۱۷	آشنا داند زبان آشنا (منصور محمدزاده)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشتی بی تاریخ (صدرالدین الهی)
صفحه ۲۱	The Butler (آرمینه بهشتی)
صفحه ۲۲	از در گوشی ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	استیون اسپیلبرگ (فرسیا اعتمادزاده)
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)
صفحه ۲۵	نگاهی کوتاه..... (کاوه میرشععی)
صفحه ۲۶	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۷	نوروز (زنده یاد محمد تقی سبط)
صفحه ۲۸	اخبار
صفحه ۲۹	داستان های کوتاه
صفحه ۳۰	نقطه آغاز (نعیمه دوستدار)
صفحه ۳۱	تولد دیگر (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	نوروز = Nowruz (بهرام گرمای)
صفحه ۳۳	تبلیغ
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول-معرفی بچه ها
صفحه ۳۵	تازه چه خبر-نیازمندیها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	تبلیغ
صفحه ۳۷	طفلکی گلی (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	تبلیغ
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	حاجی مراد (صادق هدایت)
صفحه ۴۳	تبلیغ
صفحه ۴۴	دنباله مطلب
صفحه ۴۵	تبلیغ
صفحه ۴۶	تبلیغ
صفحه ۴۷	دنباله مطلب
صفحه ۴۸	دنباله مطلب
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی

جغرافیای جشن نوروز

نوروز از دیرباز در بسیاری از مناطق جهان به عنوان جشن رسمی برگزار می‌شود. نوروز را در بیشتر کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه، قفقاز، شبه قاره هند و بالکان جشن می‌گیرند. جغرافیای پهنای نوروز و همزمانی آن با بهار طبیعت در نیمکره شمالی و پیشینه باستانی آن و تأکید این جشن بر نوع دوستی و مهرورزی در میان جهانیان، باعث توجه سازمان ملل متحد و دیگر کشورها به نوروز شد. در ۱۰ مه سال ۲۰۱۰ میلادی، به پیشنهاد جمهوری آذربایجان (نه ایران)، مجمع عمومی سازمان ملل با گذراندن قطعنامه‌ای نوروز را به خاطر بزرگداشت آن توسط بیش از ۳۰۰ میلیون تن در بیش از ۱۱ کشور جهان به رسمیت شناخت. همچنین همایشی با نام جشن جهانی نوروز پدید آمده است که در آن سران کشورهایی که نوروز را جشن می‌گیرند گردهم می‌آیند و این بهار طبیعت را گرمی می‌دارند. در برخی جاها نیز با وجود رسمی نبودن هر ساله شمار زیادی از مردم مراسم نوروز را برگزار می‌کنند. همانند سوریه که جشن نوروز نزد کدهای ساکن سوریه از اعتبار و احترام ویژه‌ای برخوردار است. این جشن امروزه یکی از جشن‌های بنیادین آسیا شناخته می‌شود. نوروز در ۹ کشور جمهوری آذربایجان، ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، و آلبانی با همین نام تعطیل رسمی است.

در جمهوری آذربایجان

در جمهوری آذربایجان درباره پیدایش جشن نوروز اسطوره‌ها و افسانه‌های گوناگونی نقل شده است. مثلاً در روایتی آمده است، سیاوش پسر کیکاووس به کشور افراسیاب سفر می‌کند افراسیاب از وی به نحو قابل توجهی پذیرایی می‌کند و حتی دخترش را به عقد وی در می‌آورد و سیاوش به یاد سفرش از دیار افراسیاب دیوار بخارا را بنا می‌کند. ولی دشمنان که از این امر ناخرسند بوده‌اند میان سیاوش و افراسیاب را بر هم زده به طوری که افراسیاب تصمیم به قتل سیاوش می‌گیرد و پس از کشته شدن سیاوش دستور می‌دهد جنازه‌اش را روی کنگره‌های دیوار بخارا قرار دهند. زرتشتیان جسد وی را برداشته و در قدمتگاه دروازه شرقی دفن می‌کنند و مرثیه‌های بسیاری در وصف سیاوش و مرگش سرودند به طوری که این مرثیه‌ها بین مردم گسترش یافت و در همین سیاوش مرثیه‌ها روز دفن سیاوش را زرتشتیان نوروز نامیدند.

جشن‌های پیش از آمدن نوروز

بزرگترین و باشکوه‌ترین جشن مردم جمهوری آذربایجان نوروز است. در این کشور جشن‌های نوروز از یک ماه مانده به نوروز آغاز می‌شود چهار چهارشنبه آخر ماه اسفند به ترتیب سو چرشنبه

سی (چهارشنبه آتش)، آد چرشنبه سی (چهارشنبه آتش)، توپراق چرشنبه سی (چهارشنبه خاک) و اخیر چرشنبه یا یل چرشنبه سی (چهارشنبه آخر و یا چهارشنبه باد) نامیده می‌شود. البته جشنهای

این روزها در شب سه شنبه صورت می‌گیرد. در چهارشنبه آخر سال جشنهایی از قبیل پریدن از روی آتش، فال گوش ایستادن و... انجام می‌گیرد. در سنت فال گوش ایستادن دختران نوروز رسیده در ته دل فالی گرفته و در



شب چهارشنبه سوری بصورت مخفیانه پشت در نیمه باز به انتظار ایستاده و اگر در این هنگام حرف خوب و موافقی بشنوند آرزویشان برآورده شده و اگر حرف نامناسبی می‌شنیدند نیششان عملی نمی‌گشته است. بنابر این بر مبنای آیین عید مردم از بد گویی و سخنان نامناسب دوری می‌جویند.

در میان عادات نوروزی مراسمی همچون ارسال خوان سمنو از سوی داماد به خانه نامزدش، انداختن کلاه پوستین به درها، آویزان کردن کیسه و توبره از سوراخ بام و یا پنجره در شب عید و درخواست تحفه عید در این سرزمین موسوم است. در جمهوری آذربایجان رسم بر این است که پیش از رسیدن نوروز پوشاک نو خریده به خانه و حیاط سر و سامان داده فرش و پلاس نو بافته و به استقبال نوروز می‌روند.

میشن نوروز

مردم جمهوری آذربایجان به واسطه اعتقادات شدید به آیین و مراسم نوروز برای باشکوه تر انجام شدن جشن نوروز برای این مراسم تدارک

ویژه‌ای می‌بینند. از قبیل: سرودن ترانه‌ها پیش از نوروز، تدارک بساط شادی ایام نوروز، تهیه لوازم و مواد مورد نیاز سفره هفت سین، تهیه چستان‌های نوروزی، ستایش و نفرین‌های نوروزی، پند و امثال نوروزی، اعتقادات نوروزی، عادات نوروزی، تماشای نوروزی، آزدنی‌های نوروزی و انجام آیین و مراسم نوروزی.

هفت سین

سفره هفت سین جمهوری آذربایجان از هفت عنصری که نامشان با حرف سین

از عناصر زیر تشکیل شده است:
 ♦ سوماق، نشانه آفتاب
 ♦ سکه، نشانه شانس
 ♦ سمنو، شیرینی، برکت و حاصلخیزی
 ♦ سبزه، خلوص و خوشبختی
 ♦ ساری کوک (زردچوبه)، شیرینی زندگی
 ♦ سوت (شیر)، سلامتی و زیبایی
 ♦ سو (آب)، تولد تازه و زندگی
 ممکن است به جای زردچوبه و شیر از سرکه و ساریمساق (سیر) نیز استفاده گردد. علاوه بر این در سفره آینه‌ای که دور آن رنگ آمیزی شده است قرار می‌دهند.

تعطیلات

در جمهوری آذربایجان نوروز بر اساس تاریخ شمسی جشن گرفته می‌شود اگر سالی کیسه باشد روز ۲۲ مارس بعنوان روز عید جشن گرفته می‌شود. در این کشور همانند ایران از ۲۹ اسفند تا ۴ فروردین (۲۰ مارس تا ۲۴ مارس) تعطیل رسمی است اما معمولاً دولت چند روز به این تعطیلات اضافه می‌کند بعنوان مثال در سال ۲۰۱۰ این تعطیلات ۷ روز بود. قابل توجه است که در آغاز سال نو میلادی تنها یک روز در این کشور تعطیل است.

در ازبکستان

در ازبکستان، نوروز هر ساله در روز ۲۱ مارس جشن گرفته می‌شود و در آن هنگام تعطیلی رسمی در کشور برقرار است.
 دنباله مطلب در صفحه ۰۴

Threading & Hair Design by Haleh



سالن آرایش هاله
 (650)242-6477



*کوتاه کردن مو *رنگ *های لایت *بند ابرو *آرایش صورت
 *براق و شفاف کردن رنگ مو *صاف کردن مو به (هش کراتن
 *Hair Cut *Hair Color *Highlights
 *Threading *Make Up *High Gloss *Keratin

\$20 OFF
 on Partial Highlights
 FREE Eyebrow Threading with Haircut

Exp. 2/2013

www.halekhairdesign.com

4060 S.El Camino Real, Suite A, Unit 26, San Mateo, CA



Let us build your custom dream home

(408)-898-6474

با مدیریت علی زمانی

With more than 16 years of experience we guarantee to exceed your expectations.

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

♦ New Custom Home ♦ Room Additions
 ♦ Bathroom ♦ Kitchen Remodel

با تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز

www.alisconstruction.com

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

تعریف آجیل و آجیل مشکل گشا

آجیل به مخلوطی از خشکبار گفته می‌شود که بنا بر سلیاق و مدل‌های گوناگون، ترکیبات آن فرق می‌کند. آجیل‌ها انواع بسیار گوناگونی دارند که نمی‌توان برای تمامی آنها اسم انتخاب کرد. برخی اسامی هم که برای آجیل‌ها انتخاب می‌شود از دو شیوه نام گذاری پیروی می‌کند. شیوه اول که نام آجیل را بر اساس کاربرد آن انتخاب می‌کند. (برای مثال آجیل مشکل گشا). شیوه دوم نام آجیل را بر اساس ترکیبات و اجزای آن انتخاب می‌کند. (مانند آجیل شور، آجیل شیرین، آجیل چهار مغز)

عده‌ای بر آنست که خوردن این آجیل در گشودن بخت دختران موثر است. از این آجیل در مراسم مذهبی مانند سفره‌های مذهبی زنانه، مراسم ملی مانند چهارشنبه سوری و شب یلدا و حتی برنامه‌های

گستره موادی که در آجیل‌های گوناگون به کار می‌رود بسیار زیاد است، اما به طور کلی می‌توان از اقلام زیر به عنوان ارکان اصلی تشکیل دهنده آجیل نام برد: پسته، فندق، تخمه آفتابگردان، تخمه کدو، تخمه ژاپنی، بادام زمینی، بادام، بادام هندی، گردو، نقل، کشمش، نخودچی و ماکادامیا. شاید یکی از ریشه‌های تاریخی آجیل به وجود باغ‌های وسیع پسته در ایران و صادرات گسترده‌ی آن از دیرباز برگردد.



سیاسی بطور همزمان استفاده می‌شود. **ریشه‌های تاریخی:** تاریخچه‌ی آجیل مشکل گشا احتمالاً به ایران باستان باز می‌گردد. در آن زمان رسم بر این بود که برای فروهرها (۱) و امشاسپندان (۲) هدایایی تهیه شود تا موجب خشنودی آنان گردد. «بناله مطلب در صفحه ۵۱»

آجیل مشکل گشا، آجیلی است که برخی معتقدند که با خوردن آجیل مشکل گشا، می‌تواند آرزو کنند مشکلات برطرف و آرزوهایشان برآورده شود. برخی نیز اعتقاد دارند با خوردن این آجیل از چشم زخم و چشم بد مصون می‌مانند. همچنین اعتقاد

چهارشنبه سوری

چهارشنبه سوری یکی از جشن‌های ایرانی است که در شب آخرین چهارشنبه سال (سه‌شنبه شب) برگزار می‌شود. در شاهنامه فردوسی اشاره‌هایی درباره بزم چهارشنبه‌ای در نزدیکی نوروز وجود دارد که نشان‌دهنده کهن بودن این جشن است. مراسم سنتی مربوط به این جشن ملی، از دیرباز در فرهنگ سنتی مردمان ایران زنده نگاه داشته شده‌است.

واژه «چهارشنبه سوری» از دو واژه چهارشنبه — نام یکی از روزهای هفته — و سوری که در زبان کردی و پشتو و چند زبان دیگر ایرانی به معنی «سرخ» است ساخته شده، که اشاره به سرخی آتش دارد. آتش بزرگی که تا صبح زود و برآمدن خورشید روشن نگه داشته می‌شود که این آتش معمولاً در بعد از ظهر زمانی که مردم آتش روشن می‌کنند و از روی آن می‌پرند آغاز می‌شود و در زمان پریدن می‌خوانند: «زردی من از تو، سرخی تو از من».

این جمله نشانگر مراسمی برای تطهیر و پاک‌سازی مذهبی است که واژه «سوری» به معنی «سرخ» به آن اشاره دارد. به بیان دیگر مردم خواهان آن هستند که آتش تمام رنگ پریدگی و زردی، بیماری و مشکلاتشان را بگیرد و بجای آن سرخی و گرمی و نیرو به آنها بدهد. چهارشنبه سوری جشنی



نیست که وابسته به دین یا قومیت افراد باشد و در میان بیشتر ایرانیان رواج دارد. **پیشینه** یکی از جشن‌های آتش که در ایران باستان برای پیش درآمد یا پیش‌باز نوروز برگزار می‌شده و آمیزه‌ای از چند آیین گوناگون است، جشن سوری بوده‌است. سوری به یک چم (معنی) سرخی است و اشاره به سرخی گل است که در این روز می‌افروخته‌اند. در تاریخ بخارا آمده‌است:

چون امیر سدید منصور بن نوح به ملک نشست، هنوز سال تمام نشده بود که در شب سوری چنان که عادت قدیم است آتشی عظیم افروختند. این آتش را در شب سوری که هم‌زمان با روزهای «بهیژک» یا «پنجه دزدیده» بود برای گریزانیدن سرما و فراخوانی گرما، آن هم بیشتر بر روی بامها می‌افروختند که هم شگون داشته و هم به باور نیاکانمان، تنوره آتش و دود بر بامها، فروهر در گذشتگان را به خانه‌های خود رهنمون می‌کرده‌است. به دیگر سخن این آتش‌افروزی بر بام خانه‌ها، آخرین گام از آیین‌های گاهنبار می‌پردازند.

کنند. آتش‌افروزان، زنان و مردانی هنرمند بودند که با برگزاری نمایشهای خیابانی، دست‌افشانی‌ها، سرودها و آوازهای شورانگیز به سرگرم کردن و خشنود ساختن مردمان می‌پرداختند؛ آنها از هفت روز پیش از نوروز تا دو هفته پس از نوروز با پدید آمدن تاریکی شامگاه، در تمامی جایهای شهر و ده آتش می‌افروختند و آن را تا برآمدن خورشید روشن نگاه می‌داشتند. این آتش، نماد و نشانه نیروی مهر و نور و دوستی بود. هدف آتش‌افروزان برگرداندن نیروی فزاینده و نیک به مردمان برای چیره شدن بر غم و افسردگی بود. همین هدف مهمترین دلیل برپایی جشن سده در میانه زمستان هم هست.

آیین آتش‌افروزی پیش از نوروز به گونه‌های دیگر در نزد مردمان دیگر کشورها نیز پدیدار می‌شود! آریاییان قفقاز هنوز در این شب هفت توده آتش می‌افروزدند و از روی آن می‌جهند. بنا به آیینی کهن در سوئد، شبی را که «والبوری» خوانده می‌شود به عنوان آغاز بهار می‌شمارند و در آن آتشی بزرگ افروخته و پیرامون آن به جشن و شادی می‌پردازند.

«بناله مطلب در صفحه ۵۳»

SEEMA BEAUTY SALON

For Women & Men

www.seemabeautysalon.com

seema@seemabeautysalon.com

Cell: (408)829-8242



- * Threading full face "Band"
- * Waxing (Organic)
- * Brazillian Waxing
- * Henna
- * Haircut & Style
- * Updo's
- * Color
- * Herbal Facials
- * Bridal

- * بند صورت و ابرو
- * مومک انداختن
- * مومک به طریق برزبلی
- * حنا
- * کوتاه کردن مو و میزانیلی
- * شینیون
- * رنگ
- * کرم های گیاهی برای صورت
- * آرایش عروس

New Year Special

1 Threading or Waxing service

*25% off

Mon, Tue, Wed & Thurs in Sunnyvale location ONLY before 5 PM

Expires 04/03/2014

1 Threading service

*25% OFF

Mon, Tue, Wed & Thurs in Milpitas location ONLY before 4PM

Expires 04/03/2014

Open 7 days a week

(408)244-6009

1082 E. El Camino Real Sunnyvale, CA 94087

(408)935-8000

450 South Main Street Milpitas, CA 95035

*Cannot be combined with any other offer/coupon, has no cash value. Anyone coupon per customer per day. Must present the coupon before the start of the service.

آمار بیماران روانی در ایران به ۲۵ درصد رسیده است

رئیس منتخب انجمن علمی روانپزشکان گفت ۲۵ درصد بزرگسالان در ایران از بیماری روانی در رنج‌اند. او تأکید کرد که چون بسیاری از بیماری‌های جسمی ریشه روانی دارد سازمان‌های بیمه باید بیشتر به ارائه خدمات روانپزشکی توجه کنند.

کسانی بودند که دچار هذیان، توهم، قطع رابطه با واقعیت، اختلال رفتار، تهاجم و گوشه‌گیری بودند. اما به گفته دکتر جلیلی، این دسته از بیماران تنها یک دهم جمعیت یک کشور را تشکیل می‌دهند و از این گروه با نام «بیمار روحی» یاد می‌شود.



دکتر جلیلی به «فرارو» گفت، از اوایل قرن بیستم بیماری‌های روانی طیف گسترده‌تری از بیماری‌ها را در بر گرفت که مردم به طور معمول آن‌ها را بیماری روانی نمی‌دانند، مثل اضطراب، افسردگی، اختلال خواب، عصبانیت، اختلال اشتها، وسواس، خستگی و اختلال‌های شخصیتی.

رئیس منتخب انجمن علمی روانپزشکان ایران آمار بیماران روانی در ایران را در حد طبیعی دانست و گفت این آمار در کشورهای مختلف بنا به شرایط مختلف ۷ تا ۸ درصد بالا یا پایین می‌شود.

علت و اثر بیماری روانی

احمد جلیلی بیماری روانی را «مسئله‌ای بیولوژیک» تعریف کرد که شرایط محیطی چون زندگی در کلان‌شهرهای پر رفت و آمد چون تهران، آلودگی هوا و مشکلات اقتصادی آن را افزایش می‌دهد. دنباله مطلب در صفحه ۵۶

دوچه وله: دکتر احمد جلیلی، رئیس منتخب انجمن علمی روانپزشکان در ایران در مصاحبه با سایت «فرارو» آمار جدید بیماران روانی در ایران را ۲۵ درصد افراد بزرگسال ذکر کرده است.

پیش از او دکتر رضا میرسپاسی، رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران گفته بود که اختلالات روانی در ایران رتبه بالایی از بار بیماری‌ها را در بر دارد. او از حدود ۲۰ تا ۲۳ درصد افراد بزرگسال (۱۵ تا ۶۴ سال) مبتلا به بیماری روانی یاد کرده بود. اما دکتر احمد جلیلی آمار ۲۰ تا ۲۳ درصدی بیماران روانی را مربوط به سال گذشته خواند و گفت بنا بر آمارگیری که به صورت تحقیق میدانی و بر مبنای پرسشنامه در تهران و شهرستان‌ها شده، شمار بیماران روانی افزایش یافته و به ۲۵ درصد رسیده است.

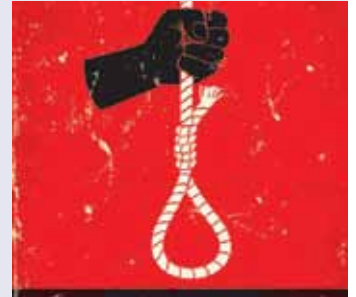
گسترش مفهوم «بیمار روانی» در قرن بیستم
دکتر جلیلی گفت کسانی که از آنان به عنوان «بیمار روانی» نام برده می‌شود دارای عارضه‌هایی هستند چون اضطراب، افسردگی، وسواس، اختلالات شخصیتی، صرع و اختلالات شدید روانپزشکی چون اسکیزوفرنی و اختلال دوقطبی. وی افزود تا اواخر قرن ۱۹ و در ایران تا ۵۰ سال پیش، فکر می‌کردند که بیمار روانی کسی است که دچار اختلالات شدید روان‌پریشی باشد. در نتیجه برای مردم «بیماران روانی»

در انتظار اعدام، به اتهام سب نبی و توهین به رهبری

شعبه پنجم دادگاه کیفری استان خراسان رضوی، جوانی به نام روح الله توانا را به اعدام محکوم کرده است. اتهام روح الله توانا، که در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲ دستگیر شده، توهین به پیغمبر و رهبری است.

نیز موجب شدت بیماری روحی او شده بطوریکه به مواد مخدر و مشروب الکلی روی می‌آورد و تنها سرگرمی او مشاهده برنامه های فارسی زبان خارجی بوده، متأسفانه این برنامه ها و بیماری روحی او موجب می‌گردد که مطالب شبکه های خارجی در نزد او جلوه کرده و مطالب آنان را ضبط و گاهی گفتار آنان را در رایانه خویش نگهداری کند. متأسفانه به علت خصومت دوستش حافظه رایانه اش سرعت و تحویل مقامات امنیتی استان خراسان رضوی می‌گردد و او تحت تعقیب و بازداشت بصورت ممنوع الملاقات برای چندین ماه قرار می‌گیرد. وی در اداره اطلاعات علت تهیه و نگهداری برنامه های شبکه های خارجی را عصبانیت و مشکلات روحی و مادی خویش اعلام می‌دارد، از جمله مطالبی که در حافظه رایانه او بوده است مراسم جشن تولدی است که برای خودش و در تنهایی گرفته و در حالی که با چاقو کبک تولدش را میبرد و مشروب صرف می‌کند اظهاراتی کرده که مامورین تحقیق از آن به توهین به پیامبر تعبیر نموده‌اند. در ادامه نامه آمده است که پزشکی قانونی خراسان نیز تأیید کرده که متهم به دلیل مشکلات زندگی نیاز به درمان دارد و آنچه را که به وی نسبت داده می‌شود، بایستی با نظر به وضع روحی متهم مورد بررسی قرار گیرد. دنباله مطلب در صفحه ۵۳

رادیو فردا: پرونده روح الله توانا برای تأیید حکم در اختیار شعبه چهاردهم دیوان



عالی قرار گرفته است. وکیل متهم خواهان تجدید نظر در حکم شده و استدلال کرده است که آنچه به متهم نسبت داده شده نقل قول‌هایی از اوست که در حالت مستی بیان شده است. بنابر استدلال وکیل حکم بر اساس شبهه داده شده و بایستی طبق قوانین خود حکومت اسلامی نقض شود.

نامه سرگشاده مادر متهم

مادر متهم، خانم فخری جمالی، نامه‌ای خطاب به «گزارشگران و فعالان حقوق بشر» نوشته که در آن آمده است: «اینجانبه فخری جمالی مادر متهم زندانی روح الله توانا فرزند محمود می‌باشم. متأسفانه مشکلات مادی و اخلاقی همسر باعث گردید که فرزندم روح الله دچار اختلالات روحی و روانی گردیده و از همان نوجوانی از خانواده منزوی و با فرار از منزل در شهر دیگری سکونت نماید. متأسفانه ازدواج نافرجام وی

دکتر میشل حق پناه

متخصصی در دندانپزشکی اطفال - کودکان - نوجوانان



"Healthy smiles start here"



*روش های پیشگیری *رژیم غذایی *درمان با استفاده از داروهای آرامش بخش و یا تحت بیهوشی کامل *بیماری های لثه کودکان *درمان های اورژانسی

*Preventive Dentistry *Sedation & General Anesthesia *Special Care Patient Management

(408)866-3000

Dr. Michelle Haghpanah, D.D.S., M.P.H.

1480 Saratoga Ave., Saratoga, CA 95070

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین



Iman Laleparvar
MS Electrical Engineering
UCLA Graduate

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

Professional Tutor, one on one & group all ages (1st-12th grade & College)
Specializing in SAT Math Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Johns Hopkins University MBA Candidate

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com

دانشگاهیان اصفهان:

به مرگ تدریجی مردم پایان دهید

مردم اصفهان دارند ذره ذره می میرند و ریه شان انباشته از سرب و گوگرد و ذرات معلق و مسموم دیگر می شود. متخصصین نسبت به سونامی بیماری های صعب العالج در اصفهان هشدار داده اند. شیر مادران اصفهانی آلوده شده است. آمار سرطان خون در کودکان مرز هشدار را پشت سر گذاشته است. خوش به حال پایتخت نشینان که پای تخت هستند و چشم همه مسئولان نگران آنها است.

سیصد نفر از استادان دانشگاه های صنعتی اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، هنر اصفهان و دانشگاه اصفهان در نامه ای سرگشاده به

رییس سازمان حفاظت محیط زیست خواستار توجه و رسیدگی به مشکل آلودگی هوای شهر اصفهان شدند. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه اصفهان، در این



نامه خطاب به معصومه ابتکار آمده است: ناصر خسرو هزار سال پیش در وصف اصفهان نوشته است: «شهری است بر هامون نهاده، آب و هوایی خوش دارد و هر جا که ده گز چاه فرو برند آبی سرد خوش بیرون آید ... و در شهر جوی های آب روان و بناهای نیکو و مرتفع ... و اندرون شهر همه آبادان که هیچ از وی خراب ندیدم و ... مردم آن جا می گفتند هرگز بدین شهر هشت من نان کم تر به یک درم کس ندیده است، و من در همه زمین پارسی گویان شهری نیکوتر و جامع تر و آبادان تر از اصفهان ندیدم، و گفتند اگر گندم و جو و دیگر حبوب بیست سال نهند تباہ نشود ...»

باید خدای را سپاس گفت که این قصه همان هزار سال پیش ثبت شد و دیگر گذر ناصر خسروی در این روزها به دیار ما نیافتاد؛ و گرنه باید از چه می نوشت؟ از

Jasmine Carpet Care

شستشوی موکت، قالی و مبیل مسکونی

♦ شستشوی مبلمان و قالی ♦ بر طرف کردن بوی بد موکت

Professional Truck Mount Steam Cleaning for Carpet & Upholstery

Steam Cleaning 3 BR \$79.00 1 BR \$29.00	Carpet Steam Cleaning for Whole House, Up to 1100sq. Excluding Stairs \$120.00	Sofa & Love Seat Steam Cleaning Most Fabrics \$100.00 each
---	---	---

(408)266-1111

در روپس قابل اطمینان با قیمت های بسیار مناسب

www.jasminecarpetcare.com

ضرب و شتم محمد نوریزاد توسط سه مأمور وزارت اطلاعات

محمد نوریزاد، مستندساز منتقد نظام جمهوری اسلامی، از ضرب و شتم خود توسط مأموران وزارت اطلاعات در اتوبان همت تهران خبر داد.

باعث زخمی شدن صورت او شده اند. آقای نوریزاد سپس برای پاسخ دادن به شش پرسش به شعبه شش دادرسی اوین برده شده و بنا بر مطلبی که در فیس بوک خود قرار داده در آنجا خواستار شکایت از قاضی این شعبه به خاطر استفاده از یک حکم بازداشت غیرقانونی شده است.

محمد نوریزاد در پیامی در فیس بوک خود می نویسد که قاضی این دادسرا با این که به غیرقانونی بودن این اقدام «اذعان» کرده اما از دادن حکم یاد شده به محمد نوریزاد به این دلیل که «علیه او استفاده نشود» خودداری کرده است.

محمد نوریزاد چند هفته پیش در مصاحبه با رادیو فردا گفت که سه تن از مأموران وزارت اطلاعات «بدون داشتن حکم جلب معتبر» برای بردن وی به دادرسی زندان اوین متوسل به زور شده و صورت او را زخمی کرده اند.



این قاضی هم چنین در پاسخ به انتقاد آقای نوریزاد در مورد «مستقل نبودن» وی و همراهی اش با «اطلاعاتی ها» گفته است: «اگر قاضی مستقل پیدا کردی سلام مرا به او برسان. من قاضی دادسرا هستم. یک قاضی دادسرا مگر می تواند مستقل باشد؟»

این کارگردان منتقد نظام گفت که این مأموران که برای به همراه بردن او از یک حکم جلب «به طور غیرقانونی» سه بار استفاده کرده اند پس از اعتراض وی به این امر، با «فشردن صورت او به اسفالت»

کامران پورشمسی

متخصص و مشاور در امور خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams

Experienced Professional Realtor

Residential, Commercial,
Property Management

Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478

♦ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

سراغ او برود و بگوید ای دروغگو شرف یک حزب الهی بی شرف از تو روشنفکر سباهدل بیشتر است.

نوروز در راه است و ما ایرانی ها هنوز حتی در خارج آداب و رسوم ایرانی را حفظ کرده ایم و می خواهیم حفظ کنیم. اگرچه دشوار است با این همه سلیقه های مختلف بتوان به این آداب و رسوم تداوم بخشید اما چه می توان کرد ما تلاشمان را می کنیم و لعنت می فرستیم به آنها که نخواستند یا نتوانستند بخواهند که ایرانی خوش و خرم باشد ایرانی فقط ایرانی باشد و ایرانی بماند و درود می فرستیم به آنها که در این شبهای شادمانی در سیاهچال های جمهوری ننگین اسلامی فقط بخاطر آرمان های انسانی و قانونی خود شب و روزشان شب است و آدمخواران جمهوری اسلامی بر فراز آن دخمه ها پایکوی می کنند و خون جوانان میهن ما را در شیشه کرده اند.

درود بر مادرانی که نوروزهایشان بخاطر از دست دادن فرزند سیاه و تاریک و ظلمانی شده درود بر قانون همایون حقوق بشر که امید داریم روزی روزگاری در کشور بلا دیده ما اولین درس کلاس اول مدرسه ها باشد.

المه باشند و مبادا مورد شماتت مشتی تاریکدل تر از خود قرار گیرند حاضر نیستند یک کلمه با اکثریت نادان حرف بزنند و بگویند که فریب نخورید. این خدا و این قیامت را برای شما ساخته اند که اگر زورتان به زورگو نمی رسد به روز قیامت دل خوش کنید و بگوئید خدا خودش بداد دل ما می رسد.

کدام خدا کدام قیامت کدام امام زمان کجا هستند اینها که مردم بیگناه در زندانها دارند می پوسند چه کسی انتقام هزاران خلخالی و لاجوردی و خمینی ملعون را از اینها می گیرد.

و بمحض اینکه صحبت انتقام پیش می آید باز این روشنفکران تاریکدل همین هائی که میهن ما را به لجن کشیده اند یاد در غیغب می اندازند و می گویند آقا انتقام چیز خوبی نیست بروید با اینها حرف بزنید قانع شان کنید که حق با شماست. دیدیم و می بینیم و خواهیم دید که نرود میخ آهنین در سنگ!

شما چه فکر می کنید آن حزب اللهی نادان است ابله است و به چیزی بنام دین اعتقاد دارد و اما آن روشنفکر که می داند و خوب هم می داند که همه این حرف ها سر لحاف ملاست هم اوست که خائن بزرگ است و کسی حتی حاضر نیست



یک سینه سخن

مسعود سپند

مکن کاری که بر پا سنگت آید

جهان با این فراخی تنگت آید

چو فردا نامه خوانان نامه خوانند

تو خود از نامه خواندن تنگت آید

بابا طاهر

و یا وقتی می گفت ما سگ توایم همه فریاد می زدند عوعو و رندی تعریف می کرد که روز عاشورا این جناب یعنی حجت الاسلام کافی بر منبر رفته و ساعت ۱۲ در گرماگرم روز عاشورا میگفت آن تلفن را بیاورند می خواهم با حضرت عباس حرف بزنم.

تلفن را می آوردند کنار دست آقای کافی می گذاشتند او تلفن می زد. صحرای کربلا- صحرای کربلا و گویا کسی از آنطرف می گفت بفرمائید. کافی می گفت بگوئید کافی می خواهد با حضرت عباس صحبت کند و آنها می گفتند (مثلا) مشغول جنگ با کفار است.

کافی گوشی را می گذاشت و دوباره روزه خوانی را ادامه میداد و از اینطرف و آنطرف حرف می زد پس از چند دقیقه باز گوشی را بر میداشت و فریاد می زد صحرای کربلا- پس این حضرت عباس چی شد.

حالا مردم نشسته و دارند به صحنه مکالمه کافی با تلفنچی صحرای کربلا گوش می کنند و پس از چند لحظه فریاد کافی شبستان تکیه را بلرزه در می آورد و داد میزند ای مردم تلفنچی می گوید عباس آمده با کافی حرف بزند اما متاسفانه دست ندارد که گوشی را بگیرد و اینجاست که مسجد از فریاد و فغان مردم منفجر می شد و کافی باندازه یک دریاچه اشک از مردم می گرفت.

با این مردم چه توقعی می توان از دیگران داشت. و اما دیگران که هستند؟ این دیگران روشنفکران تاریکدل نام دارند که می دانند نه خدائی هست و نه قیامتی اما چون می خواهند وجیه

اگرچه بسیار کسان هستند که به روز قیامت اعتقادی ندارند و اگر چه بسیاری دیگر هستند که به روز رستاخیز تظاهر می کنند اما اگر قیامتی باشد باید این ناکسان از همه آن کسان بیشتر از این روز بهراسند. و می بینیم و می دانیم که این ها با تظاهر به هراس اما ته دلشان خوب می دانند که وای اگر از پس امروز بود فردائی.

ولی خب اینهم خودش بحثی است برای دلخوشی آنها که زورشان به ظالمان و زورگویان نمی رسد، بعد می گویند روز قیامت شکایت آنان را پیش پروردگار متعال خواهند کرد. همین جاست که دل آدم بدرد می آید که میلیونها انسان باین دلخوشند که انتقام آنهمه ظلم و جنایت را خدا از ظالمان می گیرد. اگر قرار باشد که خدا انتقام بگیرد باید اول یقه خود خدا را گرفت که چرا اینهمه ظالم و جنایتکار را آفرید. یا چرا در همین دنیا یقه خلخالی را نگرفته و باید تا روز قیامت صبر کند و او را در هیزم جهنم بسوزاند.

بگذریم از این حرف های دلخوش کُنک که به افسانه کلثوم ننه بیشتر شبیه است تا قانون علت و معلول و همین جاست که باید گفت نه روز قیامتی باید باشد و نه روز نامه خواندنی و افسوس که دیده ایم و می بینیم که چگونه با به افسار کشیدن مشتی خرافاتی متعصب حضرات هنوز بر خر مراد سوارند و خوش می رانند.

قبل از این انقلاب شرم آور شخصی یعنی آخوندی در مشهد روی منبر می رفت و چنان عقل مردم و مستمعین را دزدیده بود که وقتی فریاد می زد که ای امام زمان ما خر توایم جمعیت می گفت عرعر

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916)483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

نصرالله پورفتحی

مترجم رسمی زبان های فارسی انگلیسی ایتالیایی و اسپانیایی

(408)504-5394

که برای خرید یک لقمه نان کلیه خود را بفروشیم.

کرده‌ام بهر فروشش کارها آگهی بنوشته بر دیوارها

کلیه‌ای دارم فروشی، رهبر! ابتیاعش کن، مرخص کن مرا

کلیه‌ای دارم جوان و تازه سال میفروشم شادمان و خوش به حال

قیمتش یک ماه اجاره خانه‌ام یا سه ماهی پول آب و دانه‌ام

قیمتش چند اسکناس ساده است که دم جاروی تان افتاده است

قیمتش یک لنگه نعلین شما ده گرم تریاک آقا مجتبا

قیمتش یک پاچه بی‌زمامهات نیم متر ابریشم عمامهات

جان رهبر کلیه‌ای دارم درشت حظ کنی وقتی بگیری توی مشت

زان همه پولی که بفرستی دمشق تا به آن جانی ببازی نرد عشق

زان همه پولی که بفرستی برون با هواپیما و ناو و کامیون

زان همه خرجی که داخل می‌کنی نذر اوباش و اراذل می‌کنی



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

از مرد ۶ میلیون دلاری تا نامرد ۹۵ میلیارد دلاری

آمریکائی‌ها به مرد ۶ میلیون دلاری که زورش هم آن قدرها زیاد نبود می‌نازیدند... ما انقلاب کردیم و سرانجام یک مرد ۹۵ میلیاردی راست راستی ساختیم که قیمتش و قدرتش ۱۶ هزار برابر مرد ۶ میلیون دلاری است. یک زمان مرد ۶ میلیون دلاری گران‌ترین آدم دنیا بود. «قدرت فراتسانی این شخصیت، خارق‌العاده بود... او می‌توانست با دست‌های مصنوعی‌اش دیوار را خرد کند، میله‌های آهنی بر او کارگر نبود، می‌توانست به چند متر بالاتر از سطح زمین بپرد، و سرعت دویدن او از یک

ماشین مسابقه هم بیشتر بود.» آدم کشتن برایش مثل آب خوردن بود آمریکایی‌ها خیلی به این سریال تخیلی‌شان می‌نازیدند. اما برای ما ایرانی‌ها مرد ۶ میلیون دلاری ارزان‌قیمت بود و زورش هم آن قدرها زیاد نبود! ضمناً ما اهل خیال‌بافی و تخیل هم نبودیم. پس انقلاب کردیم و سرانجام یک مرد ۹۵ میلیاردی راست راستی ساختیم که قیمتش و قدرتش ۱۶ هزار برابر مرد ۶ میلیون دلاری است. حالا روزی نیست که مرد ۹۵ میلیارد دلاری با قدرت غیر انسانی‌اش چندتا از ما را نکشد یا زندانی نکند یا مجبورمان نکند

جشن باشکوه و سنتی چهارشنبه سوری

SANTANA ROW

Park Valencia in Santana Row
Free to the public-Free parking
Live music & Performances

سه شنبه ۱۸ مارس ۲۰۱۴ از ساعت ۵:۳۰ تا ۸:۳۰ عصر

حمید رئیس‌یه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

Hamid Reiesieh
Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،
سریع، مطمئن و حرفه‌ای

Cell: (408)234-5793
Office: (408)298-2591



DRE#01326116 • NMLS# 344666

- ♦ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ♦ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ♦ Complimentary home evaluation
- ♦ No Cost Short Sales
- ♦ 1031 Exchange Transaction (Tax Deferred)

Your Trusted Advisor in
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ♦ www.hamidreiesi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008



دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

♦ درمان بیماری‌های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت‌های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا ♦ درمان بیماری‌های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی

♦ Foot related diseases ♦ Bunion, Callus, Corn ♦ Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦ Sports Medicine & Injuries ♦ Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦ Ankle Arthroscopy ♦ Pediatric Foot Conditions ♦ Flat Feet & Orthotics ♦ Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه‌ها پذیرفته می‌شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

منطقه در دوران حکومت بوش و زمان حاضر دید.»
وی ادعا می‌کند که تلفات در نتیجه جنگ و حملات تروریستی امروزه بمراتب بیشتر از زمان بوش است. البته

در سال ۲۰۰۹ زمانی که مردم ایران بپا خاستند، آمریکا با بی‌تفاوتی ایستاد و نظاره کرد. «بهار عربی» اوپاما را غافلگیر کرد، و در سال ۲۰۱۲ زمانیکه مردم در میدان تحریر جمع شدند،



وی خواستار برکناری متحد درازمدت آمریکا، دیکتاتور مصری حسنی مبارک شد. سپس حکومت محمد مرسی از حزب اخوان المسلمین را پشتیبانی کرد و آنگاه کودتای نظامی را نیز حمایت

به این نکته نیز اشاره نمی‌کند که جنگ عراق و افغانستان و گسترش فعالیت‌های گروه‌های بااصطلاح تروریستی نیز از زمان بوش آغاز شد.

کرد. در لیبی پرزیدنت اوپاما در زمینه اقدامات بین‌المللی علیه قذافی در آخر صف بود. سوریه نیز نمونه شکست فاحش سیاست خارجی آمریکا از جنگ جهانی دوم به بعد بود. زمانیکه پرزیدنت می‌توانست دخالت مؤثر داشته باشد تردید نشان داد و وقتی که دخالت کرد بی‌نتیجه بود. به شورشیانی که علیه رژیم اسد می‌جنگیدند اسلحه کافی نداد حتی برای حمله هوایی به سوریه منتظر رأی کنگره شد و در نتیجه روسیه توانست موافقت اسد را برای تحویل سلاح‌های شیمیایی جلب کند. فرگسون می‌گوید: «شکست استراتژیکی آمریکا را می‌توان در مقایسه امار تلفات در

فرگسون در پاسخ این پرسش که استراتژی رئیس جمهور چیست، به بخشی از سخنان اوپاما اشاره می‌کند که گفته است: «این به نفع شهروندان منطقه است اگر شیعه‌ها و سنی‌ها نمی‌خواستند یکدیگر را بکشند. اگر چه این تمام مشکلات را حل نمی‌کند ولی اگر ما بتوانیم ایران را متقاعد کنیم که بنحو با مسئولیتی رفتار کند، یکنوع توازنی بین شیعه و سنی بویژه سنی‌های منطقه خلیج فارس و ایران بوجود خواهد آمد.»

صلح به بهای جنگ

شهبلا صمصامی

با خروج نیروهای آمریکا از افغانستان، بنظر می‌رسد طولانی‌ترین جنگ این کشور به پایان خواهد رسید. ولی حالا این پرسش مهم مطرح شده است که آیا این آخرین جنگ آمریکاست. شواهد گوناگونی وجود دارد که نشان می‌دهد اشتباهی به جنگ و درگیری دست کم در بخش با قدرتی از سیاستمداران و کمپانی‌های با نفوذ که مجتمع نظامی - صنعتی و تکنولوژی جنگی را تشکیل می‌دهند هنوز بر جای خود باقی است. بحران‌های گوناگون بین المللی از درگیری‌های خشنونت آمیز در اوکراین گرفته تا ارائه جنگ داخلی در سوریه و عراق تا مذاکرات اتمی ایران، بهانه مناسبی است که بخش راست افراطی و نئوکنسرواتیوها، دولت اوپاما را مورد سرزنش قرار داده و سیاست خارجی وی را یک سیاست «عقب‌نشینی» بنامند. لابیست‌های عناصر دست راستی دولت اسرائیل در واشنگتن، به فشارهای خود افزوده‌اند و اعلام خطر می‌کنند که اعتیاد به مذاکرات با ایران اشتباه بزرگی است و کنگره باید تحریم‌های شدیدتری را تصویب کند که بتوان در صورت شکست مذاکرات بلافاصله آن را به اجرا گذاشت. برخی از اعضا، کنگره حتی دموکرات‌ها مانند «رابرت منندز» (Robert Menendez) معتقدند که گذاشتن تحریم‌های جدید به مذاکرات صلح کمک می‌کند.

آمریکا پلیس دنیا

«نیل فرگسون» (Nail Ferguson) استاد دانشگاه هاروارد در مقاله‌ای در «وال استریت جرنال» می‌نویسد: ما شاهد یک تغییر بنیادین در استراتژی امنیت ملی در آمریکا هستیم. هیچکس دیگر آمریکا را جادی نمی‌گیرد. خط قرمزی را که پرزیدنت اوپاما در مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه

هنرستان موسیقی نژاد



کلاس‌های خصوصی و گروهی

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی)

برای رده سنی ۴ سال تا ۸۴ سال

شما نیز می‌توانید به گروه‌های موسیقی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان در هنرستان موسیقی نژاد بپیوندید.

msnejad@aol.com

۷۸۶۴-۵۵۹-۸۰۸ (۴۰۸)

Ali Driving & Traffic School

کلاس‌های تعلیم رانندگی و ترافیک علی

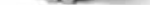
برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی.
- ♦ ما تضمین می‌کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد.
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می‌توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل‌های مدرسه ما نیز استفاده کنید.

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می‌توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس‌ها به زبان فارسی نیز عرضه می‌گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors

- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded



آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه‌ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

مواد مخدر، آزاد یا ممنوع؟

رضا حاجی حسینی

به رادیو زمانه می‌گوید: «ممنوعیت فروش و استفاده از مواد مخدر به علت سوددهی بسیار زیاد آن برای واردکنندگان و فروشندگان است. مطمئناً دسترسی آزادتر و ممنوع نبودن مواد، باعث کاهش شدید قیمت آن می‌شود. به نظر من ممنوعیت صرفاً باعث گرایش بیشتر به مواد مخدر می‌شود.»

جامعه و حق انتقاب

استفاده از مواد مخدر ممکن است روی زندگی فرد و سلامت جامعه تاثیر بگذارد، اما آیا ترس و هراس موجود در این زمینه، مبنایی واقع‌گرایانه دارد یا این‌که ایجاد ترس و وحشت، تنها راهکاری ضد تبلیغی برای مقابله با مواد مخدر و اعتیاد است؟ آزادی استفاده از مواد مخدر، در کنار آموزش افراد از سنین کودکی، راهکاری مناسب‌تر از ممنوعیت است. دادن حق انتخاب به افراد با ذکر عوارض استفاده از مواد مخدر ممکن است تاثیر بیشتری از ممنوعیت داشته باشد.

محمود صباحی، جامعه‌شناس مقیم آلمان و پژوهشگر دانشگاه لایپزیگ، درباره این موضوع به زمانه می‌گوید: «وقتی پرسشی درباره مواد مخدر در حضور یک جامعه‌شناس یا کارشناس علوم انسانی طرح می‌شود، نباید توقع پاسخ‌هایی از قبیل پزشکان را داشت. دنباله مطلب در صفحه ۵۰»

تازه‌ترین آمارها نشان‌دهنده کشف سالانه ۵۰۰ تن مواد مخدر در ایران است و این در حالی است که بنابر آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۶۰۰ تن مواد مخدر هم به مصرف می‌رسد.

برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر که از سال‌های پیش از انقلاب آغاز شده است، پس از شکل‌گیری جمهوری اسلامی و تشکیل دادگاه‌های انقلاب شدیدتر شد و در حال حاضر در دادگاه‌های انقلاب شهرهای مختلف ایران، احکام اعدام بسیاری برای متهمان به قاچاق مواد مخدر صادر می‌شود.

در مقابل اما میانگین سن شروع مصرف مواد مخدر در ایران به ۱۵ سال رسیده است.

آیا این برخوردهای خشن و حکم‌های سنگین تاثیری در میزان قاچاق و مصرف مواد مخدر داشته است؟ اساساً چرا باید استفاده از

مواد مخدر توسط دولت‌ها ممنوع اعلام شود و آیا رفع احتمالی این ممنوعیت، باعث افزایش تعداد معتادان خواهد شد یا اینکه ممکن است باعث از بین رفتن مافیای گسترده قاچاق مواد مخدر و کاهش استفاده از مواد مخدر بشود؟

یک روزنامه‌نگار آزاد از تهران در این باره

زندگی عده زیادی از ایرانی‌ها را مواد مخدر به هم وصل کرده است: آنها که می‌فروشند، آنان که مصرف می‌کنند و آنها که با فروشندگان و مصرف‌کنندگان مبارزه می‌کنند. به این عده باید خانواده‌ها و وابستگان‌شان را هم اضافه کرد. سالانه چهار هزار نفر در ایران به اعتیاد روی می‌آورند و ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در رابطه با مواد مخدر بازداشت می‌شوند. عده زیادی هم در همین رابطه پای چوبه دار می‌روند.

داشته است.» بر اساس یکی از آخرین گزارش‌های سازمان ملل، در حال حاضر نزدیک به ۲۲۰ میلیون معتاد در سراسر



جهان وجود دارد و از میان آنها، بین ۱۵ تا ۱۹ میلیون نفر، مواد اعتیادآوری از نوع تریاک، مرفین، هرویین... استفاده می‌کنند. مرکز اصلی تولید این مواد افغانستان است و ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش، از مسیرهای اصلی قاچاق مواد مخدر به اروپا و آمریکا به شمار می‌رود.

حسین ذبحی، معاون دادستان کل کشور به تازگی به خبرگزاری مهر گفته است: «برخی افراد در نقاط مختلف کشور به منظور دریافت مبلغ اندکی پول حاضر به قاچاق مواد مخدر می‌شوند و ۴۷ درصد زندانیان کشور را مجرمان مواد مخدر تشکیل می‌دهند.»

از سوی دیگر، مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرده است که در میان مواد مخدر، حبشیش و در میان داروها کدئین بیشترین مواد مصرفی در بین دانشجویان ایرانی هستند. حمید صرامی به خبرگزاری فارس گفته است: «بیشترین شیوع مواد در گروه نمونه دانشجویان به ترتیب حبشیش، تریاک، قرص اکس و شیشه بوده و در بین داروها بیشترین شیوع به ترتیب به کدئین، ترامادول، دیازپام و ریتالین اختصاص

Selahi Insurance Agency

سحر سلاهی

مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه، متناسب با نیازهای شخصی و تجاری، از معتبرترین شرکت‌ها

Affordable Care Act "ObamaCare"

♦ سلامتی و دندانپزشکی ♦ مسکن ♦ اتومبیل، قایق و موتورسیکلت ♦ محل کسب ♦ عمر و هزینه فوت

♦ Auto ♦ Home ♦ Boat ♦ Business ♦ Motorcycle
♦ Health & Dental ♦ Life & Final Expenses

Customer service you can count on!

(408) 931-6434

4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA

هستند که حدود ۲۰ درصد از آنان به علت فوت همسر، سرپرست خانوار شده‌اند و یکی از مهم‌ترین علل فوت همسر، تصادفات جاده‌ای است. از سوی دیگر حدود ۲۶ درصد از زنان کمتر از ۳۵ سال به علت طلاق، بی‌همسر شده‌اند.

۸۲ درصد از زنان سرپرست خانوار بیکار هستند
بر اساس سرشماری‌های انجام شده دو میلیون و ۵۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که در حال حاضر تنها ۱۸ درصد از آن‌ها شاغل و ۸۲ درصد از آن‌ها بیکار هستند.

رئیس مرکز آمار با بیان اینکه آمارهای گرفته شده از تعداد زنان سرپرست خانوار بر اساس سه گروه سنی کمتر از ۳۵ تا ۶۴ سال و بالای ۶۵ سال است، تصریح کرد: آمارها حاکی از آن است که بیشتر زنان میانسال سرپرست خانوار هستند.

نگاه‌های سنگین مسئولان به زنان سرپرست خانوار سخت‌تر از مشکلات معیشتی است وقتی پای درد و دل‌های یکی از زنانی که در عنفوان جوانی سرپرست خانواده شده و زیر آسمان همین شهر زندگی می‌کند می‌نشینیم از مشکلات مگویی می‌گوید که نیازمند بسیج شدن تمام دستگاه‌ها است تا بتوانند گوشه‌ای از بار مشکلات را از دوش این قشر بردارند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۰**

درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی آن را تأمین کنند.

اما اینکه این قوانین تا چه حد اجرایی شده است و آیا در عمل توانسته بخشی از مشکلات این قشر از جامعه را حل کند سؤالی است که مسئولان باید کارنامه عملکرد خود را در این زمینه ارائه دهند.

رشد دو برابری زنان سرپرست خانوار در سال ۹۰
در سرشماری سال ۹۰ که نتایج آن از

سوی سازمان آمار کشور اعلام شد از ۲۱ میلیون و ۱۱۰ هزار و ۴۸۱ خانوار، سرپرستی ۱۲ درصد از این خانوارها را زنان تشکیل می‌دهند و این در حالی است

که در سرشماری‌های ابتدایی تعداد زنان سرپرست خانوار ۵.۶ درصد بوده است اما در سال ۹۰ دو برابر رشد داشته است و رئیس مرکز آمار ایران پیش‌بینی می‌کند تا سه سال آینده آمار زنان سرپرست خانوار به ۱۵ درصد برسد.

همچنین حدود ۳۵ درصد از زنان سرپرست خانوار همسر دارند و سایر آن‌ها فاقد همسر

زنانی که معیشت خود را به سختی تأمین می‌کنند

زیر آسمان این شهر و در همسایگی ما و مسئولان، زنانی هستند که رشته زندگیشان کره خورده و برای اینکه بتوانند چرخ زندگیشان را بچرخانند کمر همت بسته‌اند، این افراد «زنان سرپرست خانوار» هستند. که با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند.

و زنانی که سرپرست خانوار هستند این است که شغل ثابت و سرپناهی داشته باشند تا سر هر سال نگران تخلیه منزل و کوچ کردن به آشیانه دیگری را نداشته باشند.



برای حمایت از زنان سرپرست خانوار اصولی در قانون اساسی آمده است که از جمله می‌توان به اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی اشاره کرد که دولت را موظف به بیمه خاص بیوگان، زنان سالخورده و بی‌سرپرست کرده است همچنین در اصل ۲۹ قانون اساسی نیز برخورداری از تأمین اجتماعی ذکر شده است تا از محل

به گزارش خبرنگار جامعه فارس، «برای امرار معاش و ادامه زندگی فرزندانم و برای اینکه آن‌ها بتوانند تحصیلات خود را به بهترین شکل ممکن ادامه دهند و محتاج کسی نباشم خودم مشغول به کار شدم، تاکنون برای یافتن کار به تولیدی‌ها و کارگاه‌های زیادی مراجعه کردم اما هرکدام به نحوی یا به دلیل سن بالای من و یا دلایل دیگر حاضر نشدند شغلی را به من بدهند و به همین دلیل مقداری پول تهیه کردم تا با آن بتوانم مقداری جنس تهیه کنم و با فروش آن‌ها حداقل، درآمد حلالی داشته باشم»

این‌ها دل‌گفته‌های زنی است که صبح‌ها برای رسیدن به پول حلال از خانه اجاره‌ای خود بیرون می‌آید، قصه پر غصه‌ای است قصه مادران، زنان و دخترانی که به هر دلیلی نان آور خانواده شده‌اند و باید هر روز با مشکلات زندگی دست به گریبان شوند تا روزی حلالی را به خانه بگردانند. بهترین وضعیت برای این گروه از دختران

**در صورتیکه قصد سرمایه‌گذاری و یا سکونت در شهر پترسون را دارید
لطفاً قبل از خرید و فروش املاکتان با من تماس بگیرید**

**Investment properties, primary homes or Ranches
in Patterson, just 1.5 hours from Bay Area**



#13072602, 4 Beds 3 Baths,
Bulit 2004 \$255,000



#14002643, 4 Beds 3 Baths,
Bulit 2004 \$259,000



#14003849, 4 Beds 3 Baths,
Bulit 2004 \$269,000



#13045728, 5 Beds 3 Baths,
Bulit 2006 \$319,000



#13064242, Farm home 2.4 AC
\$349,000



#13062258, Farm home 11 AC
\$549,000

Farid Yadollahi / Realtor

Lic: 01747681

franky@pmz.com

Cell: **(209) 275-8368**

فرید یداللهی مشاور املاک و وام

Guided by principles of Trust, Respect & Integrity! We empower people to achieve their dreams!

اینکه برای دانشگاه شهریه‌ای نمی‌پرداخته ولی به هر حال شهرستان زندگی کردن مخارجی داشته که او از عهده‌اش بر نمی‌آمده است. می‌گویم: «کاش بچه‌های بیشتری داشتی عوضش می‌توانستند ببینند کمکت و در خرجی خانه کمکت می‌کردند.» نیشخند می‌زند: می‌دانم چی را می‌گویی هر کی اینا رو گفته برای خودش گفته. من لای این ماشین‌ها جون می‌کنم که بچه‌هایم درس بخوندن تا مثل من راننده نباشند که اگر خواستند بیرون کنند اولین نفر باشم. همین الان هم شرمند بچه‌ها هستم.

یعنی ما اگه دو تا بودیم به

جای چهار تا زندگیمون لنگ بودا

خودش می‌گوید اسمش ریحانه است. گل زرگس می‌فروشد. ۱۴ ساله است و لایه لای ماشین‌ها با دو سه بچه دیگر کل کل و خنده می‌کند. جواب سوال‌ها را در ازای خرید گل، آن هم نه یک بسته، می‌دهد. معلوم است مناسبات خیابان را خوب یاد گرفته. می‌پرسم: «چند خواهر و برادر داری؟» جواب می‌دهد: «چند تا می‌خوای؟ همه مدل دارم. تنی. ناتنی»

۹ خواهر و برادرند. پنج تا از زن اول و چهار از زن دوم. پدرش الان فلج شده ولی قبلا هم کارگر یک کارگاه نجاری در پاکدشت و رامین بوده است.

هیچ کس تعداد دستفروشان این شهر را نمی‌داند. هیچ کس نمی‌داند چند کودک و نوجوان روزهای خود را لا به لای ماشین‌های ما و خیابان‌ها می‌گذرانند. آن‌ها از خیابان نمی‌ترسند. ماشین وحشتی برای آنان ندارند. آن‌ها میان همین آهن‌ها پوست انداخته‌اند.

همین الان هم شرمند بچه‌ها هستم

کریم مرد ۵۳ ساله‌ای که در این مسیر آچار ماشین می‌فروشد می‌گوید: «۶-۷ سال است که به دستفروشی روی آوردم. چاره‌ای نداشتم. چرخ زندگی‌ام نمی‌چرخید.» او راننده یک شرکت بازرگانی بوده است. هفت سال پیش تعدیلش می‌کنند. می‌گوید: «آنها هم شاید چاره‌ای نداشتند اول کار و تجارتشان خوب بود به منم می‌رسیدند

ولی وقتی وضع اقتصادی خراب شد همه را بیرون کردند. منم هر دری زدم کار پیدا نکردم و مجبور شدم دستفروشی کنم.» می‌پرسم: «چند فرزند داری؟» می‌گوید: «سه فرزند. دو تا مدرسه‌ای هستند و یکیشون دانشجو بود که دیگه نتونستم خرج دانشگاه را بدهم مجبور شد بیاد بیرون. الان رفته سربازی.» بعد توضیح می‌دهد که بچه‌اش دانشگاه سراسری می‌رفته ولی در شهرستان. می‌گوید که با

دستفروشان از فرزند بیشتر و زندگی شادتر می‌گویند!

نرگس نامدار

می‌شود. این نشان می‌دهد که هر روز وضع مردم بهتر می‌شود درست مانند

دخترک دستفروش می‌گوید فرزند بیشتر زندگی بهتر یعنی الان ما اگه دو تا بودیم به جای چهار تا زندگیمون لنگ بود. البته الان که بیشتریم زندگیمون مثل بنز داره می‌چرخه. کنایه اش به بیلبورد های با یک گل بهار نمیشود است و مانند پیرمرد آچار فروش و خانوم دستفروش و باقی رهگذران این روزهای خیابان های تهران با خنده از کنارش می‌گذرد.

بزرگراه همت آن قسمتی که مدرس را قطع می‌کند همیشه ترافیک است. چیز جدیدی نیست. این هم خبر تازه‌ای نیست که در این ترافیک هر روزه این محل دستفروشان و کودکان کار از فال حافظ گرفته تا سی دی و کلاه شیپوری و دستمال جادویی آشپزخانه می‌فروشند. همه جور تیپ و سنی را می‌توانی آنجا ببینی. چیزی که شاید بعضی توجه مسافران هر روزی این مسیر را جلب کرده باشد این است که هر روز بر تعداد دستفروشان افزوده می‌شود. هر روز کالای جدیدی به این بازار آورده



حرف‌هایی که رییس دولت قبلی مرتب از رسانه‌ها می‌گفت.

بعضی روزها و شب‌ها هستند که فاصله‌ها را بیشتر از همیشه به رخ می‌کشند. یکی از آن شب‌ها شب یلداست. شبی که همه می‌خواهند زود خود را به خانه برسانند. شبی که اغلب آدم‌ها با دست پر به خانه می‌روند. حساب این شب‌ها با بقیه شب‌هایی که به راحتی از کنار کودکان کار و دستفروش‌ها می‌گذریم فرق دارد.



دفتر حقوقی رامین مظفر

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

Ramin Mozaffar

Attorney at Law

Knowledgeable & Experienced

- ◆ Family Law
- ◆ Business Law
- ◆ Criminal Law
- ◆ Immigration Law



- ◆ امور خانواده
- ◆ امور تجاری
- ◆ امور جنائی
- ◆ امور مهاجرت

Law offices of Ramin Mozaffar

www.itlaws.com ◆ advocate@itlaws.com

<p>San Jose</p> <p>سن جوزه</p> <p>(408)288-8488</p>	<p>San Francisco</p> <p>سانفرانسیسکو</p> <p>(415)218-8141</p>	<p>San Mateo</p> <p>سن متئو</p> <p>(650)347-5800</p>
--	--	---

5201 Great American Parkway, Suite 320, Santa Clara, CA 95054



Fataneh Hooshdaran, D.C.

دکتر فتانه هوشداران

کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی‌های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته‌ترین وسایل پزشکی

- ◆ سر درد
- ◆ رماتیسم
- ◆ دیسک
- ◆ شانه و زانو درد
- ◆ دردهای عصبی
- ◆ دردهای گردن
- ◆ دردهای کمر
- ◆ دردهای دست



مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و
ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

اکثر بیمه‌های درمانی پذیرفته می‌شود

Serving: San Jose & Santa Clara

<p>(408)712-3788</p> <p>1610 Blossom Hill Rd., Suite #1 San Jose, CA 95124</p>	<p>(408)244-7677</p> <p>2797 Park Ave., Suite #103 Santa Clara, CA 95050</p>
---	---

تواند ایران را قهرمان جهان کند شاید باید از او که منتظر آمدن آقای وثوقی برای زنده کردن سینمای ایران است پرسید که آیا آنها می توانند سینمای ورشکسته ایران را نجات دهند! یوسفی سعی می کند برنامه خود را از تونل تاریخ ناسامانی که با حرف های سعید راد شکل گرفته است خارج سازد. مطمئن باشید که این آخرین باری است که او سعید راد را که معلوم نیست چه کسی او را حمایت کرده است به برنامه اش خواهد آورد. شاید آقای راد که فکر می کرد صدای مستقل و حامی استقلال را به گوش همه رسانده است از گفته های خود پشیمان شده باشد.

جناب روحانی رئیس جمهور جدید که وارث یک وضعیت اقتصادی فاجعه آمیز است پیش از همه در تلاش برای سبک تر شدن فشارهای بین المللی و به ویژه تحریم هاست و برای او ورزش و تیم ملی فوتبال مساله صدم هم نیست. او می کوشد تا اقتصاد عقب مانده را به حرکت درآورد. بنابراین چه او در یک جلسه مجلس گفت در سال جاری اقتصاد کشور ۵,۶ درصد رشد منفی داشته است. رئیس جمهور پیشین ادعا می کرد که این رشد شش درصد مثبت است.

هر دو رئیس جمهور قول داده بودند که به تیم فوتبال کمک کنند و از آقای کی روش خواسته اند که صبر و حوصله داشته باشد.

دنباله مطلب در صفحه ۰۱

هدایتی یا بابک زنجانی دل خوش کرده است که در فوتبال به برداشت های آخر الزمانی و حضور آقای غایب دل بسته اند. او این را ماموریتی برای هر ایرانی دست به دهان رسیده ای می خواند و یا ماموریتی برای آنها می داند تا از نومییدی و یاسی پرده بردارند که در اطاق های تاریک فدراسیون فوتبال رخنه کرده است. او از این ثروتمندان می خواهد به عاشقان در فوتبال فکر کنند که با عشق به فوتبال روز را به شب می رسانند. او همه را بزیر سؤال می برد و حتی انقلاب را، و برخی او را به خاطر رفتار ظفره آمیزش مورد سرزنش قرار داده اند که آیا او ایرانی تر از آقای کفایشان است؟

آقای سعید راد هنرپیشه سابق در یک برنامه تلویزیونی بر او ایراد می گیرد که چرا این ژوینرهای خارجی را به تیم ملی آورده است. مگر در ایران جوان وجود ندارد. اما همه به آقای راد که خودش تازه به ایران برگشته است تا سینمای ایران را نجات دهد می خندند. او نشان می دهد که چیزی از ورزش نمی داند، و مجری تلویزیونی ورزشی عرق می کند که چرا او را آورده است. آقای یوسفی مجری برنامه به در و دیوار می زند که برنامه اش را از گفته های آقای راد التیام بخشد اما سعید خان که دیگر جوان نیست و موهایش ریخته است. دوباره کی روش را متهم می کند که چگونه نمی

ورزش از نگاه من

دکتر احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com



اما هرگز پاسخی نمی شنود. او به خوبی می داند که هنوز هم خورشید هر روز از مشرق طلوع می کند و در میان پوشه های خاک خورده فدراسیون و از اطاقی به اطاق دیگر بدنبال برنامه ریزی است. ایرانی ها شیفته نگاه او هستند و او را ستایش می کنند در حالیکه مخالفان او کم نیستند. او هزاران سال نوری از همه جلوتر فکر نمی کند و در همین حال در همین سیاره ای که زمین نام دارد زندگی می کند. کار در کنار مربیان بزرگی مثل سرالکسی فرگوس و تیم های چون رئال مادرید با آن سازمان مدیریتی به او آموخته است که فرهنگ یک جستجوی جاری و مداوم اندیشه است. اما در فوتبال ما فرهنگی نیست چون فکری دیده نمی شود و برنامه ریزی وجود ندارد. او در برنامه تلویزیونی از همه می نالد. برای او رفتن با تیم ایران به جام جهانی اعتباری را که سالها برای آن زحمت کشیده است در حال سقوط می بیند. زنگ آخرین ساعت های آمادگی به صدا درآمده است. او به بیداری دیر هنگام وجدان آدم هائی مثل آقای حسین

در دهکده کوچک، پرهیاو و جهانی فوتبال شهروندان جهان از دوازدهم ماه June تا سیزدهم ماه July یک ماه سراسر از هیجان رادر روبرو خواهند داشت. در حال حاضر ما از عصر جدیدی از فوتبال سخن می گوئیم، بدون توجه به اینکه شما دوستش دارید یا نه، مدتهاست دیگر ستاره های بزرگ متولد نمی شوند، ستاره هائی مثل پله برزیلی که این بار بازیها در برزیل است، یکن باوئر آلمانی، کرایف هلندی، مارادونای آرژانتینی و پلاتینی فرانسوی.

تیم ایران گرچه برای این بازیها انتخاب شده است، اما حال و روز خوشی ندارد. آقای کی روش مربی تیم ملی که پراوازه و نامدار است می گوید من ایران دوست هستم و ایران را ستایش می کنم اما من قایقران رودهای خشک نیستم. او ارگانیک فکر می کند و می گوید: «شما مملکت فقیری نیستید، چرا پول نیست؟!» او که تیم ایران را در سخت ترین شرایط روانه این بازیها کرده است، مردی است برای همه فصل ها. او از همه می پرسد «صلاح کار کجا و من خراب کجا»

حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi
Experienced & Professional
Real Estate Consultant & Developer

منطقه
منطقه
منطقه

خرید منزل می تواند بزرگترین سرمایه گذاری در طول زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Location! Location! Location!

Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)-366-2180 + (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070

دکتر علی شیرزادی

متخصص و جراح بیماری های مغز و اعصاب

Fellowship Trained in Spinal Disorder



Ali Shirzadi, M.D

کلینیک مجهز به پیشرفته ترین تجهیزات
برای تشخیص و جراحی بیماری های مغز و اعصاب

Our mission is to serve our patients to the best of our ability by providing them with the best neurosurgical care available.

- * Brain & Spinal Tumors
- * Neck & Back Pain
- * Spinal Surgery
- * Neurovascular Surgery

- * تومور مغز و ستون فقرات
- * گردن و کمر درد
- * جراحی ستون فقرات
- * جراحی عصب ها

www.southbaybrainandspine.com

Tel: (408)358-0133 Fax: (408)358-8134

2577 Samaritan Drive, Suite 710, San Jose, CA 95124

ترانه تیم ملی را خواجه امیری می خواند

محمدرضا ملامحمد رئیس کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال کشور اعلام داشت که پس از بررسی های بسیار و برگزاری جلسات متعدد قرار بر این شد که احسان خواجه امیری، فرزند خواننده مشهور، ایرج، ترانه تیم ملی فوتبال ایران را در جام جهانی بخواند.

معرفی فرهنگ کشورمان، قدم موثری برداریم و سعی خواهد شد تا از تمام توانمندی داخلی خود استفاده کنیم. وی افزود: پس از ساخت ترانه و موسیقی تلاش خواهیم کرد در کمتر از دو ماه آینده پس از تولید، طی مراسمی از این موسیقی رونمایی کنیم. **دنباله مطلب در صفحه ۴۷**

میلیون ها هواداری دارد که در سرما و گرما، از کیلومترها دورتر خود را به استادیوم می رسانند تا تیم و بازیکن محبوب خود را تشویق کنند. شاید آقایان نکونام، جباری و منتظری بتوانند با یک نیم فصل بازی کردن در لیگ های عربی چند میلیون دلار درآمد کسب کنند اما قطعاً جایی در دل فوتبال دوستان ایرانی نخواهند داشت. کاش همه ی ورزشکاران ما غیرت و تعصب را از الله کرم استکی یاد بگیرند که اجازه نداد تا پول کشورهای بیگانه که سعی در تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی را دارند، بر سر سفره خود بیاورد. درود بر شرف این فرزند پاک میهن.

به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، وی در ادامه گفت: "تولید ترانه تیم ملی در جام جهانی کاری است با ویژگی های بسیار جذاب و ساده که در عین سادگی، مقبولیت عامه و همه گیر دارد و در تلاش هستیم تا با ساخت این موسیقی و در نهایت کلیپ تصویری آن، در جهت

را با دلارهای عربها عوض نمی کند گفت: پیشنهادی که قطری ها به من داده بودند زندگی ام را تا آخر عمر تامین می کرد اما واقعا از ته دل نتوانستم با آنها کنار بیایم. ارزش کار الله کرم را وقتی بیشتر متوجه می شویم که به فوتبال، ورزش مورد علاقه اکثریت مردم ایران نگاه می کنیم. همین سالی که گذشت سه تن از بازیکنان ملی پوش ما تیم های باشگاهی خود را در حالی که کماکان قرارداد داشتند رها کردند و به لیگ های ضعیف قطر و کویت پیوستند. شاید باشگاهی مثل استقلال توانایی پرداخت همانند باشگاههای عربی نداشته باشد اما



استکی گرفته بودند و می خواستند او را در عمل انجام شده قرار دهند. قطری ها به وی پیشنهاد داده بودند که تمام امکانات زندگی، تحصیل، ورزش و حقوق ماهیانه

ماهی که گذشت ورزش ایران پُر بود از حاشیه های مختلف، از دعوی دوباره مایلی کهن و دایی گرفته تا خداحافظی خولیو ولاسکو با ایران و یا حتی قهرمانی



را برای وی فراهم می کنند اما الله کرم استکی این پیشنهاد را نپذیرفت. او گفت اول از همه من نمی توانم به کشور و مردم کشورم پشت کنم و بعد هم طاقت نداشتم تا در بازی های مختلف برابر تیم ملی کشورم و سجاد (برادر کوچکترم) قرار بگیرم. ترجیح دادم در ایران بمانم و برای برافراشته شدن پرچم کشورم تلاش کنم. الله کرم استکی با بیان این که خاک ایران

تراکتورسازی در رقابت های جام حذفی؛ اما خیر مربوط به الله کرم استکی ملی پوش ارزشمند هندبال ایران توجه من را بیشتر از سایر خبرها جلب کرد. ماجرا از این قرار بود که قطری ها پیش از شروع لیگ هندبال این کشور از این ملی پوش کشورمان تقاضا کردند بودند که با قبول تابعیت این کشور برای تیم ملی قطر بازی کند. آنها حتی گذرنامه قطری برای



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴ (۴۰۸)

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

جلب می کنند، برایشان امکاناتی فراهم می آورند تا بازگشت به وطن را به هر نحوی (آزادی اجتماعی، رفاه زندگی، زیبایی شهرها، امکانات تکنولوژی...) فراموش کنند و در جامعه آنها حل و در عین حال باعث شکوفایی آن جوامع شوند. آنچه فیلم می توانست مطرح کند، با عرضه نظرات این دانشجویان، آگاه ساختن دولتمردان ایران (هرچند آنان مطمئناً به این معضل واقف هستند ولی اقدامی صورت نداده و یا نمی دهند) و یا مجبور کردن آنها در برابر دوربین بود تا به این فاجعه فرار مغزها نگاهی جدی داشته باشند.

به نظر می رسد دولت ایران از اینکه ایرانی های بسیاری در سراسر دنیا در دانشگاه ها، مراکز اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، هنری... کشورهای غربی شاغل کار و شکوفایی هستند و به نحوی باعث افتخار ایران، از این موضوع راضی هستند چرا که در برابر فرار مغزها سدی ایجاد نمی کنند تا این بهره برداری و شکوفایی شامل مملکت و هموطنان آنان شود.

حسین شمقدری، با عرضه ی نیمی از این معضل، نیمه دیگر را که می تواند پاسخگوی نیمه نخست (گفتگو با دانشجویان) باشد را رها کرده و بطور کلی فیلمی ناقص و نیمه کاره عرضه می کند.

مطرح می کند، ولی در طول بررسی اش از سطح فراتر نمی رود و اصلاً یا به علت کمبود آگاهی یا عدم هدف، از نگرش به این ضایعه که در دراز مدت به جامعه ایران ضرر می رساند، در بررسی با گفتگوهایش با دانشجویان ایرانی شاغل تحصیل در دانشگاه های اروپایی، عاجز می ماند و صرفاً آن را در حد یک نگرش رها می کند. «حسین شمقدری» (فیلمساز) در برابر



مسائل و مطالبی که این دانشجویان مطرح می کنند، نمی کوشد تا با دولتمردان و دست اندرکاران مسئول نیز چنین معضلی را در میان بگذارد و پاسخ و راه حلی از آنان بطلبد. فیلم از این نظر کمبود دارد و صرفاً یک طرفه به قضیه فرار مغزها می نگرد بی آنکه پای دست اندرکاران دولتی را هم به این بحث بکشد تا ابتدا آنان را با این معضل آشنا کند، بعد از آنان بخواهد تا راه حلی برای این تحلیل اندیشه در ایران بیابند. آنچه مشخص است، بعد از انقلاب، اکثر کشورهای غربی نفع عظیمی از این واقعه نصیب شان شد. دانشجویان نخبه ایرانی را

فرار مغزها ادامه دارد

سعید شفا



جاذبه خاصی داشته، اما این جاذبه از زمان انقلاب به بعد شدت یافته و باوجود اینکه در حال حاضر دانشگاه ها و یا دانشکده های بسیاری در سراسر ایران هست که می توانند جوایگوی نیاز علاقمندان رشته های مختلف باشند، اما از شدت و جذابیت رفتن به خارج برای تحصیل نه تنها کاسته نشده بلکه افزایش غیر قابل تصویری هم داشته است. بخشی از این جذابیت همان سراب ها و فریبندگی های ظاهری جوامع غربی است که در ایران نیست، و بخش دیگر، برای آنهایی که صرفاً تحصیل مدنظرشان است، امکانات پیشرفته دانشگاه های خارجی است که می توانند پاسخگوی علاقه آنان برای کسب تحصیلات عالی باشند. سؤال اصلی هم اینجاست که از میان این دو گروه چه درصدی به ایران باز می گردند؟

«میراث آلبرتا» در عین آن که مسایلی را

فیلم جدید «حسین شمقدری» به اسم «میراث آلبرتا ۲» نگاهی دارد به کوچ دانشجویان ایرانی به خارج. بخش نخست این «میراث» را من ندیده ام و مرور



حاضر درباره «روایت اروپایی» آن است. فیلم با پرواز هوایم می هما، بعد از یک مقدمه کوتاه، به خارج شروع و با پروازی مشابه به ایران خاتمه می گیرد. در فاصله این دو پرواز، گفتگوهای بسیاری هست با دانشجویان ایرانی در دانشگاه های اروپایی و پرسش های یکنواخت با پاسخ های متفاوت آنان. آنچه مسلم است از دیرباز «فرنگ» رفتن برای ایرانی ها



دفتر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services

- ✓ Integrity ✓ Respect
- ✓ Commitment ✓ Expertise

Advisor You Can Count On!



با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می دهیم

Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

- ◆ تهیه و تنظیم امور مالیاتی و حسابداری برای اشخاص و شرکت ها ◆ تهیه اظهار نامه های مالیاتی برای سازمان های غیر انتفاعی ◆ برنامه ریزی برای کاهش مالیات بر درآمد ◆ مشاوره و برنامه ریزی امور مالی و مالیاتی
- ◆ تهیه و تنظیم گزارشات ماهانه، سه ماهه و سالانه، سود و زیان و ترازنامه
- ◆ Business & Tax Planning/Consulting ◆ Financial Statement Preparation ◆ Tax Preparation for individual & Businesses
- ◆ Corporation, Partnership, Non Profit ◆ Automated Bookkeeping & Payroll Services ◆ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

Work: (209)835-9655 (408)440-9622

Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ◆ behnamaccounting@yahoo.com

504 W 11th Street, Tracy, CA 95376

دکتر ستاره مظفری

استادیار دانشگاه UOP و استادیار سابق UCONN
دارای درجه دیپلمات در بُرد تخصصی ارتودنتسی از آمریکا
Diplomate, American Board of Orthodontics



Setareh Mozafari, DDS



We take pride in providing comprehensive patient care in all phases child, adolescent and adult orthodontics.

برای مریض های بدون داشتن بیمه تسهیلاتی در نظر گرفته شده است!

- ◆ ارتودنتسی ◆ مشکلات فکی ◆ ردیف کردن دندانهای نامرتب
- ◆ درمان کودکان، نوجوانان و بزرگسالان ◆ انواع براکت ها

- ◆ Early-Age, Adolescent & Adult Orthodontic Treatment
- ◆ Surgical Orthodontics ◆ Invisalign ◆ Retainers

مطب دارای پیشرفته ترین و مدرنترین تجهیزات و تکنیکهای جدید در معالجات ارتودنتسی برای انجام آخرین درمان های پیشرفته

(408)610-9886

www.DrMOrthodontics.com

10055 Miller Ave., Suite #103 Cupertino, CA 95014



معشوق همین جاست

در زندگی دوبار به حج رفتم و حاجی شدم اما هرگز به عربستان نرفتم. حالا کوسه ریش پهن چه گونه امکان دارد نیازمند توضیح است. یک بار آن جایی بود که حتی نام آن کعبه است. کعبه زرتشت. گرچه بسیاری حتی نام آن را نیز نشنیده اند. آتشکده ای است از دوران کهن در نقش رستم فارس با بنای مکعبی، چشم در چشم آرامگاه شاهانی که ایران امروزی را پی ریختند و روش کشورداری شان همواره رشک تاریخدانان باختر زمین بوده و در سده های پسین هرگز تالی نداشته اند. نسخه دیگری از همین کعبه بازهم در استان فارس است: در پاسارگاد، اما تنها یک دیوار از آن به جای مانده در نزدیکی بنایی که به راستی کعبه ایران است: آرامگاه کورش بزرگ. کسی که به واقع براننده عنوان شاهنشاه (شاهان شاه، شاه شاهان) بود. پاره ای او را پیامبر نامیده اند گرچه بدون شک چنین عنوانی کاستن از شأن اوست. تنها عاملی که به طرز حیرت انگیزی آرامگاه او را از گزند همه غارتگران این مرز و بوم پاسداری کرده این تصور اشتباه بوده که آن جا مقبره مادر سلیمان است. حالا سلیمان که وجود خودش زیر سؤال است مادرش در ایران چه می کرده لابد ترفند و مزاح میهن پرستان زرتشتی بوده که به قصد محافظت از آن مکان مهم در میان مردم رواج داده شده بود زیرا انسان از تنها چیزی که واهمه دارد بالای آسمانی است. دم و دستگاه مقدسین شوخی سرش نمی شود. این یکی از موارد نادری است که دین سبب خیر شده باشد.

عقبتگرد تاریخی

در پای پلکان آرامگاه پدر ایران ایستاده بودم و به این فکر می کردم که وای به حال کشوری که بزرگترین رهبرش اولین رهبرش بوده باشد. ما ایرانیان مسیر تاریخ را معکوس پیمودیم. با کورش شروع کردیم و به فلاکت امروزی رسیدیم در حالی که انسان هایی که در زمان کورش در جنگل ها می زیستند امروز به بالاترین پیشرفت های بشری رسیده اند.

و اما دومین سفر حج به شهری بود که اصلاً حال و هوای مقدس و آن جهانی ندارد یعنی سن فرانسیسکو!

داستان این بود که در این اواخر کتیبه حقوق بشر کورش را به طور امانت از انگلیس به موزه ای در این شهر آورده بودند و از دست

بسیاری از کشورها به دنبال استرداد آثار باستانی خود از موزه های غربی هستند اما این پرسش پیش می آید که با توجه به بی ثباتی کشورهای که زمانی مهد تمدن بشری بوده اند آیا صلاح است که این آثار از موزه های امن اروپایی به کشورهای برگردد که هرچند سال شاهد شورش، انقلاب، کودتا و غارت هستند؟ تجربه سالهای اخیر کشورهای مثل افغانستان، عراق، سوریه و مصر نمونه های خوبی هستند. آیا مردمی که با دینامیت آثار باستانی خود را به اسم بت ویران می کنند شایستگی حفاظت از موزه های خود را دارند؟ اگر کتیبه کورش از ابتدا در موزه های کشور من در آوردی عراق نگهداری شده بود آیا امروز اثری از آن باقی مانده بود؟

ماراتن و عهد بوق

۱۵ سال پیش در ماهنامه پژواک طی نوشتاری متذکر شده بودم که وجود ورزش دو ماراتن در المپیک توهین مستقیمی به ایرانیان است. یکی از دوستان مذهبی با شنیدن این حرف به من خندید که ای بابا، این مسائل مال عهد بوق است. پاسخ دادم: بدون قصد توهین، آیا واقعه کربلا که شیعیان به خاطر آن به سر و سینه خود می کوبند و بعضاً خود را مجروح می کنند مال عهد بوق نیست؟ در واقعه دشت ماراتن یک طرف نبرد ایرانیان بودند و طبعاً این مسئله به ما مربوط می شود اما در کربلا هیچ کدام از دو طرف ایرانی نیز نبودند. نمی دانم چرا هرکس اعتقادات جهان وطنی پیدا می کند قبل از هر چیزی بی غیرت می شود. سالها پیش برای دوستی که تمایلات چپی داشت از شکوه تخت جمشید می گفتم. پوزخندی به لب داشت. وقتی عکس هایم را در کنار ستون های آن دید به مسخره گفت: من که شکوهی نمی بینم. آقایی را می شناسم که در گذشته میهن پرست بود. در سالهای اخیر به ادیان هندی گرایش پیدا کرده در جلسه ای می گفت: چه اشکالی دارد که به خلیج پارس بگویند خلیج عربی. مگر یک میلیون سال پیش نام آن خلیج فارس بوده؟! و باز از افاضات اوست که: چه اشکالی دارد اگر بعضی از اقوام جدایی طلب ایرانی بخواهند قسمت هایی از ایران را تجزیه کنند؟ اگر این طور خوشحال می شوند بگذار بکنند!

میویدگان گنج یا دزدان آثار باستانی؟

بی توجهی به آثار باستانی آن قدر ریشه دار است که قبح بعضی از کارهای ننگین را از بین برده. صفحه نیازمندی های روزنامه های ایران پر است از تبلیغ دستگاه های فلزیاب در حالی که اکثر خریداران این دستگاه ها دزدان آثار باستانی هستند. معلوم نیست دولت به چه دلیل جلوی خرید و فروش این گونه ابزارهای دزدی را نمی گیرد. یکی از خریداران این دستگاه ها را می شناختم که هر سال به ثروتش افزوده می شد. شخص

دیگری در یک جمع ایرانی در آمریکا با آب و تاب سوابق خودش را در حفاری غیرمجاز و فروش آثار باستانی به خارجیان تعریف می کرد و برای فریب خود و دیگران نام آن را گنج گذاشته بود. در ایران همه گنج ها آثار باستانی هستند و همه جویندگان گنج، دزدانی که باید جایشان پشت میله های زندان باشد. تجارت آثار باستانی آن چنان رونق گرفته که پاره ای آدم ها و گاه کشورهای همچون چین آثار باستانی را تولید می کنند! این باعث شده که اصالت اکثر آثار باستانی که در دهه های اخیر کشف شده اند به زیر سؤال برود. نمونه شاخص آن شیردال است که دولت آمریکا بعد از توافق اتمی ژنو آن را به ایران بازگرداند و به احتمال زیاد جعلی است.

تمدن ایران چند هزار ساله است؟

تمدن ایران پارچه ای شده ای شده که هرکس آن را به قواره خود می دوزد. عده ای آن را ۲۵۰۰، بعضی ۴۰۰۰ و پاره ای ۷۰۰۰ سال می دانند. من نمی دانم برخی از این اعداد و ارقام از کجا آمده اند اما اعداد و ارقام تایید شده اینها هستند: اولین شاهنشاهی سراسری ایران توسط کورش بزرگ در سال ۵۵۰ قبل از میلاد ایجاد شد. اما قبل از آن قوم آریایی ماد حکومت خود را در سال ۷۲۸ ق.م. بنیان گذاشته بودند. قبل از آن نیز تمدن ایرانی ایلام با ۵۲۰۰ سال سابقه بنا به گفته ویکی پدیا اولین کشور دنیا بوده که شامل استان های خوزستان، ایلام، کهگیلویه و بویر احمد امروزی و نیز بخش هایی از استان های فارس، بوشهر، لرستان، چهارمحال بختیاری و کرمانشاه بود و حتی شهر سوخته سیستان و تمدن جیرفت را با ۵ هزار سال قدمت بخشی از ایلام می دانند. اگر بازهم به عقب برویم من خود در موزه ایران باستان کوزه ای به ارتفاع قد یک انسان با قدمت ۹ هزار سال را دیده ام. این یعنی ۴ برابر فاصله زمانی که ما با هخامنشیان داریم! در جایی که کوزه تولید می شده به یقین شهر و کشاورزی نیز بوده. کشاورزی در ایران از ۱۲ هزار سال قبل رواج داشته (راديو فردا، ۱۸ تیر ۱۳۹۲ به نقل از تارنمای ان آر پی آمریکا و نیز صدای آمریکا، ۱۵ تیر ۱۳۹۲ به نقل از مجله ساینس). آیا بازهم می توان به عقب رفت؟ بله! در جای جای فلات ایران آثار و نقاشی های انسان های غارنشین متعلق به ده ها هزار سال پیش یافت شده اند. انسان در ابتدا در آفریقا به وجود آمد و سپس در دو مسیر مهاجرت کرد. یکی به اروپا و دیگری از طریق ایران به شرق آسیا. در جزیره قشم آثار سکونت انسان با قدمت ۱۵۰ هزار سال کشف شده (رئیس میراث فرهنگی قشم، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۰)

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

از رودکی تا فروغ
گردآوری و نگارش: مهندس پرویز نظامی



سیر عشق و عرفان از مولوی تا مشیری

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم
دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم
دیده سیر است مرا، جان دلبر است مرا
زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم
گفت که دیوانه نه‌ای، لایق این خانه نه‌ای
رفتم دیوانه شدم، وز طرب آکنده شدم
گفت که سرمست نه‌ای رو که از این دست نه‌ای
رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم
گفت که تو شمع شدی، قبله این جمع شدی
جمع نیم، شمع نیم، دود پراکنده شدم
گفت که شیخی و سری، پیشرو و راه بری
شیخ نیم، پیش نیم، امر تو را بنده شدم
گفت که با بال و پری، من پر و بال ندم
در هوس بال و پرش، بی پر و پر کنده شدم
گفت که شیخی و سری پیش رو و راهبری
شیخ نیم پیش نیم امر تو را بنده شدم

مولوی در سن ۳۴ سالگی مردی بود مستعد و یارمند، سنگ وجودش، سنگ پذیرایی نور خورشید عشق الهی بود. یکپارچه گذاخت و لعل شد، پر از خورشید شد... شمس تبریزی بر جانش تابید، سراپا از خود تهی و از شمس پر شد. افسار استور را رها کرد. «خرقه از سر به در آورد و به شکرانه به سوخت» به خانه خمار روی آورد، از دست ساقی باده گرفت، مریدان از پیرامونش پراکنده شدند، تنها شد، فارغ شد، به «جمعیت خاطر» رسید. شکنج گیسوی یارش «مجمع پریشانی» گردید. در برابر چشمان حیرت زده شاگردان و مریدان به پایکوبی و دست افشانی پرداخت، به رقص در آمد. با وجد و شور و جذب می گفت و می خواند:

Nowrouz 2014

Sunday march 9th at 3:00

5001 Great America Pkwy
Santa Clara, Ca.

For more information call:

(408) 829-8296

نوروز

۱۳۹۳

برنامه ای برای
تمام اعضای خانواده

رقص، موسیقی

تئاتر، شعبده بازی

به همراه:

حاجی فیروز و عمو نوروز



Alborz Farsi School

Alborz Academy
مدرسه فارسی آلبرز

E-Mail: AlborzFarsiSchool@gmail.com

فکر دیگران نباشد.
آن کس که به دینار و درم خیر نیندوخت
سر عاقبت اندر سر دینار و درم کرد
خواهی متمتع شوی از دینی و عقبی
با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد
در مکتب عرفان سعدی بر کرامت و آزاد
منشی که از خصال و سجایای والاست و
بدون آن عروج به مقامات عالی انسانی
غیرممکن می باشد تأکید بسیار شده است:
سعدی می گوید «کرامت، جوانمردی و نان
دهی ست» براستی، کرامت، جوانمردی،
گذشت و خویشکاری است. شطح و
طامات و فریب و ریا و به خواری کشیدن
انسان، دور از جوانمردی و کرامت است.
دل بستن به مال و منال و جاه و مقام دنیا
که زندگی در آن آنقدر کوتاه و بی ثبات
است در شأن یک انسان اندیشمند و آگاه
و عارف نیست و انسان با فضیلت باید به
زیور کرامت و سخاوت و آزادگی و آزاد
مردی آراسته گردد:

بر آنچه می گذرد دل منه که دجله بسی
پس از خلیفه بخواید گذشت بد بغداد
گرت ز دست بر آید چون نخل باش کریم
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
معرفت به معنی مرورت است. همین اصطلاحی
که مردم کوچ و بازار بهم «بامعرفت» یا «بی
معرفت» می گویند. در روزگار قدیم وقتی
کسی به کسی می گفت تو معرفت نداری
یعنی از عرفان بی خبر هستی.

عرفان را نباید در اصطلاحات دهان پرکن و
بی محتوا جستجو کرد. عرفان آن نیست که
در «کشف المحجوب»، «اسرارالتوحید» یا
«تذکره اولیا» یا در «فتوحات مکیه» و
امثال آنها آمده است. عرفان همین است که
سعدی گفته - بهترین و ساده ترین طریق
برای شناخت و درک عرفان، سخنان سعدی
در دو شاهکارش بوستان و گلستان درج
گردیده است. عرفان همان سخن مردم با
معرفت و با مروت کوچ و بازار است.
عرفان معرفت است و مرورت است و
معرفت این است که انسانی را از رنج
و درد و اندوه برهانی، نه اینکه رنجی و
دردی و اندوهی بر رنج ها و دردها و اندوه
هایش بیفزایی یا او را در درد و رنج رها
سازی، این معنی ساده و روراست و همه
فهم «عرفان» است. «چه نیکو بود مهر،
در وقت کین». سعدی سخن را به مرزی
می رساند که فراتر رفتن از آن به گمان
هم نمی گنجد. در کوتاه ترین عبارت و
کمترین واژگان، بهترین و بالاترین معنی
را گنجانده است. در سخنان خیام و حافظ
و بالاتر از همه در شاهنامه فردوسی نیز
«عرفان» در معنی عالی، والا و خردمندانه
اش جلوه گری می کند «شاهنامه آبخور
عرفان» است. دنباله مطلب در ماه آینده

گفت مرا دولت نو، راه مرو رنجه مشو
زانکه من از لطف و کرم، سوی تو آینده شدم
شکر کند عارف حق، کز همه بردیم سبق
بر زهر هفت طبق، اختر رخشنده شدم
زهره بدم ماه شدم، چرخ دو صد تاه شدم
یوسف بودم، زکنون، یوسف زاینده شدم
با تو ام ای شهر قمر، در من و در خود بنگر
کز اثر خنده تو گلشن خندنده شدم
باش چو شطرنج روان، خامش و خود جمله زبان
کز رخ آن شاه جهان، فرخ و فرخنده شدم
و این است معنی انسان و عرفان، عشق
و آفرینش یا: این است معنی «زایش
دوباره در آفرینش و عشق». «من» به
«تو» پیوسته و از «من و مایی» تهی و
تجلی گاه «او» شده است و «او» در این
وجود یکپارچه و به اندام، بلورینه گردیده
است. همه «او» شده و به «خویشتن
خویش» رسیده، با هستی و جهان هستی در
هم آمیخته و یکپارچه پاک و پالوده گشته
از کبر، غرور، کین، خشم، آز، آزار، جهل،
ظلمت، بیداد... و آراسته شده به داد، مهر،
عشق و خویشکاری... و خواهان: خوشی،
خویشختی، کامروایی، فراخی زندگی،
جمعیت خاطر... برای مردم و برای همه
آفریدگان آفریدگار دادار...

همزمان با مولوی در خطه شاعر پرور شیراز
یکی از پرفروغ ترین ستارگان آسمان ادب
پارسی - سعدی شیرازی چشم به جهان
گشود - شاعر و عارف متفکر و اندیشمندی
که جهان همانند او بسیار کم دیده و اینک
هفتصد و اندی سال است که پیام عشق و
عرفان او در سراسر جهان گسترده شده -
سعدی آموزگار عشق و الفت است و دیوان
کلیات او علیرغم در خود داشتن پاره ای
ایات که تناسبی با روح عشق و عرفان
واقعی او ندارد بر تارک شاهکارهای ادبی -
عرفانی درخششی تابناک دارد.

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی
سعدی عارف به روشنی تصریح می کند
که همه انسانها دارای یک گوهر وجودی
مشترک با خود و خداوند هستند که لازمه
آن عشق، معاضدت، غم یکدیگر خوردن،
نیکوکاری، شفقت و انسان دوستی است.
خود شناسی اصل اساسی و بنیادی است
در سلوک انسان به کمال و شرط اول آن
مبارزه با خودخواهی و خودبینی است. تا
خودخواهی و خود بینی را انسان در خود
از بین نبرد، نمی تواند خود را بشناسد.
خودخواه، یعنی جز خود چیزی نخواهد، همه
چیز و همه کس را برای خود بخواد و به

منطقه فضول آباد

◆ داداش من همه چی میخونه جز درساش.
 ◆ من دلم می خواد بریم سفر، سفرنامه بنویسم. مارو نمی برن سفر.
 ◆ بابای من از کار که میاد اول میگه خانم چی داریم بخوریم. کاری با ما نداره. نمی پرسه درست چی شد! امتحانات خوب شد نشد.

◆ بابای من مرد خوبییه اما اگر شاگرد اول دنیا هم بشیم نمیکه آفرین.

◆ مامان من الکی خرید میکنه تو خونه ما سر همین هر روز بین بابا و مامانم جنگ و دعواس.
 ◆ تو خونه ما هر کی میره یا هر کی میاد درو محکم می کوبه به هم، یعنی چه!

◆ مامانم دوست داره انگلیسی بیرونه، بابام میگه زبون ما فارسیه ما چه کار به انگلیسی داریم. مامانم عصبانی میشه میگه اینجا که ایران نیست بابام میگه خب نباشه.
 ◆ مامان من فقط دوتا غذا بلده بپزه. از بس اینارو درست کرد و ما خوردیم دیگه حاملون بهم می خوره.

◆ مامان ما نمیداره ما خودمون رنگ لباسونو انتخاب کنیم. هی میگه این رنگ خوبه. من اصلا از رنگ هایی که مامانم میگه خوشم نیامد.

◆ مامان من فقط دوست داره بره مهمونی. خودش اهل مهمونی دادن نیس. بابام میگه میدونی چرا؟! چون بلد نیس غذای حسابی درست کنه. البته اینو یواشکی بما میگه.

سیم در قالب است و در اصطلاح ادبی سبک عبارت از روش خاصی است که در انتخاب الفاظ و ترکیب کلمات و شیوه تعبیر برای بیان اندیشه ها بکار رفته است و در این مورد خاص مترادف با کلمه استیل در زبان های اروپاییست و اما یکی از سبک های ما سبک خراسانیست.

این سبک از آغاز قرن چهارم تا اواخر قرن ششم هجری قمری در کشور ما رایج بوده است و بدین جهت آنرا سبک خراسانی نام نهاده اند که در ابتدای کار بیشتر گویندگان و نویسندگان پیرو این سبک از سرزمین خراسان و ماوراء النهر برخاستند و آثار خود را با این شیوه بوجود آوردند. باید بدانیم که این سبک برخلاف نامش به مکانی که نامیده شد وابستگی ندارد. بیشتر از همه مقید به زمان است چون هر سبکی در ادب ما خصوصیتی دارد. ویژگیهای این سبک هم به اختصار چنین است:

- سادگی و به کاربردن واژگان فارسی ولی در مواردی که اصطلاحی دینی یا سیاسی یا علمی پیش می آمد و در زبان فارسی لغتی برای آن نبود یا لغت عربی فصیح تر بود و واژگان عربی را بکار می گرفتند.

دنباله مطلب در صفحه ۴۸

◆ آدم پرکار پاداش خود را از آینده می گیرد آدم تنبل پاداش خود را همان لحظه.
 ◆ بعضیا وقتی وارد مجلسی می شوند شادی آفرینند برخی وقتی خارج می شوند قبل از ازدواج چشمان خود را خوب باز کنند بعد از ازدواج نیمه باز نگه دارید.
 ◆ بزرگترین تنبیه مردی که دو زن دارد اینست که دو مادر زن دارد (بنظر من این حرف رو بیخود گفتند مادر زن مهربان هم زیاد داریم)

دولت آبادی

تردید نمی کنم که محمود دولت آبادی، نویسنده ی توانائست. نویسنده یست که سیلان اندیشه اش قلمش را به ستوه می آورد و تکاپوی قلمش مچ دستش را. غالبا می بینمش که ساعد راست را بسته است و از درد آن می نالد. با این همه برای او نوشتن گویی تنفسی است که به هیچ عنوان وقفه را پذیرا نیست. وقتی در محفلی او را می بینم. چشماهایش نگران است و پیشانیش درهم... غالبا دیرتر از دیگران می آید و زودتر می رود، می رود که با قلم و دفتر خود خلوت کند. همین حالا چندین هزار صفحه از قلم او پیش روی من است که نیمی موفق هستند و نیمی درخشان، در نظر من بطور کلی او یکی از مصادیق هنر قصه نویسی در میان نسل بعد از جمال زاده، هدایت، علوی و چوبک است (آنچه خواندید سیمین بهبهانی نوشته بود)

دوست کزایی ای

پدیده تازه روبه گسترش در ژاپن، بنگاه های دوست یابی برای شرکت در جشن عروسی مشتریان است. منظور اینست که هر عروس و دامادی می تواند به این بنگاه ها سفارش بدهد که برای جشن عروسی «مدعو» دوست یا خویشاوند نما بقولی جور کند و بفرستد. شمار شرکت های تجاری که چنین سفارش هایی را انجام می دهند به بیش از سی بنگاه رسیده است. عروس یا داماد از این بنگاه ها می خواهند که برای جشن عروسی آنها عده ای را با سن و سال و ظاهر مناسب به نام، دوست و مهمان آنها بفرستند تا برابر خانواده و کسان شریک تازه کم نیاورند.

پدر و مادرهای بی خبر هم با شوق تمام و از روی آداب دانی و وظیفه شناسی بر سر میز این مهمانها می آیند و از آنها برای آمدنشان تشکر می کنند. عروس و دامادها از این شرکت ها می خواهند کسانی را پیدا کنند که در جشن عروسی به جای عمو یا عمه یا خاله یا همکار یا دوست رفتار کنند، البته از پیش به این افراد آموزش داده می شود که این موضوع را پنهان نگه دارند...

(نقل از مجله بخارا شماره ۷۵)

سبک فراسانی

سبک در لغت به معنی گذاختن و ریختن زر و

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکرندی

مارس ۲۰۱۴ + فریمان - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



مینوی گفت اشعار اضافی آنها بند تنبانی است
 نجف دریا بندری نویسنده طنز پرداز و مترجم نامدار روزی در جلسه ای از استاد مجتبی مینوی در مورد نظر وی درباره شاهنامه و پژوهندگان آن سوال کرد. وی فرمود برای اینکه نسخه درستی از شاهنامه فراهم شود وزارت فرهنگ و هنر بنیاد شاهنامه را بوجود آورد برای اینکه بدانید منظوم از نسخه صحیحی از شاهنامه چیست باید به اندازه من در باب شاهنامه کار کرده باشید.

بطور خلاصه باید عرض کنم از هزار سال پیش تا امروز بیش از هزار شاعر گننام مشغول خراب کردن این کتاب بوده اند که البته به عقیده خودشان خدمت کرده اند. خلاصه اینکه در طول هزار سال شاعران در ابیات فردوسی دست برده اند. گاه آنها را پس و پیش کرده اند، گاه تغییر داده اند و گاه هم زیاد کرده اند. خلاصه هر پدر سوخته ای هر کاری که دلش خواسته با این ابیات کرده بطوری که اگر خود فردوسی هم زنده بشود نخواهد توانست ابیات خودش را از میان آنها در بیاورد. تمام ابیاتی که اضافه کرده اند بند تنبانی است. این اشعار اضافه رکیک است، سست، واهی و خراب است و اصلا با سبک و نوع شعر فردوسی تناسب ندارند

(منبع کتاب از نیما تا روزگار ما)

مایگاه بلند عطار

عطار بی گمان از بزرگان پیشین و از پیشروان شعر عرفانی در ادب پارسی است. به گفته جلال الدین رومی، سنایی در عالم عرفان چشم بود. آنکه بسیار حقایق را شهره کرده و نشان داده است. اما عطار روحی بود که رایحه عطر آگین سخنش چون مسیح، چه بسیار مرغان وادی نفس را حیات بخشید و به سیر و حرکت در هفت وادی عشق رهسپار شده است. عطار روح بود و سنایی دو چشم او. ما از پی سنایی و عطار می رویم. عطار در اواسط یا اوایل قرن ششم، اواخر دوره سلجوقیان خراسان بدینا آمد و تا اوایل سده بعد حیات داشت و ناظر بر پلید بزرگ تاریخ ایران یعنی حمله مغول بود. این متفکر و عارف چون درسش را تمام کرد پیشه پدر را پی گرفت و سرآمد دارو سازان شهر شد و چون با علم طب آشنا بود در همان داروخانه خود به مداوای بیمار نیز می پرداخت. این نکته

یادداشتهای بی تاریخ

صدرالدین الهی

E-mail: elahi1@aol.com



نوروز در دور دست

عید در آسمان

چارچار که می گذشت، و چله کوچک که تمام می شد، در کوچه های تنگ و گلی، برف های پوک و پوسیده و پر شده از غبار و دود، اندک اندک آب می شدند. و از آسمان برف آمیخته با باران سنگینی می بارید که به آن «شلاب» می گفتند.

برف بارونک های دیروز، که هنوز زنگ و آهنگ جار زدن های زمستانی شان در گوش ها بود، پارو ها را با سطل هایی که از پیت حلبی بنزینی ساخته بودند، عوض می کردند و در خم کوچه ها فریاد می زدند: «آب حوض می کشیم، آب انبار خالی می کنیم».

در خانه ها حصیرها را از روی حوض ها بر می داشتند، و الوارهای روی آب را که برای نترکیدن حوض و آسیب ندیدن ساروج در آن انداخته بودند، جمع می کردند. پهن دور حوض را که کاهگل روی آن کشیده بودند، در باغچه ها می ریختند، تا کود گل های بهاری شود. ... و ما می دیدیم که عید در آسمان سایه انداخته است.

عید در کوهستان

چه حال خوشی بود تماشای شکفتن برق در خاکستری خشم آلود ابرهایی که آبدستن باران بودند. ابرهای سیاه که بالا می آمدند، پیرزن های باتجربه می خواندند:

از ابو سفید نترس و مرد کوسه ریش
از ابو سیاه بترس و مرد تپه ریش

و به ما می گفتند که این خطوط شکسته و رنگین برق، تازیانه هایی است که فرشتگان بر پشت شیطان می زنند. شیطان که قصد کرده دوباره به آسمان برگردد و این بار از خدای آسمان ها انتقام خود و بنی آدم را بگیرد. و غرش رعد ناله های شیطان است، و بارش تگرگ دانه های اشک او، و قارچ های درشتی که در کوهستان می شکند، تکمه های جامه وی که زیرآوار شلاق از هم گسسته است.

در ذهن کودکان ما شیطان قهرمان بزرگی را می مانست که در برابر خدا قد علم کرده بود. خدایی که ما سخت از او می ترسیدیم و حتی در تاریکی نمناک زیرزمین از ترس او جرات نمی کردیم در کوزه خیارترشی یا شیشه مربای به را باز کنیم. شیطان در ذهن کودکان ما مظهر مقاومت بود. و ما به هر کار آزادانه ای که اجازه نداشتیم بکنیم؛ شیطان می گفتیم و بچه های سربه هوا و درس نخوان و یاغی مدرسه را که ظهر هر روز پنج شنبه جلو صف کلاس ها کلاه شیطانی سرشان می گذاشتند، بی آنکه خود بخواهیم دوست می داشتیم.

و کباب تکمه های جامه شیطان جهنی زمین روی ذغال چوب با نمک و فلفل، عطری آسمانی و طعمی بهشتی داشت. ... عید در کوهستان بالای سر ما در البرز کوه بود.

عید در شهر

صدای چک چک خشک عصای پیرمرد نابینای تقویم فروش، روی آسفالت شکسته پیاده رو به آخر رگبار می مانست، روی شیروانی های آهن سفید خانه های اعیانی. در خانه های ما، پشت بام ها از کاهگل بود و روز مرمت کاهگل و بام غلتان زدن، روز بزرگ آزادی بالای بام دیدن و دور از چشم پدر که اداره بود بادبادک هوا کردن.

پیرمرد با خورجین خوش بافتی که روی دوش افکنده بود و در هر لنگه اش انبوهی کتاب داشت، از اول شاه آباد عصا می زد و جلو می آمد. لقانظه را رد می کرد. از جلو لوازم التحریری پاینده می پیچید توی خیابان بهارستان، با بهار مست صاحب بنگاه کرایه ظروف، خوش و بشی می کرد. به مشهدی رضای علاف متلکی می گفت. جلو انبار هیزم و ذغال سمناقی، با بچه ها سربه سر می گذاشت و در فاصله این فرود به طرف سرچشمه، با صدای بلند متاعش را عرضه می کرد. «تقویم امسال، دیواری، جیبی، رومیزی، استخراج آقای مصباح» و بعد صورت کتابهایش را بر می شمرد. «سبز پری»، «امیر ارسلان»، «عاق والدین»، «موش و گربه»، «حمزه نامه»، «حسین کرد»، «کلثوم ننه».

و چک چک عصای مرد نابینا جلو تنها کتابفروش محله ما، نیش چهارراه سرچشمه متوقف می شد. در پشت پیشخوان دکان، که صاحب آن سیدی با عمامه و ردا و بدون عبا بود، کتابفروش دوره گرد روی چهارپایه ای می نشست. چای گرمی می نوشید و با تکی چند از اهل سواد که بدون مزاحمت، برای کسب سید کتابفروش، در پشت بساط او گرد می آمدند، به گفت و گو می نشست. ظاهراً درباره کتاب های تازه تیراژ و فروش آنها. و سید لاغر اندام خوش صورت آرامی که کتابهای مذهبی به شیوه نو می نوشت- با گوشه چشمی به جرجی زیدان- و کتابفروشی حافظ- همین دکان سرچهارراه سرچشمه- آنها را به عنوان ناشر چاپ می زد و می فروخت، غالباً مصاحب عصازن نابینای تقویم فروش بود.

حالا آن سید آرام نویسنده کتابهای مذهبی، استاد دکتر سید جعفر شهیدی، جانشین علامه دهخدا و دکتر محمد معین است و نمی دانیم که او هم مثل ما تقویم فروش کور دوره گرد را به خاطر می آورد که با صدای بم و چک چک عصایش می گفت و می گذشت:

«تقویم امسال، دیواری، جیبی، رومیزی، استخراج آقای مصباح»
... و با گفتن و گذشتن او ما می دیدیم که عید در شهر جاری شده است.

عید در میدان

در هیاهوی رنگین غروب، چراغ زنبوری روی همه بساط ها و زوز درخشانی داشت.

برای ما میدان سرچشمه مرکز جهان و بلکه تمامی کائنات بود. صداها درهم می آمیخت. ترمز کشدار خط هشت که از بازار به دروازه دولت می رفت و جیرجیر چرخ های درشکه ای که مسافرانی را با کروک کشیده در آغاز مغرب، از بازار به بالای شهر می آورد و فریاد درد آلود بچه های شیطانی که پشت درشکه سوار می شدند. تا سواری مجانی بگیرند و درشکه چی از سنگینی ارباب اش حضور آنها را حس می کرد، و یا قنوت بلندی که پشت اسب هایش را می آزد، کورکورانه و ندیده مسافران رایگان را به ضربتی سخت می نواخت و نعره آنها را به آسمان می فرستاد.

شتاب خریدن بر تنگدستی مردمان فاق می آمد. کاسب های بنجل های رنگ و روغن زده را به اصرار به مشتریان می فروختند. قطار بچه ها در کفافی آقای «کبریت چی» فرصت نفس تازه کردن به او و شاگردانش نمی داد. کفش بچگانه همه جور بود، از نمره ای دو ریال تا نمره ای یک تومان و چون پول جیب پدرها همیشه ثابت بود، هرچه پای بچه ها بزرگ تر می شد کفش های ارزان تر و بدترکیب تری به پا می کردند. نمی شد برای یک خانواده که شش بچه دارد در یک نفس شش جفت کفش خرید که از نمره دوازده تا نمره سی و پنج، بین دوازده تا سی و پنج تومان خرج بردارد. مخصوصاً که کفش های آقای «کبریت چی» در شب عید اکثراً از تیماج بود و نه چرم و روز سیزده بدر در آب و گل جوی های اطراف تهران تخت و رویه و پستایی اش از هم جدا می شد. و تمام ماه فروردین در دکان پینه دوزی «مشهدعلیرضا» کار بود و شاگردهای موقت و بیکار شده آقای کبریت چی با گرز و مُشته و سریش و میخ بنفش به جان کفش های از پا درافتاده می افتادند و صدای وسوسه انگیز غلامرضا خان بستنی فروش که پاتیل فرنی و یخنی زمستانی را به قالب بستنی تابستانی تبدیل کرده بود، زیر سقف می پیچید:

«نوبر بهاره بستنی، آی بستنی، آی بستنی»
و ما به حیرتی از سر تحسین به بازوان ستبر و سینه گشاده عباس بستنی زن خیره می شدیم که بستنی کشدار از ثعلب را با پاروی چوبی از ارتفاع سرش بالاتر می برد و به داخل قالب بر می گرداند و هر چند دقیقه یک بار عرق پیشانی را با لنگ خیس کنار قالب پارو می کرد و به روی یخ جای بشکه چوبی دور قالب نمک می پاشید و دوباره مشغول چرخاندن سریع آن در میان یخ ها می شد. بسته نان بستنی ها به تفاوت اندازه برای بستنی های از ده شاهی تا دو ریال بغل دست او کنار بساط بود.

ByTheBook Keepers

Tel: (408)236-2444 Fax: (408)236-2484

خدمات دفترداری
سرویس مطمئن
قیمت مناسب
توجه کامل به نیازهای شما

Real-time Bookkeeping
Reliable Service
Reasonable Rates
Responsive to Your Needs

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117

بهترین فیلم اسکار ۲۰۱۴ انتخاب شد

فیلم «۱۲ سال یک برده» در هشتاد و ششمین مراسم اهدای جایزه اسکار برنده جایزه بهترین فیلم سال ۲۰۱۳ گردید

به گزارش بولتن نیوز به نقل از هالیوود ریپورتر، «۱۲ سال یک برده» به تهیه کنندگی برد پیت، دد گرادنر و جرمی کلینر، استیو مک کوین و آنتونی کاتانگاس توانست در هشتاد و ششمین مراسم جایزه آکادمی سینمایی اسکار به عنوان بهترین فیلم این دوره معرفی و جایزه اسکار این بخش را دریافت کند.



فیلم‌نامه اقتباسی و اسکار بهترین بازیگر مکمل زن مراسم هشتاد و ششم را نیز دریافت کند. این فیلم پیش از این جوایز مختلفی از جشنواره‌های جهانی را دریافت کرده است و به خاطر موضوع آن مورد توجه محافل مختلف است.

بر روی DVD

***Argo *** A Late Quartet *** The Counselor *** Captain Phillips

است که حتی یک رئیس جمهور سیاه پوست دارد. لی دانیل بار دیگر مهارت خود را در کارگردانی ثابت میکند و بازی فورست ویتاکر حرف ندارد. این فیلم را من در ردیف "خوب" معرفی میکنم.

The Butler

نقد فیلم به روایت آرمینه

armeenehb@yahoo.com



این نوشته هدیه ای است به دوستانان فیلم. از این پس در هر شماره نقدی از یک فیلم با ارزش سینمایی تقدیمتان خواهم کرد. همچنین چند فیلم دیگر را فقط با نام فیلم و درجه بندی ارائه خواهم داد. درجه بندی ساده است و به این قرار: ***عالی ***خوب ***ضعیف *بد

این فیلم داستانی است واقعی از زندگی سیسیل گینز (Cecil Gaines) با بازی فورست ویتاکر (Forest Whitaker).



بعنوان آبدار باشی در کاخ سفید استخدام شده بلکه به هفت رئیس جمهور آمریکا از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۶ خدمت کرده است. سیسیل در خارج از منزل به دولت و دولتمردان خدمت میکند و در داخل در عذاب این است که پسرش عضو جنبش می باشد و در حال مبارزه بر علیه همان دولت و دولتمردان.

تضاد فکری این پدر و پسر در زندگی داخلی آنان فراسوی مسائلی چون رنگ پوست و یا سیاست است. همسرش نیز که در این میان از یک سو با عواطف مادری و از سوی دیگر با عشق به همسر در کشمکش می باشد حماسه ای است که از سالهای ۱۹۲۶ شروع میشود و کمی بعد از شروع کار رئیس جمهور فعلی، باراک اوباما، پایان می یابد. ردیابی است از تحولاتی که شروع آن زمان جنبش احقاق حق سیاه بوستان و پایان آن آمریکای امروزی

تصویری است از غم و شادی، سرافرازی و سرشکستگی زیرا که سیسیل صحنه ای را که در کودکی از دو سیاه پوست بدار آویخته از تیر چراغ برق در خیابانهای سوت و کور شهرش دیده بود هیچگاه فراموش نمیکند و شادی است و سرافرازی زیرا که نه تنها



MIHAN CO. میهن کو

Iranian Legal Services

دفتر حقوقی ایرانیان

با همکاری کارشناسان حقوقی و وکلای دادگستری در ایران

با مدیریت آقای کاشی

ما با دو دفتر در شمال و جنوب کالیفرنیا و با تجربه کافس، دقت و پشتکار، شما را یاری می دهیم

www.mihancompany.com

- ♦ انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران از هر نقطه آمریکا
- ♦ با همکاری وکلای پایه یک دادگستری در ایران
- ♦ انجام کلیه امور مهاجرت به آمریکا با وکلای اداره مهاجرت این دفتر
- ♦ انجام انحصار وراثت، تقسیم و دریافت ارث و امور مربوط به آن
- ♦ استرداد املاک توقیف شده و یا تصرف شده توسط اشخاص
- ♦ انجام کلیه امور مربوط به طلاق، مهریه در ایران و آمریکا
- ♦ دریافت شناسنامه و کارت ملی فوری از ایران
- ♦ برقراری حقوق بازنشستگی و حقوق معوقه
- ♦ تهیه و تنظیم کلیه وکالتنامه ها، متون حقوقی و وصیتنامه و قراردادهای
- ♦ ترجمه و تأیید کلیه متون به هر زبانی
- ♦ دریافت پاسپورت

دفتر جنوب کالیفرنیا (310) 967-7755 ♦ (877) 644-2607 ♦ (408) 249-9827 دفتر شمال کالیفرنیا

940 Saratoga Ave., Suite #260. San Jose, CA 95129

از درگوشی‌ها به قلم: پیرایه

سوم وعده سرخرمن، یک سوم دیگر سهم عوامفریبی و بالاخره یک سوم آخر پیامد قانون آزادی در دیار آزاد. گفتیم همین قدر نهایت آزادی است و کیفیت زندگی در فضای آزاد، بال و پر گشودیم و نسل دومی‌ها را پیشروان کوره راه آزادی و آزاد منشی ساخت آمریکا هدایت کردیم. بهرحال اگر هنگام تدوین قانون اساسی کلام آزادی منظور کلی‌تر و اساسی‌تری را شامل می‌گردید عجالتاً در این چندساله اخیر کلاً در مورد اندام جنسی آدم‌ها صدق می‌یابد. بیان و قلم و مذهب و مسلک برحسب موقعیت افراد و احزاب و مقامات مخدوش و چه بسا مستوجب درگیری رنگ، تدین، انحرافات و البته تشکیل خانواده سنتی و تضمین خصوصیات اخلاقی و روابط انسانها در رده مطالب غیر قابل گفتگو قرار گرفته. خیلی حرف‌ها را نباید زد. بسی کلمات را ادا نباید کرد و بسیار مسائل عیان که پنهان سلامت تر. والا!!!

شوینهاور می‌گوید «هرکس که می‌پندارد آزاد است پس از تجاری که در طول عمر کسب می‌کند در می‌یابد که حتی در اعمال شخصی هم کاملاً آزاد نیست بلکه محکوم الزام و ضرورت است زیرا اراده آزاد یا اختیار برای آدمی وجود ندارد...»

که آزادی مفهوم کلی‌تری از «زندان و زندانی» دارد بدینسان که می‌شود بیرون از چهار دیواری زندان هم آزاد نبود. و اینجا سرلوحه قانون اساسی را آزادی بیان و قلم و مذهب و مسکن و غیره توشیح نموده اند بگو، بنویس، انتخاب کن تا حس کنی که زنده‌ای! فهمیدیم که ما تمام عمر بیرون از زندان هرگز آزاد -نبوده ایم و ناخودآگاه پشت میله‌های تعصب جنسیت در اسارت محض زنده به گور بوده ایم، به گمان واهی که آزادیم و بیرون از زندان. و آزادی همین است و بس. غافل نباید شد که غفلت در شناخت جوهر واقعی آزادی چگونه خصلت کوتاه فکری و فروتنی و از خود گذشتگی را در زنان قدیمی‌تر ایرانی متبلور ساخت. حرف شنوایی، کم توقعی و سازگاری و بسی خصیصه‌های تحمل و شکیبایی خاص روال گذران زندگی آن دوران «مرد برتری» بوده که هنوز هم تا حدودی ادامه دارد...

ناچار در دنیای خارج از ایران و خلیقات مخصوص ایرانی موهبت آزادی را بیشتر حس کردیم. می‌گفتند و می‌نوشتند و فریاد می‌زدند و مطالبه می‌کردند و به مقصد و مقصود می‌رسیدند، هرچند نمایشی آمریکائی ولی باز کار ساز و منتج به نتیجه‌ای مطلوب می‌شود گفت یک

بود. گذشت. مثلاً به خیال خودمان داشتیم لاک پشتی‌راه را از چاه تشخیص می‌دادیم که از بخت بد باز عرب از الثفات مدبرانه آمریکای دموکرات با نوید هدایای «آزادی» نزول اجلال فرمود و ما زنهای ایرانی برگشتیم به عهد جاهلیت و همان آزادی زنانه نیم بند را از دست دادیم باز شدیم صیغه. متعه ضعیفه ناشزه و البته «دده مطبخی» که مطلقاً آزادی نسبی بیرون زندان تاریخی را تحت لوای آخوند مسلکی پسند مردانه خاک کردیم و تازه معنی زندان و زندانی زن ستیزی و زنجاری و جهل جنسی را فهمیدیم که در سنت مرد سالاری ارباب رعیتی خانگی ادامه داشت. و ما نسل اولی‌ها زبان در قفا عادت کرده بودیم که چشم و زبان و گوش و هوش و حق و حقوق موجودیتمان را در قبال سروری پدر یا شوهر نثار خاکپای مبارک حاکم و ولی و قیم از جان و دل پذیرا گردیم. گذشت و رفت و افتادیم در این گوشه دنیا و دریافتیم

تا وقتی ایران بودیم مفهوم آزادی برای ما نسل اولی‌ها کلمه‌ای بود مترادف با «زندانی نبودن» و رها از غل و زنجیر قزل حصار. همین و بس. حد ما محدود به اوضاع احوال زمان و مکان خلاصه می‌گردید. نه قفس پدر را نفی آزادی می‌پنداشتیم و نه اسارت زندان شوهر را. از خانه بیرون می‌رفتیم. معاشرت و گردش و تفریح خانوادگی داشتیم، پس بدون شک آزاد بودیم. انتظار جامع‌تری از درک کلی آزادی در مغیله ما جنس دومی‌ها خطور هم نمی‌کرد. چرا که اصولاً برحسب قانون لایزال طبیعی زن ایرانی تابع مرد بار می‌آمد و حتماً برچسب زشت عربی یعنی «های تصغیر» را می‌پذیرفت. مرد معلم می‌شد و زن معلمه. مرد حاجی می‌شد زن حاجیه و صدها انگ حقارت دیگر به معنای مسلم دنبالیچه مرد بودن. قبول کرده بودیم. توقعی هم نداشتیم، بالاخره صاحب و مالک و نان آور و عقل کل و مختار جان و مال و زبان و حتی اسم و رسم محک خورده

...Because Image is *Everything*

✓Service ✓Quality ✓Affordability

We offer a wide variety of Printing services. We also offer Layout Design.

✓Brochures ✓Flyers ✓Posters ✓Banners ✓Business Cards

طراحی و چاپ

کارت ویزیت • بروشور • پوستر • کارت پستال

کاتالوگ • فولدرهای تبلیغاتی • پرچم تبلیغاتی

If you would like a free quote please call or e-mail us

(408)221-8624

LessCostPrinting@yahoo.com

گفتگو را در حقیقت جستجو می کند.

۹- گزارش اقلیت: دنی: ۱۵ ساله بودم که پدرم در کلیسا به قتل رسید.

۸- برخورد: نزدیک از نوع سوم: روی: می دونم به نظر احمقانه می رسد، ولی بعد از دبروز، این شکل را مرتب می بینم، در کف اصلاح صورت، بالش... یک معنی بخصوص دارد.

۷- اگر می تونی منو بگیر: فرانک: پدرم همیشه می گفت که یک مرد راستگو چیزی برای ترسیدن نداره، پس تلاش می کنم از چیزی نترسم!

۶- پارک ژوراسیک: هاموند: جانورانی ساختم که می توانند کلان سیاه را تسخیر کنند

۵- ای تی: الیوت: اون یک آدم فضایی است و می خواهد تا او را به سفینه اش برگردانیم.

۴- نجات سرباز رایان: کاپیتان میلر: برادرهایت در جنگ کشته شدند. رایان: کدوم، کدومشون؟ کاپیتان میلر: همه شون.

۳- ارواره: هویر: میگی از دریا بدت میاد ولی در یک جزیره زندگی می کنی. برادی: اگر از نوبی دریا نگاه کنی یک جزیره اس!

۲- فهرست شیندلر: اسکار شیندلر: قدرت یعنی، توانایی کشتن هر چیزی را داشته باشی ولی اینکار را نکن.

۱- ایندیانا جونز و مهاجمان صندوقچه گمشده: دکتر جونز: ماریون، نگاه نکن، چشمهایت را ببند، هر اتفاقی افتاد، نگاه نکن!

ورزشکاران اسرائیلی در المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۲ است. سه سال بعد برای چهارمین بار ایندیانا جونز با فیلم (قلمرو جمجمه بلورین) به پرده سینماها بازگشت. در سال ۲۰۱۱ او دو فیلم دیگر ساخت: انیمیشن (ماجرای تن تن) و فیلمی در مورد جنگ جهانی اول (اسب جنگی) و دلستگی نوجوانی به اسبش آخرین فیلم او تا به امروز (لینکن ۲۰۱۲) می باشد که بیوگرافی آبراهام لینکن رئیس جمهور آمریکا را نشان می دهد.

او تاکنون ۳ بار جایزه اسکار را برده است: فهرست شیندلر، (بهترین فیلم و بهترین کارگردان) و نجات سرباز رایان (بهترین کارگردان) تدوینگر بیشترین آثارش (مایکل کان) و آهنگسازش (جان ویلیامز) هستند. از هنرپیشگان مورد علاقه او می توان به این نام ها اشاره کرد: ریچارد دریفوس، هریسون فورد، تام هنکس و تام کروز.

او که با یک دوربین ۸ میلیمتری دوران کودکی را پشت سر گذاشت، شاید امیدوار بود که دوران نوجوانی هرگز به پایان نمی رسید چون هنوز هم با شور یک نوجوان دنبال ساخت فیلمهای جدید است.

۱۰- فیلم منتخب او از دید تماشاگران: ۱۰- مونیخ: گلدمایر: هر تمدنی ارزش



شاید خیلی ندانند، من هرگز قهوه نمی خورم!

استیون اسپیلبرگ

سال ۱۹۸۱ نخستین فیلم از سری فیلم های ایندیانا جونز را کارگردانی کرد (مهاجمین صندوقچه گمشده) و پس از آن حدود سه سال برای تلویزیون کار کرد تا اینکه فیلم (ایندیانا جونز و معبد مرگ ۱۹۸۴) را ساخت. تنوع کاری در آثار او به طور کامل به چشم می آید. از فیلمهای دلهره آور، کمدی و رمانتیک گرفته تا فیلمهای تخیلی و تاریخی. در سال ۱۹۸۲ یکی از معروفترین و موفقترین فیلمهای تخیلی را ساخت به نام (ای تی E.T): موجود فرا زمین). او ۳ اثر رمانتیک را پشت سر هم کارگردانی کرد: (رنگ ارغوانی ۱۹۸۵)، (امپراطوری آفتاب ۱۹۸۷) و (همیشه ۱۹۸۹) در همین سال او قسمت سوم ایندیانا جونز (آخرین جنگ صلیبی) را کارگردانی کرد. در سال ۱۹۹۱ براساس شخصیت بیتر پین، فیلم (هوک) را ساخت که اثر قابل توجهی از آب درنیامد، اما سال ۱۹۹۳ برای او یک سال فراموش نشدنی به حساب می آید، چون دو فیلم بزرگ دیگر ساخت (پارک ژوراسیک) و شاهکار دیگرش (فهرست شیندلر) که درباره واقعه هولاکاست می باشد. در سال ۱۹۷۷ دو فیلم دیگر ساخت، قسمت دوم پارک ژوراسیک (دنیای گمشده) و (امیستاد) که در مورد بهره برداری است. شاهکار بعدی او (نجات سرباز رایان ۱۹۹۸) مربوط به جنگ دوم جهانی است. در سال ۲۰۰۱ با ساخت فیلم (هوش مصنوعی) دوباره به سوژه مورد علاقه دوره نوجوانی خود یعنی موجودات فضایی بازگشت (برخورد نزدیک از نوع سوم و E.T). سال بعد از این فیلم او دو فیلم دیگر ساخت: یک تخیلی (گزارش اقلیت) و یک بیوگرافی (اگر میتونی منو بگیر) که زندگی یک جاعل حرفه ای است که در نهایت به کمک FBI می رود. او سپس (ترمینال ۲۰۰۵) را ساخت و سال بعد نیز (جنگ دنیاها) را کارگردانی کرد که یک تخیلی معمولی به حساب می آید. فیلم بعدی او (مونیخ ۲۰۰۵) است که در مورد حمله چریکهای فلسطینی به خوابگاه

متولد ۱۹۴۶ در شهر سین سیناتی در ایالت آهایو. بی تردید او یکی از تاثیر گذارترین و پولدارترین افراد در تاریخ سینما محسوب می شود. اولین تجربه او در سن سیزده سالگی با ساخت فیلم کوتاه



هشت دقیقه ای (آخرین اسلحه ۱۹۵۹) بود که هم کارگردانی و هم در آن بازی کرد. او تا سال ۱۹۶۸ چند فیلم کوتاه ساخت تا اینکه در ۱۹۷۰ یک قسمت از سریال دکتر ویلی (ایران: پزشک محله) و به دنبال آن دو قسمت از سریال (گالری شبانه)، و سریالهای (نام بازی)، (روانشناسی) و (کلمبو) را کارگردانی کرد. او سه فیلم برای تلویزیون ساخت به نام های (دوئل ۱۹۷۱)، (نیروی اهریمنی ۱۹۷۲) و (وحشی ۱۹۷۳) ولی این فیلم دوئل بود که نام او را بر سر زبانها انداخت. در سال ۱۹۷۴ اولین فیلم سینمایی خود را به نام (شوگرلند اکسپرس) ساخت که به نوعی یادآور فیلم (بانی و کلاید) است. در سال ۱۹۷۵ اولین شاهکار خود را به نام (آرواره) ساخت که به فروش گزافی دست یافت، البته بنا به تجربه اکثر آثار او به فروش بالا و گزاف دست می یابند. به گفته خودش: فروش و سود بالای آرواره باعث شد تا دیگر با خیال راحت و پشت گرمی از طرف کمپانیهای فیلمسازی دست به ساخت فیلمهای خود بزنند. پس از ساخت فیلم تخیلی (برخورد نزدیک از نوع سوم ۱۹۷۷)، دو سال بعد یک کمدی به نام (۱۹۴۱) در مورد حمله ژاپن به بندر پرل هاربر در هاوایی بود. در

Nowrouz 2014

Sunday march 9th at 3:00
5001 Great America Pkwy
Santa Clara, Ca.
For more information call:
(408) 829-8296

نوروز
۱۳۹۳

برنامه ای برای
تمام اعضای خانواده

رقص، موسیقی
تئاتر، شعبده بازی
به همراه:
حاجی فیروز و عمو نوروز

Alborz Academy
مدرسه فارسی آلبرز
E-Mail: AlborzFarsiSchool@gmail.com



مستوجب آنم که بسوزانندم

این دوست شاعر ما - حضرت مهدی خان سهرابی - توی همه پیغمبران جرجیس را گیر آورده و شعری در وصف کمالات شخص شخیص ما یعنی جناب آقای گیله مرد سروده است. ما وقتی شعری به این استواری را آنهم در باره آدم یک لاقبای آسمان جل دشمن سازو دشمن تراش و دشمن شاد کنی همچون آقای گیله مرد خواندیم یکباره یکنوع احساس عجیب و غریبی بما دست داد که خیال کردیم سلطان محمود غزنوی شده ایم و جناب فرخی سیستانی با آن ید و بیضای شاعرانه اش در دربار ما ایستاده است و خطاب به وجود ذیچود ما میفرماید:

یک روز خوش نخسید و از عمر نشمرد

کز جمع کافران نکنند صد هزار کم!
صد البته ما دست شاعر نازنین مان حضرت سهرابی را می بوسیم و شعر شان را اینجا میگذاریم تا شما هم حظ کنید اما جواب گیله مردانه خودمان را هم میآوریم تا این آقای شاعر فردا پس فردا از ما توقع صلح و انعام و پاداش و نمیدانم کدخدایی ولایت مان را ندانسته باشد و نخواهد بیاید اینجا ور دست مان کدخدای دهات اطراف سانفرانسیسکو بشود!

ای لذت و درد، هردو باهم
گشته به نوشته‌ها ت مدغم
وی نثر خوشات، به هر زمینه
تصویرگر و متین و محکم
آینه نهاده، کآنچه ماییم
بینیم درو، ز بیش و از کم
باشد که به خود شویم هشیار
زی راه خلاص ازین جهنم!!

هان! نیک بزرگ گیله مرد!
ای داده ولایتی به دستام!!
تا هست جهان و دهر، برجای
بادت همه روزگار، خرم
شادی بؤدت همواره
غم را به توره مباد یکدم!

آقا خدا بسر شاهد است این جناب شاعر همین حالا انگاری دست به نقد کدخدایی ولایت سانفرانسیسکو و توابع را از ما گرفته است و می ترسیم فردا پس فردا ادعای کدخدایی کل کالیفرنیا را بفرماید! و اما جواب گیله مردانه ما: ای مهدی جان جان جانان من. من که

بالاترین حد از بلوغ روانی رسیده اند و قوانین اخلاقی را نه از روی ترس از خدا و جهنم و قانون و پلیس وهمسر و پدر و مادر و نه به طمع پاداش و تشویق و تنبیه اجتماعی، که بر مبنای وجدان خودشان تعریف می کنند. البته وجدان شخصی این افراد، مستقل، بالغ، صادق و سالم است، اهل ماست مالی و لاپوشانی نیست، صریح و بی پرده است و با هیچکس، حتی خودش تعارف ندارد. بزرگترین معیار خالقان اخلاق اربابی برای اعمال و رفتارشان، رسیدن به آرامش و رضایت درونی است. اخلاق اربابی مرزهای وسیع و قابل انعطافی دارد و هرگز خشک و متعصب نیست. برای توده‌هایی که مقید و مأخوذ به اخلاق بردگی هستند، اخلاق اربابی، گاه زیبا و تحسین برانگیز، گاهی گناه آلود و فاسد و در اکثر مواقع گنگ و نامفهوم است. یونگ می گوید افرادی که به اخلاق اربابی رسیده اند تاوان این بلوغ را با تنهایی و طرد شدگی پس می دهند. آنها به رضایت درونی می رسند ولی همیشه برای اطفیانشان، دور از دسترس و غیرقابل درک باقی می مانند.

آقای (روزنامه چی...!!)

بیست و چند سال پیش بود. سه چهار سالی بود که به ننگه دنیا آمده بودم. با سه چهار تا دیوانه ی بد تر از خودم جمع شدیم و یک روزنامه علم کردیم. اسمش را هم گذاشتیم خاوران. مدیر روزنامه زنده یاد طاهر ممتاز بود. مردی که پیش از آن انقلاب شوم؛ بزرگ ترین و موفق ترین سازمان تبلیغاتی ایران را می چرخانید. حالا در امریکا در یک سوپر مارکت کار میکرد. بقول قدیمی ها پاچالذاری میکرد! دوست شاعر مان مسعود سپند بود که درجه سرگردی شهربانی داشت. حالا در

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

ما شما را به دیداری از مدرسه ی فارسی دهخدا و سازمان غیر انتفاعی فرهنگ و هنر ایران دعوت می نمایم

در این مجموعه فرزندان شما با کلاسهای آموزش زبان فارسی، پیانو، گیتار، نقاشی و انواع سازهای ایرانی آشنا خواهند شد

فرزندان ۱۳ ساله ی شما به عنوان کمک معلم در این اردو به کار آموزی خواهند پرداخت

نوروز ۱۳۹۳ کلاسهای رایگان برای بچه ها ارایه خواهد شد

تابستان گرم و طولانی با اردوی تابستانی مدرسه ی فارسی دهخدا و سازمان غیر انتفاعی خانه ی فرهنگ و هنر ایران

❖ شروع اردو ۱۶ ماه جون ❖ پایان اردو ۸ اگست ❖ ساعت اردو ۸ تا ۵ بعد از ظهر

۳۷۴ - ۹۳۹۸ (۴۰۸)

(Sole) باشد. در حالت مشترک، هر دو والدین در امور مربوط نقش دارند. مثلا حضانت فیزیکی می تواند براساس توافق افراد یا رای دادگاه مساوی باشد. در غیر اینصورت، یکی از والدین حضانت فیزیکی منحصر خواهد داشت و دیگری دارای حق ملاقات (Visitation) خواهد بود. در نهایت، مساله مهم دیگری که باید خاطر نشان کرد این است که رای دادگاه در مورد حضانت فرزند امری همیشگی و تغییرناپذیر نیست. دادگاه خانواده کانتی که کودک در آن زندگی می کند تا زمانی که کودک به سن قانونی (۱۸ سال) نرسیده است، اختیار دارد تا در مورد مساله حضانت کودک تصمیم گیری کند.

براساس قوانین کالیفرنیا، دادگاه می تواند براساس درخواست یکی از والدین کودک، سهم حضانت والدین را تغییر دهد. معیار قانونی اصلی برای چنین تغییری، تغییر قابل ملاحظه (significant change of circumstances) شرایط زندگی یکی از یا هر دو والدین می باشد. چنین تغییری باید به گونه ای باشد که بر سلامت، امنیت، یا رفاه کودک تاثیر می گذارد.

والدین بر فرزندانشان منفعت کودک می باشد، مصلحت این است که تا جای ممکن هردوی والدین تماس مداوم و مکرر (Frequent and Continuing) با فرزندشان داشته باشند و هر دو در نگهداری و تربیت فرزندانشان فعالانه نقش داشته باشند.

البته هرگاه که میان تماس مداوم و مکرر والدین با فرزندانشان و سلامت، امنیت و رفاه کودک تعارضی به وجود بیاید، آنچه نقش تعیین کننده در مساله حضانت فرزندانشان ایفا می کند مراقبت از سلامت، امنیت و رفاه کودک می باشد. مساله دیگری که باید در نظر داشت این است که حضانت به دو بخش اصلی تقسیم می شود:

۱- حضانت قانونی (Legal Custody)
 ۲- حضانت فیزیکی (Physical Custody)
 حضانت قانونی در برگیرنده حق تصمیم گیری در مورد مسائلی چون فعالیت های خارج از خانه و مدرسه، و غیره می باشد. حضانت فیزیکی، از طرف دیگر، حق زندگی و دیدار والدین با فرزندانشان را در بر می گیرد. هر کدام از این دو گروه حضانت می تواند مشترک (Joint) یا منحصر به یکی از والدین



کاوه میرشفیعی
 وکیل رسمی
 دادگاههای کالیفرنیا و فدرال
 KM@headwaylegal.com

نگاهی کوتاه به قوانین مربوط به سهم والدین بر سرپرستی فرزندان (حضانت)

برای تعیین منفعت کودک در نظر گرفته اند. مهمترین این فاکتورها سلامت، امنیت (Safety) و رفاه (Welfare) کودک می باشد. بنابراین، برای اینکه

شاید حساسترین و از لحاظ عاطفی دشوارترین مساله ای که زوجین هنگام جدایی با آن روبرو می شوند، تصمیم در مورد سهم آنها در سرپرستی فرزندان



مشخص شود که بهترین منفعت کودک در چیست، دادگاه به شرایط زندگی والدین نگاه می کند تا تعیین کند کدامیک از والدین شرایط زندگی بهتری را برای کودک فراهم می کند. مثلا اگر یکی از والدین سابقه اعتیاد به مواد مخدر یا الکل داشته باشد، طبعا شانس کمتری در داشتن سهم زیاد در حضانت فرزند خود خواهد داشت.

همچنین دادگاه افرادی را که با والدین زندگی می کنند در نظر می گیرد تا اینکه ببیند حضور این افراد چگونه می تواند در زندگی کودک هنگام زیستن با والدینش تاثیر بگذارد.

ممکن است تصور شود که سهم سرپرستی یکی از والدین که از شرایط مالی بهتری از دیگری برخوردار است باید از دیگری که به سبب شرایط مالی سخت در فراهم آوردن امکانات کافی برای فرزند خود ناتوان است بیشتر باشد. چنین تصویری درست نیست چون دادگاه آن یک از والدینی را که شرایط مالی سختی دارد ولی در موارد دیگر می تواند منفعت فرزند خود را را تعیین کند، محق به دریافت کمک هزینه نگهداری فرزند (Child Support) از دیگری می کند.

با تمام این احوال، قانون گذاران ایالت کالیفرنیا عنوان کرده اند که با وجود اینکه عامل اصلی تعیین سهم سرپرستی

می باشد. هدف از این ستون فراهم کردن اطلاعات کلی در مورد قوانین مربوط به حضانت فرزندان (Child Custody) در ایالت کالیفرنیا می باشد.

هنگام جدایی، والدین می توانند با توافق میان خود در مورد سهمشان در سرپرستی فرزندان خود تصمیم بگیرند.

دادگاههای خانواده در کالیفرنیا نه تنها چنین توافقاتی را به رسمیت می شناسند، بلکه والدین را تشویق می کنند که با گفتگو و توافق مساله حضانت فرزندانشان را حل کنند.

در صورتیکه والدین نتوانند در مورد حضانت فرزندانشان به توافق برسند، می توانند از دادگاه خانواده بخواهند که در این مورد برای آنها تصمیم بگیرد یا اینکه به آنها برای رسیدن به توافق کمک کند. قوانین مربوط به حضانت در ایالت کالیفرنیا تصمیم قاضی را به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته است. به این ترتیب، پیش از اینکه قاضی در مورد حضانت تصمیم بگیرد، والدین مجبورند که این مساله را از طریق شرکت در میانجی گری (Mediation) و مراحل دیگر قانونی حل نمایند.

مهمترین عاملی که سیستم قضایی ایالت کالیفرنیا در مورد حضانت فرزندان در نظر می گیرد، منفعت کودک (Best Interest of the Child) می باشد. قوانین کالیفرنیا، فاکتورهای مختلفی را

Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی
لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

- ♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ♦ دریافت حقوق پرستاری
- ♦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- ♦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- ♦ تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- ♦ اخذ ویزای نامزدی
- ♦ مدیکر و مدیکل، SSI
- ♦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- ♦ تنظیم اوراق مربوط به دفتر حفاظت منافع ایران در آمریکا

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

کم کردن میزان تولید آنها در کبد، شکستن مولکولهای آنها در پلاسما و اکسیداسیون آنها در کبد کم می کنند.

۲- اثرات ضد پلاکت ها: روغن ماهی اثرات پلاکت ها را کم کرده و میزان فیبرینوژن را در خون پائین می آورند. پلاکت ها در مغز استخوان تولید شده و به لخته شدن خون کمک می کنند و جلوی خونریزی را می گیرند روغن ماهی اثرات



پلاکت ها را متعادل کرده و هم زمان مانع خون ریزی داخلی می شود.

۳- اثرات ضد فشار خون: تحقیقات نشان داده است که مصرف ۴ گرم در روز روغن ماهی یا Omega-۳ به میزان قابل توجهی فشار خون را پائین آورده و فشار خون بدن را به حد نرمال نگهداری می کند این اثرات در افراد مسن تر و آنهایی که دارای فشار خون بالا هستند بسیار محسوس می باشد. تحقیقات نشان داده است که کاهش فشار خون حتی به حد ۲ میلیمتر مرکوری (۲mmHg) تا حدود ۴ درصد ناراحتی های قلبی را کاهش می دهد.

۴- اثرات ضد آرتیسمی قلبی: علت اصلی مرگ ناگهانی عضله قلب بهم خوردن ریتم بطنی قلب می باشد تحقیقات نشان داده است که مواد موثر روغن ماهی میزان بی نظمی قلب را کم کرده و مرگ و میر ناشی از عدم ریتم منظم قلب را کاهش داده است همین طور میزان بی نظمی دهلیزی را در افرادی که جراحی قلب کرده و یا پیوند قلب زده اند را کاهش داده است و عمر این افراد را طولانی کرده است.

۵- اثرات ضد التهاب: مطالعات علمی نشان داده است که مصرف روغن ماهی میزان پروتئین بخصوصی بنام (CRP) که نشان دهنده وجود التهاب مزمن در بدن و قلب است را کاهش داده و ناراحتی قلبی را کمتر کرده است. التهاب معمولاً بوسیله موادی بنام پروستاگلاندین ایجاد می شود این مواد از ماده ای بنام اسید آراشیدونیک تولید می شوند. روغن ماهی میزان این اسید را کم کرده و جلوی التهاب را با مکانیسم مختلف می گیرد.

کننده روغن ماهی از حملات قلبی بخصوص حملات قلبی ثانویه (بار دوم) بی تاثیر بوده است. منتشر شدن این تحقیقات اخیراً باعث شده است که دانشمندان و موسسات تحقیقاتی به این نتیجه رسیده اند که آیا مصرف روغن ماهی (Fish Oil) در پیشگیری این بیماریها واقعا تاثیر دارد یا خیر. در واقع شک و تردید در مورد اثرات مفید روغن ماهی بالا گرفته است و باعث نگرانی آنها شده است.

تعداد بی شماری از اهالی آمریکا و دنیا روزانه کپسولهای روغن ماهی ویا Omega-۳ را مصرف می کنند و به این امید هستند که این مواد قلب آنها را تقویت کرده و مانع ناراحتی قلبی بخصوص در سنین بالاتر گردد در واقع اعتماد زیادی به نتایج علمی تحقیقات گذشته داشته اند. هنوز بسیاری از پزشکان و متخصصین تغذیه مصرف آن را توصیه کرده و حتی خود آنها نیز روزانه آن را مصرف می کنند.

تاریخچه روغن ماهی و فرآورده های آن:
از سالهای ۱۹۴۴ مطالعات اپیدمیولوژیک و تحقیقات مصرف روغن ماهی را جهت جلوگیری از بیماریهای قلبی مورد پیشبینی قرار داده اند بخصوص دانشمندان متوجه شدند که علت عدم ناراحتی های قلبی در اسکیموهای قطب شمال به این دلیل بوده است که آنها روزانه مقدار قابل توجهی روغن ماهی مصرف می کنند. در سال ۱۹۷۰ دانشمندان دانمارکی تحقیقات دیگری کرده و به این نتیجه رسیدند که اسکیموهای گرین لند (Greenland) مقدار بسیار کمی کاربرهیدرات (مواد قندی) مصرف کرده و بیشتر غذای آنها را مواد چربی تشکیل می دهد و این کاملاً عکس مصرف مواد غذایی بین آمریکائی ها و غربی است. اسکیموهای گرین لند نیز هیچگونه ناراحتی قلبی و عروقی طبق آمار از خود نشان نداده اند.

با توجه به تمام این تحقیقات بسیار مفید راجع به روغن ماهی، دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که آیا نتیجه این تحقیقات اخیر صحیح است یا اشتباه چون بسیاری از مردم دنیا روزانه آنها را مصرف می کنند. سابقه طولانی تحقیقات و مطالعات بسیار زیاد راجع به اثرات مفید روغن ماهی نشان داده است که مواد موثره آنها Omega-۳ که شامل دونوع می باشد با چند مکانیسم مهم و متفاوت به جلوگیری از ناراحتی قلبی عروقی کمک کرده اند.

۱- اثرات ضد چربی روغن ماهی: روغن ماهی مواد چربی نامساعد نظیر تری گلیسیرید (Triglycerides) را از طریق

تازه های دنیای پزشکی

دکتر منوچهر سلجوقیان

اتوبیوگرافی: دکتر منوچهر سلجوقیان در اصفهان زاده شد. ابتدا دوره دکتری خود را در سال ۱۹۷۹ در دانشگاه اصفهان به پایان رسانید و سپس درجه PhD را از Guildford University of Surrey در انگلستان دریافت کرد. در سال ۱۹۸۴ به آمریکا آمد و به مدت ۱۶ سال تا زمان بازنشستگی به عنوان عضو تحقیقاتی در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی خدمت نمود. وی هم اکنون با سمت متخصص داروسازی بالینی در مرکز پزشکی Alta Bates Summit در برکلی اشتغال دارد. ایشان بیش از صد مقاله در زمینه های پزشکی، داروسازی و تغذیه در ژورنال های مختلف به چاپ رسانده اند.

گزارش های جدید راجع به مصرف روغن ماهی

رژیم های غذایی شامل ماهی و فرآورده های آن نظیر روغن ماهی از زمانهای بسیار دور جهت جلوگیری از بیماریهای قلبی عروقی مورد استفاده قرار گرفته اند و تحقیقات بسیار فراوانی از موسسات علمی و پزشکی معروف جهان همواره مصرف آن را توصیه کرده اند. ولی اخیراً تحقیقاتی انجام گرفته و نتایج آن اعلام شده است (Alpha Omega Trial)

که مصرف مارجرین و یا روغن های اومگا-۳ (روغن ماهی) را مورد مطالعه قرار داده اند و به این نتیجه رسیده اند که مصرف این مواد در پیشگیری سلامت قلبی و ناراحتی قلبی و عروقی تاثیری ندارد. همین طور دانشمندان با منابع علمی گوناگون جمع آوری شده و به هم ربط دادن آنها (Meta-Analysis) گزارش کرده اند که در مجموع اثرات جلوگیری

کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال با دانش و تجربه در امور ورشکستگی، امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshafiei, Esq.

مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی
♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

♦ Business Law

♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

(408)418-4675

www.headwaylegal.com

111 N. Market Street, Suite 300 San Jose, CA 95113

آمیزی می کردند و معتقد بودند اگر در لحظه سال بر سر سفره نباشند، تا آخر سال از نعمتهای مختلف محروم می شوند.

بر سر سفره هفت سین مقداری ماست و شیر می گذاشتند هرکس که مزاج گرمی داشت یک قاشق ماست میخورد کسی که بلغمی مزاج بود و طبع سردی داشت مقداری شیر می خورد.

اعتقاد بر این بود که با مصرف یک قاشق ماست یا شیر مزاج افراد متعادل میشود و یا یک ظرف آب می گذاشتند و در داخل آن یک نارنج یا برگهای آنرا قرار میدادند و با حرکت و چرخش نارنج متوجه تحویل سال میشدند.

اعتقاد بر این بود که شمع های روشن را نباید خاموش کرد و اگر هر یک از شمع ها که به تعداد اعضای خانواده بود خاموش می شد این باور وجود داشت که صاحب آن شمع در آن سال فوت خواهد کرد؟ در چهارشنبه سوری رشته پلو و یا شیربرنج نوز و سمنو طبخ می شد تا موقع سال تحویل بر سر سفره هفت سین بگذارند. پیشینیان معتقد بودند حضرت خضر می تواند مثلاً سمنوی آنها را متبرک سازد و اگر اثری شبیه به انگشت دست روی غذا ظاهر میشد می گفتند حضرت خضر آمده و غذا را متبرک ساخته است. ^{روزنامه مطلب در صفحه ۴۷}

کنند و فرشهای پاک و تمیز بگسترانند و لباس جدید بپوشند. قبل از تحویل سال خانه های خود را تمیز و غبار رویی کنند و انواع و اقسام سبزه ها و عطرها را مورد استفاده قرار دهند. سبزه هایی که بر سر سفره هفت سین گذاشته می شد فقط یک موضوع معمولی و بی فایده نبوده با دیدن این سبزه ها پیش بینی میشد چه محصولی در سال جدید از باروری بیشتری برخوردار است اگر هر یک از سبزه های عدس، گندم و جو تا روز سبزه بدر رشد بیشتری میداشت اعتقاد بر این بود که تخم همان نوع محصول باید کاشته شود و اطمینان داشتند با رعایت چنین عملی، کشت آنها پربرکت تر می شد.

معمولاً در مراسم تحویل سال غذائی مثل پلو ماهی یا کوکو سبزی تهیه و معتقد بودند که هر کس در شب عید چنین غذائی بخورد تا آخر سال چیزی را گم یا فراموش نمی کند مردم سعی داشتند در لحظه تحویل سال در محل مقدسی حضور داشته باشند و یا حتی اگر لحظه تحویل سال در نیمه های شب باشد بیدار و دور سفره هفت سین گرد هم باشند.

تخم مرغها را با رنگهای طبیعی مثلاً با استفاده از پوست گردو و پیاز می آراستند و حتی آنها را با رنگهای گیاهی رنگ



نوروز

زنده یاد محمد تقی سبط

روز بازار گل و نسرين است

جشن فرخنده فروردین است

خیام نیشابوری مأمور تنظیم تقویمی شدند که تقویم جلالی یا ملکشاهی نام گرفت و مقرر شد نوروز در ابتدای فصل بهار باشد. مراسم چهارشنبه سوری در واقع افتتاحیه این جشن و سبزه بدر اختتامیه آن است. ابوریحان بیرونی در کتاب «آثار الباقیه» با اشاره به رسم تخم افشاندن ایرانیان برای تهیه سبزه مراسم نوروز گفته است: این رسم در ایران پایدار مانده که در نوروز در کنار خانه هفت صنف از غلات و هفت استوانه بکارند و از رویش این غلات خوبی و بدی زراعت و حاصل سالانه را حدس زنند.

یکی دیگر از آداب به استقبال رفتن سال جدید در امر نظارت منزل بروز پیدا میکند که مینای مذهبی داشته در سرودهای مقدس اوستا آمده: به هوش باشید و آگاه که روان مردگان در ایام فروردگان به خانه های ایشان باز می گردند. بنابراین گفته شده که افراد خانه های خود را پاک

نوروز را «نورگ روز» می گفتند در این روز همه دست از کار می کشیدند و به استراحت می پرداختند. دربرخی نوشته ها نوروز را روز پیدایش جهان میدانند و برخی آنرا از ابتکارات جمشید جم پادشاه اسطوره ای پیشدادی بر می شمردند.

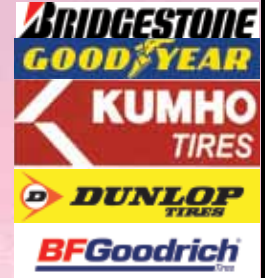
در تقویم ایران باستان هر ۳۶۵ روز را یک سال بشمار می آوردند با گذشت هر ۱۲۰ سال نوروز بمدت یکماه جلوتر می آمد بعد از ورود اسلام به ایران، تقویم هجری قمری رایج شد در این تقویم هر ۳۵۵ روز یک سال محسوب می شود این تقویم تا سال ۱۳۰۴ شمسی در ایران رایج بود براساس قانونی که در یازدهم فروردین همان سال تصویب شد تقویم قمری منسوخ و تقویم شمسی جایگزین آن شد و با در نظر گرفتن موضوع سال کبیسه معمولاً سال شمسی در اوایل ماه فروردین آغاز می شود. در دوره ملکشاه سلجوقی تعدادی از دانشمندان خبیره وقت و از جمله حکیم عمر

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated



Get up to \$160

Goodyear® Visa® Prepaid Card by Mail-In
Rebate with the purchase of a set of four select
Goodyear on the Goodyear Credit Card.

Offers valid between 02/28/14 – 03/30/14

Get \$70 OFF

On any four
MICHELIN Tire

Offers valid between 02/28/14 – 03/30/14

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

(408)738-1960
597 S. Murphy Ave.
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1
Established in 1996

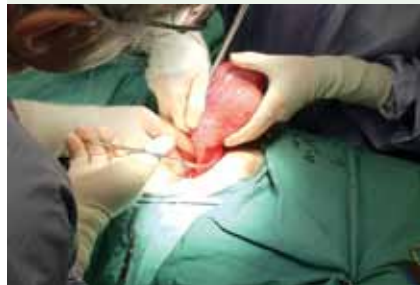
(408)583-1200
1800 S. Winchester Blvd.
Campbell, CA 95008

هیسترکتومی (عمل برداشتن رحم)

هیسترکتومی نوعی عمل جراحی است که در طی آن رحم از بدن بیرون آورده میشود. این عمل برای درمان مشکلات متعددی بکار میرود؛ مانند دردهای لگن، مشکلات قاعدگی، تومورها و دیگر بیماریهای مربوطه. البته بر اساس مشکل بیمار ممکن است علاوه بر رحم، برداشتن لوله های فالوپ، تخمدان ها و یا دهانه رحم (سرویکس) نیز ضرورت یابد. معمولاً در موارد زیر ممکن است هیسترکتومی به بیمار پیشنهاد شود.

واژن میروود. این وضعیت ممکن است باعث بی اختیاری ادرار، فشار بر لگن و یا اشکال در اجابت مزاج گردد. زایمان، چاقی، سرفه یا زور زدن مداوم، و تغییرات هورمونی (مثلاً از دست دادن استروژن بعد از یائسگی) از علل

وهمود فیبروئید یا میوم: این موارد تومورهایی غیر سرطانی هستند که معمولاً بعد از یائسگی کوچک و جمع می شوند. فیبروئیدها شایعند ولی در حالت عادی نیازی به درمان ندارند مگر آنکه



با علائمی همراه باشند. اما فیبروئیدهای بزرگ می توانند بر اعضای داخل لگن فشار آورده، موجب خونریزی، درد در هنگام آمیزش، کم خونی، درد لگن، و یا فشار به مثانه شوند.

ابتلا به آندومتریوز: آندومتریوز حالتی است که در آن استر پوشاننده رحم در

بیرون از رحم و یا روی اعضای اطراف آن نیز وجود دارد و ممکن است باعث قاعدگی های دردناک، خونریزی های غیر طبیعی از واژن، ایجاد جوشگاه و چسبندگی، و ناباروری گردد. آندومتریوز دومین علت شایع برای انجام هیسترکتومی بشمار می رود.

افتادگی (پرولاپس): هم در این حالت به دلیل ضعف بافت هایی که رحم را در جای خود نگه می دارند، رحم به سمت پایین و به درون

شایع پرولاپس رحم بشمار میروند. **دردهای لگن:** این دردها علل و علائم متعددی دارند (مانند دردهای قاعدگی، یا درد در هنگام آمیزش) ولی همه آنها از طریق هیسترکتومی بطور کامل قابل درمان نمی باشند. لذا بسیار مهم است که ابتدا مشکل به درستی تشخیص داده و با اقدامات دیگری درمان شود.

اگر شما از افسردگی، ناامیدی و افکار خودکشی در رنج هستید، مطمئن باشید که مراجعه به متخصصین بهداشت روانی برای شما بسیار کمک کننده خواهد بود. ترجمه: مجید محمودعلیلو، کارشناس دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همکار مرکز مشاوره دانشگاه تهران

می آئید (برای دیگران مهم هستید)، ارزشمندید و استحقاق این را دارید که چیزها را بهتر سازید. زندگی در دوره هایی از زمان سخت می گردد، همه فراز و نشیب دارند. یک بخش از خوبی زندگی در این است که شما امیدوارید فردا بهتر از دیروز خواهد بود.

بحران خودکشی

آیا تاکنون با پیشامدهای ناگام کننده ای در زندگی مواجه شده اید، طوری که دلتان بخواهد به همه چیز خاتمه دهید؟ آیا تاکنون مرگ به عنوان راه حلی بهتر از مبارزه با زندگی برایتان مطرح شده است؟ بسیاری از مردم در دوره ای از زندگی خود به مرگ فکر کرده اند ولی تعداد بسیار کمی از آنها واقعا به خودکشی اقدام کرده اند. بحران خودکشی تجربه ای مغشوش کننده، دردناک و سخت است. برای بیرون آمدن از بحران خودکشی، تعیین عوامل ایجاد کننده بحران، فهم احساسات شخص خودکشی کننده و مواجهه با افکار خودکشی گرا مسائل بسیار مهم و اساسی هستند.

شیوه های موافقه با افکار خودکشی

در زیر چند راهبرد جهت مواجهه با معمای بحران خودکشی ذکر شده است. نکته کلیدی برای پیشرفت از طریق این حالت، برقرار کردن رابطه با یک شخص و مشارکت در یافتن راههای جایگزین جهت (توجیه) زندگی (زنده ماندن) است.

۱) ترسها، ناگامی ها و نگرانی های خود را با والدین، دوست، همسر، استاد، مشاور یا یک روحانی در میان بگذارید. اگر شما راه حلی برای مشکلات ندارید به این معنی نیست که برای آن مشکلات دیگر هیچ راه حلی وجود ندارد. ابراز افکار و احساسات آغاز کننده فرایندی است که از طریق آن نیرو، امید و احساس ارزشمندی مجدداً ایجاد شده و به کشف راه حل های دیگر جهت حل و فصل بحران منجر می گردد. اگر افکار خودکشی پیش از چند روز طول کشید، کمک حرفه ای و تخصصی الزامی خواهد بود.

۲) آنچه را که موجب ناراحتی شما می شود بطور مشخص بنویسید. علاوه بر این، چگونگی رویارویی تان با مشکلات را معین کنید. با مشخص کردن آنچه جهت مقابله با یک موضوع خاص انجام می دهید، دریچه ذهن خود را برای راه حل های دیگر باز می گذارید.

۳) افکار مثبت را جایگزین افکار منفی کنید. اگر شما بطور دائمی درباره تقاض، تقصیرها و بدبیباری های زندگی خود تعمق و تفکر نمائید، خود پنداره و نگرشی منفی در مورد آینده را درونی خواهید کرد. تمرکز بر اسنادها، توانایی ها و مشارکت های شخصی مثبت، نگرشی متعادل در مورد خود و توانایی هایتان ایجاد خواهد کرد. در بعضی اوقات جهت ایجاد احساس بهتر با خودتان حرف بزنید.

۴) کسانی را که در صورت کشتن خودتان زندگی آنها آسیب خواهد دید، مشخص کنید. تعیین اینکه آیا کسی در زندگی خود به شما نیازمند است، کاری سخت است. بهرحال، ما همه در شبکه های اجتماعی درگیر هستیم و در هر لحظه از زمان شخصی وجود دارد که رابطه ای معنی دار با شما داشته باشد. در نظر داشته باشید که شما به حساب

چه چیزی به بحران خودکشی منجر می شود؟

یک بحران خودکشی معمولاً توسط یک تجربه آسیب زا و یا مجموعه ای از تجارب که احساس ارزشمندی شخص را پایمال می کنند، ایجاد می شود. این



تجارب شامل یک فقدان اساسی، ناگامی در نیل به اهداف شخصی و یا مشکلات شخصی دراز مدت می باشند. زمانی که نظام مقابله ای شخص قادر به رویارویی با تجارب منفی زندگی نباشد، افسردگی و یأس ناشی از آن می تواند شخص را به افکار خودکشی آسیب پذیر نماید.

احساسات شفاف خودکشی کننده

عموماً شخص در معرض خودکشی به دلیل احساس بیگانگی از تعاملات اجتماعی کناره گیری می کند.

او در پس انبوه جمعیت احساس انزوا و تنهایی می نماید. نیروی لازم برای عملکردهای روزانه کاهش می یابد. احساس خستگی و نوسانات خلقی ایجاد می شوند. خواب، خوراک و عادات مراقبت از خود از نظم معمول خارج می گردند. شخص ممکن است بدلیل سخت و غیر قابل تحمل بودن الزامات زندگی از خوردن خودداری کند، در خواب مشکل داشته باشد، کلاس درس یا کار خود را فراموش کند و از آرایش ظاهری خود غفلت نماید. عواطف خشم، آسیب و غمگینی احساس ناامیدی و درماندگی فرد را در بر می گیرد.

ما شما را به دیداری از مدرسه ی فارسی دهخدا و سازمان غیر انتفاعی فرهنگ و هنر ایران دعوت می نمایم

در این مجموعه فرزندان شما با کلاسهای آموزش زبان فارسی، پیانو، گیتار، نقاشی و انواع سازهای ایرانی آشنا خواهند شد

فرزندان ۱۳ ساله ی شما به عنوان کمک معلم در این اردو به کار آموزی خواهند پرداخت

نوروز ۱۳۹۳ کلاسهای رایگان برای بچه ها ارایه خواهد شد

تابستان گرم و طولانی با اردوی تابستانی مدرسه ی فارسی دهخدا و سازمان غیر انتفاعی خانه ی فرهنگ و هنر ایران

❖ شروع اردو ۱۶ ماه جون ❖ پایان اردو ۸ اگست ❖ ساعت اردو ۸ تا ۵ بعد از ظهر

قطار نشسته بود. در حالی که مسافران در صندلیهای خود نشسته بودند، قطار شروع به حرکت کرد.

به محض شروع حرکت قطار، پسر ۲۵ ساله که کنار پنجره نشسته بود پر از شور و هیجان شد. دستش را از پنجره بیرون برد و در حالی که هوای در حال حرکت را با لذت لمس می کرد فریاد زد: «پدر نگاه کن درختها حرکت می کنند.» «مرد مسن با لبخندی هیجان پسرش را تحسین کرد. کنار مرد جوان، زوج جوانی نشسته بودند که حرفهای پدر و پسر را می شنیدند و از حرکات پسر جوان که مانند یک بچه ۵ ساله رفتار می کرد، متعجب شده بودند. ناگهان پسر دوباره فریاد زد: «پدر نگاه کن دریاچه، حیوانات و ابرها با قطار حرکت می کنند.»

زوج جوان پسر را با دلسوزی نگاه می کردند. باران شروع شد چند قطره روی دست مرد جوان چکید. او با لذت آن را لمس کرد و چشمهایش را بست و دوباره فریاد زد: «پدر نگاه کن باران می بارد، آب روی من چکید.» زوج جوان دیگر طاقت نیاورند و از مرد مسن پرسیدند: «چرا شما برای مداوای پسران به پزشک مراجعه نمی کنید؟» «مرد مسن گفت: «ما همین الان از بیمارستان بر می گردیم... امروز پسر من برای اولین بار در زندگی می تواند ببیند!

روی پنجه بلند شد و زنگ اتوبوس را زد. اتوبوس ایستاد و سگ با کیسه پیاده شد. قصاب هم به دنبالش.

سگ در خیابان حرکت کرد تا به خانه ای رسید. گوشت را روی پله گذاشت و کمی عقب رفت و خودش را به در کوبید. اینکار را بازم تکرار کرد اما کسی در را باز نکرد. سگ به طرف محوطه باغ رفت و روی دیواری باریک پرید و خودش را به پنجره رساند و سرش را چند بار به پنجره زد و بعد به پایین پرید و به پشت در برگشت. مردی در را باز کرد و شروع به فحش دادن و تنبیه سگ کرد. قصاب با عجله به مرد نزدیک شد و داد زد: چه کار می کنی دیوانه؟ این سگ یه نابغه است. این باهوش ترین سگی هست که من تا بحال دیدم. مرد نگاهی عاقل اندر صفی به قصاب کرد و گفت: تو به این میگی باهوش؟ این دومین بار تو این هفته است که این نادان کلیدش را فراموش می کنه!!!

♦ مردم هرگز از چیزهایی که دارند راضی نخواهند بود.
♦ چیزی که شما انرا بی ارزش می دانید بطور قطع برای کسانی دیگر ارزشمند و غنیمت است.
♦ بدانیم دنیا پر از این تناقضات است. پس سعی کنیم ارزش واقعی هر چیزی را درک کنیم و مهمتر اینکه قدر داشته های مان را بدانیم.

زندگی زیباست

مرد مسنی به همراه پسر ۲۵ ساله اش در

اعمالتان از دل، فکر، هوش و روحتان مایه بگذارید این رمز موفقیت است... لبخند بزنید.

قصاب

قصاب با دیدن سگی که به طرف مغازه اش نزدیک می شد حرکتی کرد که دورش کند اما کاغذی را در دهان سگ دید. کاغذ را گرفت. روی کاغذ نوشته بود «لطفا ۱۲ سوسیسی و یک ران گوشت بدین» ۱۰ و دلار نیز همراه کاغذ بود. قصاب که تعجب کرده بود سوسیسی و گوشت را در کیسه و در دهان سگ گذاشت. سگ هم کیسه را گرفت و رفت. قصاب که کنجکاو شده بود و از طرفی وقت بستن مغازه بود تعطیل کرد و بدنبال سگ راه افتاد.

سگ در خیابان حرکت کرد تا به محل خط کشی رسید. با حوصله ایستاد تا چراغ سبز شد و بعد از خیابان رد شد. قصاب به دنبالش راه افتاد. سگ رفت تا به ایستگاه اتوبوس رسید نگاهی به تابلو حرکت اتوبوس ها کرد و ایستاد. قصاب متحیر از حرکت سگ منتظر ماند. اتوبوس آمد، سگ جلوی اتوبوس آمد و شماره انرا نگاه کرد و به ایستگاه برگشت. صبر کرد تا اتوبوس بعدی آمد دوباره شماره انرا چک کرد اتوبوس درست بود سوار شد. قصاب هم در حالی که دهانش از حیرت باز بود سوار شد. اتوبوس در حال حرکت به سمت حومه شهر بود و سگ منظره بیرون را تماشا می کرد. پس از چند خیابان سگ

خلاقیت

روزی مرد کوری روی پله های ساختمانی نشسته و کلاه و تابلویی را در کنار پایش قرار داده بود روی تابلو خوانده میشد: من کور هستم لطفا کمک کنید .

روزنامه نگار خلاق از کنار او می گذشت نگاهی به او انداخت فقط چند سکه در داخل کلاه بود. او چند سکه داخل کلاه انداخت و بدون اینکه از مرد کور اجازه بگیرد تابلوی او را برداشت آن را برگرداند و اعلان دیگری روی آن نوشت و تابلو را کنار پای او گذاشت و انجا را ترک کرد. عصر آنروز روز نامه نگار به آن محل برگشت و متوجه شد که کلاه مرد کور پر از سکه و اسکناس شده است مرد کور از صدای قدمهای او خبرنگار را شناخت و خواست اگر او همان کسی است که آن تابلو را نوشته بگوید، که بر روی آن چه نوشته است؟ روزنامه نگار جواب داد: چیز خاص و مهمی نبود، من فقط نوشته شما را به شکل دیگری نوشتم و لبخندی زد و به راه خود ادامه داد. مرد کور هیچوقت ندانست که او چه نوشته است ولی روی تابلوی او خوانده میشد: امروز، روز زیبایی است، ولی من نمیتوانم انرا ببینم!!!!

وقتی کارتان را نمیتوانید پیش ببرید استراتژی خود را تغییر بدهید خواهید دید بهترینها ممکن خواهد شد باور داشته باشید هر تغییر بهترین چیز برای زندگی است. حتی برای کوچکترین



رُز مارکت
Rose Market

امسال شب چهارشنبه سوری را در
رُز مارکت ساراتوگا جشن بگیرید

**آتش بازی، موزیک زنده،
رقص و پایکوبی**

سه شنبه ۱۸ مارس
از ساعت ۵ بعد از ظهر الی ۱۰ شب

(408) 867-1666 ♦ (650) 222-9253

14445 Big Basin Way, Saratoga, CA 95070



DJ Alireza
Music at Its Best
(408) 772-6463

www.djalireza.com
Quality Mobile DJ Service
State of The Art Lighting Services
Complete Audio Visual Equipments
Ambiance Lighting for Wedding Receptions

Like Me on facebook

کلمات را می‌توانست بشمرده؛ آن‌هایی که نوشتی و آن‌هایی که بک اسپیس زدی. کاش آمار می‌گرفت از این همه کلمه و حرف‌هایی که به زبان نیامدند.

سال‌هاست شغل من شمارش کلمات است. از حساب خوشم نمی‌آمد با این که ریاضی‌ام خوب بود. فرار کردم که عددها را نشمارم، اما سرنوشتم شمردن شد. لابه‌لای عددها بود که گم شدم. لابه‌لای عددهای قبض‌ها و پول بنزین و هزینه‌ی موبایل. لابه‌لای صفرهای کم و آرزوهای زیاد. خلاقتیم هی لاغر شد. سرم را می‌گذاشتم روی بالش و بیهوش می‌شدم. در بیهوشی به آینده فکر می‌کردم، با آن مفهوم شکننده و لرزان. با آن حباب نازک توهم برانگیزش. فکر می‌کردم که صبح باید زود بیدار شوم، چون آن دستگاهی که پایین هست، آن دستگاه عدد شمار، آن که کارش حساب دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست، می‌خواهد وجودم را متر کند. مردک هیزی نشسته بود توی اتاقک جلوی در، مراقب بود قلب نکند. ۱۰ ثانیه می‌شد چقدر؟ یک تومان؟ صد تومان؟ آن دستگاه چطور محاسبه می‌کرد لحظه‌های جوان مرا با چرخ‌دنده‌ها یا مغز دیجیتالی‌اش؟

.....
آزادی بیان! آزادی! توی شب‌های اوین، با زل زدن به چراغ همیشه روشن سقف فهمیدم این بازجو نیست که آزادی بیان مرا نقض کرده است. آزادی بیان را این عددها گرفتند؛ آن لحظه‌های حقیر که می‌نشستم روی صندلی، دسته لاغر پول‌ها را می‌گذاشتم توی جیبم و در حالی که دست‌هایم یخ کرده بود، با انگشت‌های لرزان، کلمات را می‌فروختم. آزادی بیانم را کسی که روبه‌رویم نشسته بود و عکس‌ها را از متن منها می‌کرد تا به متن باقی‌مانده پول بدهد نقض می‌کرد. آزادی بیانم، آن روزها نه، پیش از آن، وقتی که در اتاق‌های پشت سرم را بستم و رفتم، توی همان اتاق‌ها زندانی شده بود. یا شاید زودتر...

دارد. خیلی. در روزهای ۲۰ سالگی، ارزش کلمات عاشقانه هنوز بر حساب و کتاب‌های دیگر می‌چربد. این‌جا نقطه‌های خالی زیادی هست که به درد تریبی می‌خورد، اما حوصله‌اش نیست. به جایش سه نقطه‌های بی‌شمار می‌گذارم.

.....
یک جایی توی ۲۴ سالگی، فهمیدم حقوق من با یک زن خیلی معمولی و کم‌سواد، با کسی که دغدغه‌های فنیستی ندارد، فرقی ندارد. خودم را پیدا کردم بی‌پول، بی‌خانه، بی‌شغل. فهمیدم سربه‌هوایی سال‌های جوانی و نزد عشق باختن، نتیجه‌اش دست‌های خالی است. در مواجهه با سنتی‌ترین قضاوت‌ها از نزدیک‌ترین افراد، همه‌ی ابزارها علیه من به کار گرفته شد. تهدید عاطفی، فشار مالی، تنهایی.

آنقدر قوی بودم آن روزها که بیدم به این بادها نلرزدم. روزی که قرار شد ۱۵۰ هزار تومان اجاره‌ی خانه بدهم، حق‌التحریر هر گزارش ۲۰ هزار تومان هم نبود. می‌توانستم روزی یک گزارش، نه، چند گزارش بنویسم. اما نگاه‌های هار دور و برم طاقت چند بار دیدن یک نام را نداشتند؛ نه به خاطر این که به تکرر و تنوع نام‌ها معتقد بودند واقعا، به خاطر این که فکر می‌کردند این توانایی ناممکن است و اگر ممکن هم باشد، قابل قبول نیست. قطعا آن‌ها حساب نمی‌کردند که با ۴ تا ۲۰ هزار تومان نمی‌شود ۱۵۰ هزار تومان کرایه خانه داد. بی‌رحمانه‌ترین قضاوتی که آن سال‌ها شنیدم این بود که یک دختر مجرد پول می‌خواهد چرا، و البته این را درباره‌ی من نگفتند؛ درباره‌ی دوست نزدیکم گفتند.

خطوط را رها خواهم کرد...
و همچنین شمارش اعداد را رها خواهم کرد دست را می‌گذارم روی کیبورد و پیش می‌روی. نگاهت به سمت چپ صفحه است، که با هر فشار انگشت، عددی تغییر می‌کند. خیلی زود، عددها از یک می‌رسد به صد و هزار. کاش این کلمه‌شمار تمام



نقطه آغاز

نعیمه دوستدار

این یادداشت یک تریبی است. برای پیدا کردن آن نقطه‌ی آغاز، آن جایی که من، یک چیزهایی را کم کردم.

تافتی جدا بافته... مهم نیست روایهای نوجوانی‌ات چه بوده... مهم نیست سرسخت بوده‌ای یا مطیع. در ۱۴ سالگی، می‌ایستی روبه روایهای پدرب و از عددها فرار می‌کنی. هنوز خیلی زور داری. او هم زور دارد. اسمش تغییر رشته است، کلمه ساده‌ای است. حرف پیچیده‌ای نیست. تنها باید چند ماه بجنگی. یک سال نمی‌روی مدرسه. همین!

در ۱۵ سالگی، هنوز زور داری برای جنگیدن با ایدئولوژی تحمیلی موسس مدرسه. خیلی راحت است برایت که در ۱۷ سالگی، بزنی زیر کاخ فشنگ خیابان الهیه، بروی توی میدان توحید، قاطی دخترهایی که یا شوهر کرده بودند، یا داشتند شوهر می‌کردند، دیپلم بگیری. آدم در ۱۷ سالگی خیلی زور

از یک جایی به بعد گم شدم. از یک جایی به بعد، آن بی‌خیالی، آن رهایی و آن توانایی رفتن به اعماق لحظه‌ها و فراموشی زمان و آن میل در خود فرو رفتن و به حال خود بودن در من تمام شد. از زمانی که نمی‌دانم کی، خودم را به اولویت‌های بعدی واگذار کردم. لذت‌های شخصی‌ام به امیال جمعی بدل شدند انگار. دیگر نتوانستم روی تخت دراز بکشم و زل بزنم به سقف و خیال بیافم. دیگر نتوانستم «من» را خوب تشخیص بدهم.

این از عوارض خشونت مزمن من با خودم بود که کمی‌اش را می‌اندازم گردن خشونت روزگار!

آن جایی که می‌فهمی قرار است در یک نبرد نابرابر، با دست خالی بجنگی. استعاره‌ی دست‌مالی شده‌ای است می‌دانم. اما مهم نیست که چقدر روشن‌فکری و



دکتر ورقا روحپور

جراح و متخصص بیماری‌های ارتوپد

Varqa Rouhipour, M.D.

✓ Shoulder, Sports Medicine, Orthopedic
✓ Trauma, and Fracture Management Specialist

✓ Fellowship training in Orthopedic Trauma at Carolinas Medical Center
✓ Sports Medicine/Shoulder & Elbow Reconstruction fellowship at the University of Southern California.

- ♦ جراحی دست و پا
- ♦ جراحی تعویض مفاصل
- ♦ شکستگی‌ها و تصادفات
- ♦ معالجه صدمات ناشی از کار و از کار افتادگی
- ♦ جراحی‌های آرتروسکوپی مفاصل
- ♦ جراحی‌های ناشی از صدمات و شکستگی‌های ورزشی



“Seeing my patients smile after treating their injury or condition is what motivates me to become even more skilled and educated every day.”

(408) 412-8100

www.norcalorthopedics.com

3803 South Bascom Avenue, #102, Campbell, CA 95008

جشن باشکوه و سنتی چهارشنبه سوری

SANTANA ROW

سه شنبه ۱۸ مارس ۲۰۱۴ از ساعت ۵:۳۰ تا ۸:۳۰ عصر

TOUCHFREEWASH.COM

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

قافیه نمی رود بلکه قافیه را به دنبال خود می کند و در صورت لزوم آن را خلق می کند زیرا هدف او وزن و قافیه نیست بلکه ابراز عشق و اظهار تجلیات روح است و بدین جهت است که گاهی کلمات از بیان و توجیه مطلب شاعر عاجز می شوند و اظهار خستگی از خود نشان می دهند. شعر مولوی لبریز از احساسات یک روح پرهیجان و پرتو یک آتش درونی عشق است. مولوی در آثارش بیش از هر چیز به جنبه های روانشناسی و جان و روان انسانها توجه دارد و از این جهت مثنوی های او را کتاب روح نامیده اند. همانطور که حافظ در آثارش بیش از هر شاعر دیگر به رنگ و بو توجه کرده است، مولوی با چشمت روحش شنونده و خواننده را به اوج آسمان ها می برد به دریای موج عشق و حال و بیخبری می اندازد. جذبه های روحی جلال الدین در زبان او لبریز از مکنونات و هیجانات روحی است. مولوی آنقدر که در صدد تامین مضمون و معنوی است در فکر زیبا کردن صورت کلام بوسیله وزن و قافیه نیست و فرماید: قافیه اندیشم و دلدار من گویدم مندیش جز دیدار من حرف و صوت و گفت را برهم زخم تا که بی این هر سه با تو دم زخم و یا گوید:

خود بگوید از زبان موجودات دیگر و به حساب آنها بر زبان می آورد و در واقع آنها مرجع انعکاس انفعال های بشری می گردند. برای نمونه به ابیات زیر از مولوی توجه فرمائید:

لحظه ای قصه کنان قصه تبریز کنید
لحظه ای قصه آن غمزه خون ریز کنید
در فراق لب چون شکر او تلخ شدیم
ز آن شکرهای خدایانه شکرریز کنید
هندوی شب سر زلفین ببرد ز طمع
زلف او گر بفشانید عنبربیز کنید
ای بسا شب که ز نور مه او روز شود
گرچه مه در طلبش شیوه شبخیز کنید
وقت شمشیر بود واسطه ها برگیرن
حرف آرید نخواهیم که آمیز کنید
شمس تبریز که خورشید یکی ذره اوست
ذره را شمس مگوئیدش و پرهیز کنید
به این ابیات از حافظ بنگرید:
نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
آن تپاول که کشید از غم هجران بلبل
تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد
دیوان شمس جُنگ عاشقانه ایست با عشقی
منزه از آلودگی ها. از این جهت شعر مولانا سراسر موسیقی و زبان روح است. او به دنبال



تولد دیگر

دکتر حسین مسیح پور

قافیه اندیشم و دلدار من
گویدم مندیش جز دیدار من
حرف و صوت و گفت را برهم زخم
تا که بی این هر سه با تو دم زخم

سبک شعر و نگارش مولوی

مولانا جلال الدین عارفی است وارسته و فرهیخته و انسانی است آزاد و متعالی، و متفکری است صاحب نظر و اندیشه که هیچ یک از مبادی و پدیده های عالم خلقت را از نظر دور نداشته و بادید تیزبین خود در تمام امور تحقیق و تفحص نموده و تجربه فراوانی کسب کرده است و همچنین شاعری است توانا که در پنجاه و پنج وزن از اوزان مختلف حدود هفتاد هزار بیت (۲۹۷۳۴) بیت در مثنوی های ششگانه و حدود ۴۲۰۰۰ بیت در دیوان غزلیات (شمس) در ترکیب مثنوی، غزلیات، قصاید، مقطعات، ملمعات، ترجیعات و رباعیات سروده است که با توجه به ابعاد کار و میزان اوزان و کلام پرمحتوا می توان او را به حق اشعر شعرای ایران بلکه جهان محسوب داشت. باید توجه داشت که در میزان ابیات مولوی در مثنوی ها و غزلیات شمس اختلاف نظر وجود دارد که ما فقط یک نظر را ذکر کرده ایم.

دیوان شمس و مثنوی های ششگانه مولوی باغی است سبز و خرم حاوی انواع گل ها و میوه ها و گیاهان خوشبو و معطر که بو و رنگ آن انسان را بجوش و خروش و تکاپوی زندگی می کشاند و موجب نشاط و زنده دلی مردمان می شود. کلام آتشین و پرمحتوای مولوی حدود هفت قرن است که از ورای اعصار و قرون در جهان طنین انداز است و انسان ها را به آزادی و آزاد منشی، صلح و صفا و عدالت و برابری و دوستی می خواند. او انسان متعالی بود که از تعصب و واپسگرایی و تقلید و خودپسندی و پلیدی سخت انزجار داشت و به انسان ها توصیه می کند که با این صفات ناپسند مبارزه کنند و با التهاب و برافروختگی به نسلهای بعد از خود فریاد می زند که در حفظ شخصیت و شئون انسانی بکوشند و از بردگی و بندگی برای بدست آوردن مال و منال و مقام و منصب بپرهیزند. او شخصیت انسانی را گوهری تابناک می داند که نباید با سنگ زدالت و بندگی و بردگی آن را شکست. آری تمام این موارد و بسیاری از نکات

سازنده دیگر است که مضامین آثار مولوی را تشکیل می دهد و زمینه ساز ارزش بسیار والا برای ۶ دفتر مثنوی و غزلیات شمس است. مولوی می فرماید:
من چه غم دارم که ویرانی بود
زیر ویران گنج سلطانی بود
غرق حق خواهد که باشد غرق تر
همچو موج بحر جان زیر و زبر
زیر دریا خوشتر آید یا زیر
تیر او دلکش تر آید یا سپر
باده در جوشش گدایی جوش ماست
چرخ در گردش اسیر هوش ماست
باده از ما مست شدن ما از او
قالب از ما هست شدن ما از او
دوست دارد یار این آشتیگی
کوشش بیهوده به از خفتگی
مولوی شگردی را که برای فراخی فکر و اندیشه خوانندگانش بکار گرفته و حافظ نیز از او تقلید کرده است روشی است منطبق با اصول روانشناسی و آن جان بخشی به موجودات است که آن را در اصطلاح Personification خوانند. مولانا به جماد و نبات و حیوان جان می بخشد و صفات انسانی را به آنها نسبت می دهد تا حوزه کلام و سخن را فزونی بخشد. آسمان و ستارگان و ماه و خورشید و ابرها همه در حوزه شعر شاعر قرار می گیرند و یک حوزه کایناتی وسیع تشکیل می شود و به این ترتیب در شعر مولانا جابجائی اشیاء و موجودات و عناصر است که می تواند هریک به دیگری تبدیل یا با آن بیامیزد. جماد به نبات و نبات به حیوان و مرئی به نامرئی تبدیل می شود و همواره مبادله بین اجزای طبیعت جریان دارد و این امر ما در فضای شعر با کل عالم و کاینات در ارتباط قرار می دهد و از اینجاست که ذره رقص کنان بجان خورشید می رود و گلها سخن می گویند و می خندند، نسیم می نوازد، سرو آزاده می شود و صدای چنگ زهره و چکاپک شمشیر مریخ از دور بگوش می رسد و ما از فراز افسانه ها و اساطیر با قهرمانان اساطیری مرتبط می شویم و با این شگرد در نگارش بعضی از چیزها که انسان نمی خواسته یا نمی توانسته با بیان

Nowrouz 2014

Sunday march 9th at 3:00
5001 Great America Pkwy
Santa Clara, Ca.
For more information call:
(408) 829-8296

نوروز
۱۳۹۳

برنامه ای برای
تمام اعضای خانواده

رقص، موسیقی
تئاتر، شعبده بازی
به همراه:
حاجی فیروز و عمو نوروز

Hajad World Music Center

Alborz Academy
مدرسه فارسی البرز
E-Mail: AlborzFarsiSchool@gmail.com

قبل از n که در آغاز کلماتی چون knife (کارد، چاقو) و knee (زانو) نیز وجود دارد. پنجم - در مورد سه حرف بعدی (ruz)، باید گفت که نوشتن oo در زبان های لاتینی معمول نیست و در زبان انگلیسی oo گاهی مانند blood (خون) صدای "آ" می دهد، و نوشتن ou نیز مانند route (مسیر) و count (شمردن) برای صداهای دیگر است. در هر حال، استفاده از حرف u برای صدای "او" در کلمه "روز" (ruz) مطابق دستورالعمل نوشتن فارسی با حروف لاتین (transliteration) بر اساس قواعد آواشناسی است.

* * *

با آنکه دلایل و شواهد بالا جای بحثی باقی نمی گذارد و به اصطلاح حجت را تمام می کند، با این حال برای آگاهی از پذیرش این شیوه نگارش و میزان تداول آن بد نیست به موارد زیر نیز توجه نماییم:

۱. در جلسه مورخ ۱۱ آگوست ۲۰۰۴ یونسکو (با شرکت اینجانب)، نوشتن نوروز به صورت Nowruz به اتفاق آراء مورد تصویب نمایندگان "کشورهای برگزارکننده نوروز" شامل ایران، آذربایجان، ازبکستان، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، قزاقستان، قرقیزستان و هندوستان قرار گرفت و از آن پس یونسکو این شیوه نگارش را در ارتباطات جهانی خود معمول نموده است. این کشورها با وجود شیوه های مختلف تلفظ، به شیوه نگارش Nowruz رأی داده اند.

۲. از دکتر احسان یارشاطر بنیاد گذار دایره المعارف ایرانیکا، بزرگترین و معتبرترین مرجع ایران شناسی در زبان انگلیسی با مشارکت دهها پژوهنده و نویسنده غیرایرانی، در مورد نحوه نوشتن کلمه نوروز با الفبای لاتین سؤال شده است. ایشان در پاسخ چنین اظهار داشته اند:

"نوروز یک کلمه است، بدون فاصله یا خط تیره، و نگارش آن نه فقط برای انگلیسی زبانان بلکه برای دیگر ملیت ها نیز براساس قواعد علم آواشناسی به صورت Nowruz می باشد."

۳. زنده یاد دکتر محمد مقدم، استاد برجسته زبان شناس دانشگاه تهران، در سال ۱۹۳۸ (قبل از جنگ جهانی دوم) در رساله دکترای خود زیر عنوان "ریشه های هند و اروپایی جشن های سال نو ایرانی" برای دانشگاه Princeton آمریکا، نوروز را به صورت Nowruz نوشته است.

۴. دو کشور آمریکا و کانادا نوروز را در ۲۱ مارچ به رسمیت شناخته اند. در آمریکا (نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد، کاخ سفید، کنگره، و وزارت امور خارجه) و در کانادا (دولت فدرال و پارلمان در اتاوا) در اسناد و مکاتبات رسمی، نوروز را به شکل Nowruz می نویسند. (به پیام های شادباش رؤسای جمهور غالب کشورها توجه فرمایید).

۵. دانشگاه های کمبریج و آکسفورد و بنیاد میراث ایران و بنیاد فرهنگ ایران و بسیاری از مراکز ایران شناسی و کانون ها و انجمن های ایرانی در خارج از ایران این شیوه نگارش را اتخاذ نموده اند.

تعریف کردند. از شب هایی که گرسنه به خواب می رفتند. اخس بسیار گریست و گفت وقتی فرزندان ایران اینچنین گرفتار غم و تنهایی باشند پادشاهی را ارزشی نیست. دستور داد یکی از باغهای پادشاهی ایران را



به آنها بدهند و برای شادی آنها هر کاری از دستش بر می آمد انجام می داد. زندگی شاد آنها نتیجه رنج هایی بود که تا کنون هر سال همراه نوروز زیبای ماست. شاید هم وجود ماهی در سفره هفت سین به سبب نام عربی آن «سمک» باشد.



نوروز = Nowruz

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

به توصیه مراجع علمی، براساس قواعد آواشناسی، برای همسانی با یونسکو، و برای حفظ وحدت ملی نوروز را Nowruz بنویسیم.

در حفظ وحدت ملی کوشا باشیم

اول - ناهمگونی در نوشتن نام نوروز با الفبای لاتینی برای ما ایرانیان موضوعی کم اهمیت و حتی غیر قابل اعتناست، ولی باید دانست که در معرفی این آیین بزرگ باستانی به جهانیان، یکنواختی در نوشتن نام بسیار اهمیت دارد، زیرا نوشتن نوروز به دلخواه و سلیقه شخصی و به شیوه های متفاوت، غیر ایرانی ها و غیر فارسی زبانان را دچار توهم نموده است.

۱. سال نو ایرانی نام و نشان درستی ندارد.

۲. اصل و ریشه و معنی نوروز برای ایرانیان روشن نیست.

۳. گروه های مختلف ایرانی سال نو متفاوتی را جشن می گیرند.

دوم - گذاری در اینترنت نشان می دهد که در نگارش نام نوروز با الفبای لاتینی تا چه حد ناهمگونی و تشتت آراء وجود دارد. بخش اول کلمه نوروز را به شکل های Now یا Naw یا Nav یا No و بخش دوم آن را به شکل های ruz یا rouz یا rooz نوشته اند. علاوه بر این، گروهی دو بخش را سرهم به صورت یک کلمه و عده ای جدا از هم به صورت دو کلمه می نویسند و بعضی هم بین دو بخش آن خط تیره می گذارند.

سوم - در زبان فارسی دو نوع صدای "ا" وجود دارد: صدای کوتاه مانند پُل، بُز و لُر و صدای بلند مانند جُور (ظلم و جفا) و سُور (مشورت) است. (و این غیر از "او" کشیده در کلماتی مانند زود یا سود است). شاید مثالهای دیگر برای صدای کوتاه کلمه دو (عدد) و کلمه دُر (مروارید) و برای صدای بلند کلمه دو (دویدن) و کلمه دُور (پیرامون) است. در فرهنگ بزرگ سخن راهنمای تلفظ برای دو (عدد) و دُر (مروارید) do و راهنمای تلفظ برای دو (دویدن) و دُور (پیرامون) dow است.

چهارم - نوشتن بخش اول کلمه نوروز به صورت Now هیچ ارتباطی با تلفظ کلمه انگلیسی now به معنی حالا ندارد. در زبان انگلیسی کلمات low (پایین، کوتاه)، row (ردیف، صف)، bow (خم شدن، تعظیم کردن) و sow (کاشتن) همان صدای بلند "ا" را در فارسی دارند که با ow نشان داده می شوند. مثال بهتر کلمه know (دانستن) است که در واقع همان "نو" در خود نوروز است، منتهی با حرف ساکن k

ماهی های نوروز

به نقل از اینترنت

در افسانه ها آمده که پریزاد بیوه جنگاوری بود که سالها پیش در جنگهای ایران و دشمنان کشته شده بود. پریزاد دو دختر نوجوان داشت. آنها مستمند و بینوا بودند و در هنگام عید تنها شیرینی آنها آب بود. صدای شیبوری که مژده بهار میداد لبخند در چهره غم گرفته آنها باز آورد. دو فرزند پیاله آب را به پریزاد دادند تا نخست مادر کمی آب بنوشد. چشمان پریزاد از این همه غم پر از اشک بود.

هنگامی که آب را می نوشید دو قطره اشک از چشمانش در آن پیاله افتاد. دختران پریزاد هنگامی که پیاله را گرفتند



هر روزتان نوروز نوروزتان پیروز



با نهایت تشکر، سپاس و قدردانی از تمامی هموطنان عزیز ایرانی برای تمام محبت ها و حمایت هایشان در عرض هشت سال گذشته از رستوران آریا و با آرزوی بهترین ها برای شما عزیزان در سال جدید!



Arya Redwood City



Arya Cupertino



Happy New Year

آریا با افتخار تقدیم می کند!

جشن نوروزی با رقص و پایکوبی به همراه موزیک پر هیجان
سیامک جستان با رقص عربی و برنامه های متنوع

Friday 21st & Saturday 22nd of March

4 Course Dinner including Appetizer, Salad, Entree & Dessert

\$59 Per Person \$29 Kids (4yrs-12yrs)



Please call for reservation **(408)996-9606**

19930 Stevens Creek Blvd, Cupertino, CA 95014

♦ www.aryarestaurant.com

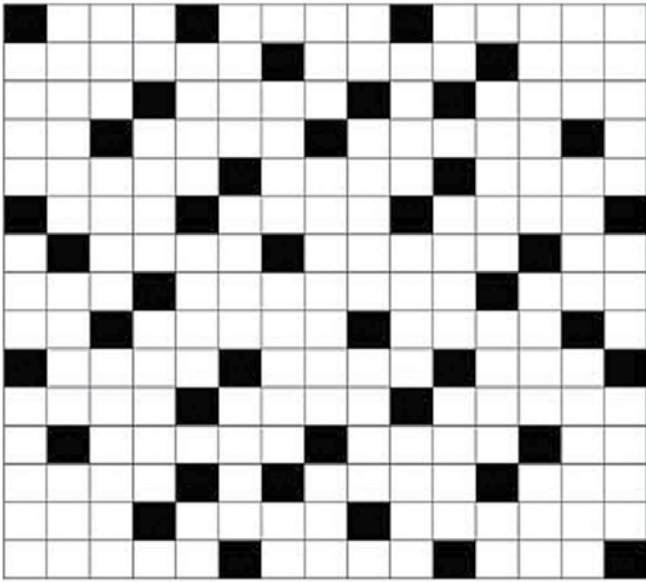
Redwood City Location: 885 Middlefield Road, Redwood City, CA 94063

(650)367-4939

حل جدول در صفحه ۵۰

سرگرمی

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

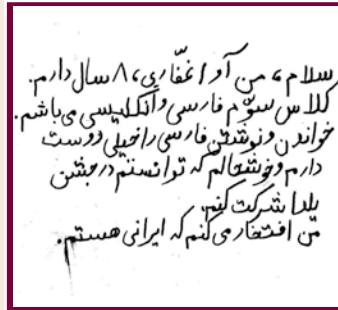
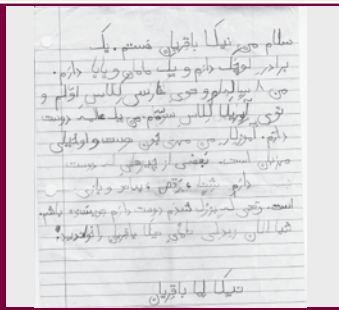


عمودی:

- ۱- از نام‌های مردانه - لوکس و فانتزی- لباسی زنانه
- ۲- تزویر- مقام- قافله
- ۳- نوآوری- مزاحم- ضمیر مودبانه
- ۴- فریبنده- اقیانوس کبیر- ساز کوبه‌ای
- ۵- بالا آمدن آب دریا- دارایی- پدر شعر نو
- ۶- پارچه روپوشی- ظرف خمیرسازی- پیرو
- ۷- نت سوم موسیقی- کاغذ- پیچیده- خوراکی‌ها
- ۸- مادر ترکی- عفیف- دام
- ۹- دندان‌ساز- پیشینیان- تیر پیکاندار
- ۱۰- خرما فروش- فرزندان پسر- مسلک
- ۱۱- همگی- خانه کنار دریا- قورباغه درختی
- ۱۲- ضمیر مخاطب- تخته باز حرفه‌ای- نقاشی شده
- ۱۳- درختی جنگلی- افراد مورد اعتماد- مسرور
- ۱۴- تندرستی- جاه و عظمت- میوه تلفنی
- ۱۵- زمین ویران- سبب و دلیل- ترازنامه

افقی:

- ۱- آماده و مهیا- از لبنیات- هراس و بیم
- ۲- شک و تردید- بدهکار- پشت سرهم و پیایی
- ۳- سروش- مقتدا و پیشوا- جوان
- ۴- بزرگواری- بزرگان- ضمیر اجتماعی
- ۵- امر به درآمدن- از اوراق بهادار- درجات
- ۶- خاک- شبیه و نظیر- درس نخوانده
- ۷- روی تاریک زمین- زمین‌ها- وجود داشتن
- ۸- یکباره- مدرک فوق دیپلم- زمان مرگ
- ۹- خاتون و بی‌بی- برترین دین- تکه پارچه
- ۱۰- شغل و حرفه- تمام- درس نوشتنی
- ۱۱- راهرو و دهلیز- جنگل و جایگاه حیوانات وحشی- کادر و چارچوب
- ۱۲- واحد سطح- میرنده- ستاره‌ای نزدیک به قطب
- ۱۳- دزد خانگی- فرصت- از جهات اصلی
- ۱۴- مشهور و پرآوازه- میوه ترش و شیرین- به جز
- ۱۵- سوراخ شکم- بخشنده- مرکز عدسی



تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نيمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۲۵-۹۹۸-۰۹۳۹ یا ایمیل mayheravi@yahoo.com تماس حاصل فرمایید.

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
 ۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
 ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت.
 مکان:
Fremont, Main Library
 ۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
 ۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
 ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

اولین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب.
 تلفن اطلاعات:
 ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰

**1290 Fulton Ave., #3
 Sacramento, CA**

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

هزار و یکشب

برنامه ماهیانه شعر و موسیقی شروع برنامه با شام از ساعت ۷ عصر
 (۴۰۸)۳۶۹-۱۲۳۴
 (۴۰۸)۳۷۵-۶۲۹۹
 ورود برای عموم آزاد است

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰
 (۴۰۸)۳۶۹-۱۲۳۴
 (۴۰۸)۳۷۱-۶۴۴۰
 مکان: رستوران چاتانوگا
2725 El Camino Real, Santa Clara
 ورودیه با شام ۲۰ دلار

زندگی و اشعار بزرگان ادب پارسی

برنامه ای از پرویز نظامی در تلویزیون آپادانا یکشنبه ها ساعت ۲ بعدازظهر جمعه ها ساعت ۶ بعدازظهر به وقت غرب آمریکا ۵ بعداز ظهر و ۹ بعداز ظهر به وقت شرق آمریکا

نیاز مندیها

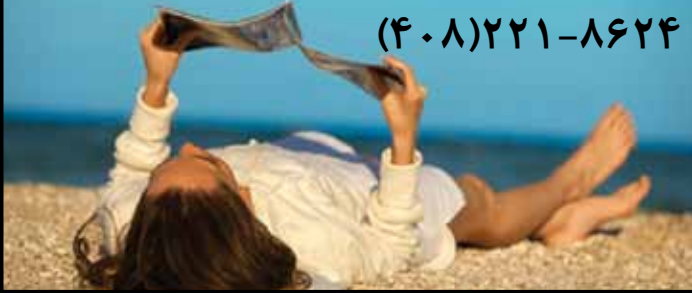
استخدام

شرکت بیمه در شهر سن حوزه نیاز به یک کارمند دارد. آشنایی کامل به زبان های فارسی و انگلیسی. برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۴۳۴-۴۰۸)۹۳۱- تماس حاصل فرمایید.

با درج آگهی در نشریه پژواک پیشه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی کنید.

پژواک ماهنامه

۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)



تازه چه خبر!

- ♦ جشن نوروزی توسط گروه جوانان ترای ولی، روز ۹ مارس در پلزن تون
 - ♦ جشن نوروزی مدرسه فارسی البرز، روز ۹ مارس، در سانتا کلارا
 - ♦ جشن نوروزی ISCAO، روز ۹ مارس در دیویس
 - ♦ جشن نوروزی همراه کنسرت و پذیرایی در دانشگاه سن حوزه، روز ۹ مارس در سن حوزه
 - ♦ گردهمایی سازمان مهر، روز ۱۱ مارس در رنچو کوردوا
 - ♦ کنسرت موسیقی کلاسیک، روز ۱۲ مارس در ساکرامنتو
 - ♦ جشن نوروزی با بلک کتز و گروه بشکن، روز ۱۵ مارس در سیتروز هایتز
 - ♦ بازار نوروزی مدرسه دهخدا و آکادمی رقص بشکن، روز ۱۵ و ۱۶ مارچ در کمپل
 - ♦ بازار نوروزی خانه نور، روز ۱۵ و ۱۶ مارچ در سانی ول
 - ♦ جشن نوروزی آکادمی رقص افسانه، روز ۱۹ مارس در برکلی
 - ♦ سیزده بدر، روز ۳۰ مارس، در سان رافائل
 - ♦ کنسرت شهرام ناظری و حافظ ناظری، روز ۲۳ مارچ در کوپرتینو
 - ♦ کنسرت شاهکار پیش پزو، روز ۱۲ آپریل در کوپرتینو
- برای افزودن برنامه خود به این فهرست، به طور رایگان، با دفتر پژواک تماس بگیرید.

حال ستارگان

دیا

در این ماه برای گرفتن یک تصمیم مهم مالی اصول اساسی و ضروری را در اختیار ندارید اما توجه داشته باشید که پنجره‌ای که برای فرصت های جدید به روی شما گشوده شده است فقط چند هفته می‌تواند باز بماند و دیگر منتظر شما نخواهد ماند. نگران نباشید؛ خوش بینی شما باز خواهد گشت، در ضمن تا زمانی که احساس اطمینان نکرده‌اید از گرفتن تصمیمات مهم و اساسی در رابطه با زندگی تان خودداری کنید!

مهر

با هر کسی که سر راهتان قرار می‌گیرد سریعاً رابطه دوستی نزدیک برقرار نکند. شما به همه اعتماد می‌کنید و به راحتی در مورد مسائل خصوصی زندگیتان با هر کسی حرف می‌زنید. به یک مهمانی بزرگ و رسمی دعوت خواهید شد و بسیار خوش خواهد گذشت. در تصمیماتی که می‌گیرید دقت بیشتری داشته باشید. زود رنجی را کنار بگذارید.

تیر

در این ماه ممکن است بر این باور باشید که تمام عادات احساسی قابل تغییر هستند مخصوصاً اگر شما مایل باشید که در ذهن خود خیال کنید که در موقعیت کنونی به نتیجه و هدف خود رسیده‌اید بدون اینکه واقعا در واقعیت به آن دست پیدا کرده باشید. سعی کنید با دیگران با مهربانی رفتار کنید. پل های پشت سرتان را خراب نکنید.

شروالدین

اگر با همکاران درگیر یک بحث جدی شوید این بحث به نفع شخص شروع کننده تمام می‌شود و در عین حال وظایفی که قبلاً به خوبی تعریف شده‌اند، ممکن است در نتیجه این بحث به سرعت روشنی خود را از دست بدهند. در این ماه به جای اینکه سعی کنید حق را به جانب خودتان دهید و مدام در پی تصدیق خود باشید آرام بگیرید و از درگیر شدن در یک جنگ لفظی اجتناب کنید.

بهمن

برایتان خیلی سخت است که خودتان باشید! به خصوص اگر با مشکلات مالی دست به گریبان هستید. مواظب خرج کردنتان باشید. با دوستی بحث تان می‌شود. شما گذشت کنید. مسئولیت کاری بزرگی را بر دوش شما خواهند گذاشت که با فکر و دقت این کار را به خوبی انجام خواهید داد.

آبان

غرور بیجای خود را کنار بگذارید و آن را در راهی به کار بگیرید تا دیگران را از این آگاه کنید که با خودتان صادق هستید و در ارتباط با آنها نیز قابل اعتماد هستید. بسیار سخت است که کارهای روزانه کاری خود را سر وقت به اتمام برسانید به خاطر اینکه تمرکز شما بیش از همیشه پراکنده است. توجه بیشتری به نیازهای اطرافیانتان داشته باشید.

مرداد

در این ماه احتمالاً قادر نیستید دیگران را به روشنی و به وضوح ببینید به خاطر اینکه شما به جهان با عینک خوش بینی می‌نگرید. اگر بخواهید به سختی به نظرات و عقاید خود بچسبید و از آنها در مقابل دیگران پرخاشگرانه حمایت کنید فقط اوضاع را برای خودتان پیچیده تر می‌کنید برای دفاع از باورهای خود با این شدت با دیگران نچنگید.

اردیبهشت

ممکن است این ماه تمرکزتان را از دست بدهید اما زیاد هم نگران این نیستید که نتوانید آن را دوباره بدست بیاورید، به جای اینکه سعی کنید رویایاتان را معقول جلوه دهید اجازه دهید آنها به شما نشان دهند که در دنیا چه کار باید بکنید. در این ماه مسئله این نیست که آیا اهداف جدیدتان تحقق می‌یابند یا نه! فقط اجازه دهید آنها زندگی تان را به روش خودشان بسازند.

اسفند

در فکر و خیال بودن بدین معنی نیست که شما در رویا و خیالات خود غرق شده‌اید اما این ماه به اندازه کافی وسوسه تان می‌کند! وقتی مدام جلوی پایتان سنگ انداخته می‌شود حفظ کردن نگرش‌های مثبت کار دشواری است. اگر اجازه ندهید جواب‌های منفی حرکتتان را کندتر کند و اگر تمام حواس خود را روی نگرش‌هایی تان متمرکز کنید هر چیزی امکان پذیر می‌شود.

آذر

این ماه اگر در محل کارتان گامی استوار و محکم بردارید بهتر می‌توانید کار کنید، تا آنجایی که می‌بینید تمام کارهایتان را زودتر از آنچه انتظار داشتید به پایان رسانده‌اید. قبل از آغاز هر پروژه جدیدی خوب است که مطمئن شوید تمام ابزار و تجهیزات را آماده کرده‌اید، قبل از اینکه شروع به کار کنید ببینیدشید و مطمئن شوید که همه جوانب کار را در نظر گرفته‌اید.

شهریور

در این ماه برایتان آسان نیست که انرژی خود را به حرکت وادارید، حتی با وجود مسیرهای روشن سخت است که دقیقاً بدانید مسیری که اکنون در آن قرار دارید به کجا منتهی می‌شود. اما این ماه زمان آن نیست که انگیزه‌های خود را زیر سؤال ببرید، با وجود اینکه فکر می‌کنید که می‌توانید باز هم صبر کنید، این ماه یک حرکت مستقیم به سوی هدف مورد نیاز شماست!!

خرداد

شما اغلب اجازه می‌دهید که فلسفه بافی بر شعور عادی تان برتری پیدا کند ولی این کار می‌تواند این ماه شما را به دردسر بیندازد. فکر و گمان می‌تواند مفید و سازنده باشد اما در این ماه ممکن است شما را از مسیرتان منحرف کنند، تفاوت‌هایی که با دیگران دارید را تقویت کنید و در پی این نباشید که خود را هم رنگ جماعت کنید. به یک سفر کاری کوتاه خواهید رفت.



Welcome to Oakmont Produce Supermarkets!

A family-owned & operated food retailer

Each store is designed to reflect the needs of the individual neighborhood.

یکی از بزرگترین و تمیزترین سوپر مارکت مواد غذایی در بی اریا

هدف ما جمع آوری کلیه مواد غذایی زیر یک سقف با سرویس عالی و قیمت های مناسب به منظور رفاه حال مشتریان عزیز می باشد



عرضه کننده گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی تازه، خشکبار، برنج، حبوبات، لبنیات، چای، سبزیجات خشک، ادویه، سبزیجات و میوه جات تازه، انواع نان، آب میوه تازه...

**Speciality Items & General Items from Middle East,
Russia, Israel, Poland, Germany, Mexico, Bosnia, Italy...**

فروشگاه مواد غذایی **اکمونت مارکت** در محیطی سالم و بهداشتی در دو شعبه

Monday through Saturday 8:00am to 8:30 pm, Sundays from 8:00am to 7:00pm

(408) 873-7738

19944 W. Homestead Road
Cupertino, CA 95014

(408) 866-6555

810 W. Hamilton Ave.
Campbell, CA 95008

طفاک گلی

بخش اول

عباس پناهی



بود و احتمال بارش مجدد میرفت. خان و همراهانش بر روی یکی از بلندیها ایستاده بودند و در زیر پایشان دره ای قرار داشت و پس از آن دامنه کوه دیگری بود که در روبروی چشم داشتند. در سمت راست و چپ هم دره ها و کوه های دیگری بودند که معمولا سبز و خرم هستند و جانداران زیادی در آن دره ها و کوه های آرام میچرند و تنها شکارچیان بودند که آرامش آن منطقه را با صدا های مهیب تفنگ ها



که همراه پژواک های پیایی شلیک ها در کوه ها میپیچیدند، به هم میریختند و حیوان های بیگانه اگر گرفتار تیرهای شکارچیان نمیشدند، هراسان از این سو به آنسو میگریختند و بدنبال پناهگاهی میگشتند.

در آن حوالی هیچ جنبیده ای دیده نشد و خان و همراهان، از آن بلندی پایین رفتند و پس از گذشتن از دو دره بر بلندی کوه دیگری رفتند. دره روبرو فراختر بود اما در میان آن دره، صخره ها و سنگها بسیار بزرگ هم پراکنده بودند. همه با چشم غیر مسلح به همه جا نگاه میکردند تا در صورت دیدن جاندار، دیگران را هم خبر کنند. ممی به نقطه ای اشاره کرد و از خان پرسید: آیا آن نقطه سیاه را در برف میبینید؟ خان پس از دقت به آن نقطه، دوربیش را به سمتش گرفت و در دوربین به آن نگاه کرد. به نظر جانوری ابلق میآمد که رنگ بدنش به هیچیک از جاندارانی که معمولا در آن حوالی یافت میشدند شباهتی نداشت. همچنان ساکن در

صبح خیلی زود، خان لباس شکار به تن کرده و آماده، از در ساختمان خان نشین بیرون آمد و مطابق معمول همیشه، نوکرانش پیش از او در جلو در ساختمان آماده و مجهز و در پای اسبها ایستاده و بزرگتر یا مهتر نوکران، در حالی که لگام اسب خود را در دست داشت، لگام اسب تنومند خان را نیز گرفته و جلوتر از همه به پلکان منتظر خان بودند و به محض دیدن خان، همه دولا شده و سلام دسته جمعی به خان دادند و خان نیز از روی تفقد، سری به علامت جواب سلام تکانداد و از پله ها پایین آمد. ممی که سر خدمه بود لگام را به خان تقدیم کرد و منتظر ماند تا خان بر اسبش سوار شود و پس از او نفرات به ترتیب مقامی که در آن دستگاه داشتند، بر اسب نشستند و در میان برفی که از زانوی اسبان بلند تر بود پراه افتادند.

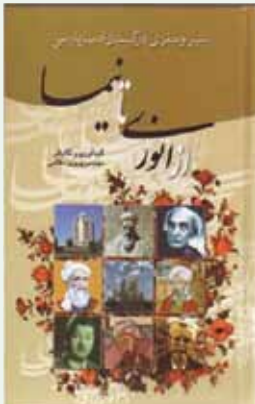
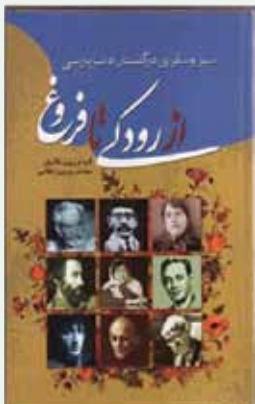
یکی از تفریحات عزیز و محبوب خان، شکار در برف بود که در هنگامی که برف همه سبزه ها و علف ها را میپوشاند و همه جا یکدست سفید میشد، بزهای کوهی آهوها و کل ها و گوزنها که بدنبال خوراک میگردند، از فاصله های دور دیده میشوند و نمیتوانند در لابلای رنگهای طبیعی زمین و سنگ و درختان، خود را استتار کنند و از این بابت، در زمستانها از دو طرف مورد آسیب واقع میشدند، گرسنگی و عدم پوشش هم رنگی با طبیعت و در نتیجه دیده شدن توسط شکارچی ها که میتوانستند بدون کشیدن زحمت و دویدن همانند حیوانات درنده، در جایی ساکن بمانند و با چکاندن یک انگشت، تیری را به وسیله نیروی انفجار باروت به دوردست بفرستند و جان یک جاندار را بگیرند و خوراک سیخهای کبابشان کنند.

وقتی به کوهستانهای پوشیده از برف رسیدند، تفنگ ها را از غلافها و جلد هایشان در آوردند و خان دوربین شکاری را روی تفنگ نصب کرد و شروع به جستجوی در برفها نمودند. هنوز هیچ رد پایی بر روی برفها نبود و در واقع مدت زیادی از بند آمدن برف نگذشته بود. همه جا یکدست سفید بود و تنها برخی از دیواره ها یا فرو رفتگی های سنگهای کوه ها دارای رنگی متفاوت بودند.

هوا آرام بود. بادی که سوز همراه بیاورد نمیوزید و آسمان همچنان گرفته و تیره

دوربین نگاه کنند. هرکدام که به دوربین خیره میشد، سر بر میداشت و جمله ای از تعجب بر زبان میآورد و سؤال مهمشان هم این بود که چنین جانوری در این منطقه چه میکند و چرا هیچ حرکتی نمیکند. قدر مسلم آن بود که این جانور تازه به این نقطه آمده که اگر مرده بود میبایستی از برف پوشیده شده باشد. ولی حال که با پای خود به اینجا آمده، چرا ساکن است و هیچ تکانی نمیخورد؟ ممی که همیشه حرفهایش آمیخته با یک نوع طنز آمیخته با نفهمی بود گفت: من گمان میکنم این جانور اجنه است و آمده تا ما را با خود ببرد. از شنیدن این حرف همه هراسگین شدند ولی خان به ممی نگاهی عاقل اندر سفیه کرد و گفت: بی جهت نیست که هم ترا اشک ممی (ممی خره) میگویند و تفنگ را گرفت و دوباره به آن جانور نگاه کرد. ممی گفت خان: آیا صلاح نمیدانید برای احتیاط آنرا شکار کنیم تا هم از شرش خلاص شویم و هم از وضعیتش سر در بیاوریم؟ خان چشم غره ای رفت و گفت کسی تیراندازی نکند. همین جا بنشینید و تکان نخورید. من خودم جلو میروم. اگر به من حمله کرد و نتوانستم از خودم دفاع کنم، آنگاه شما میتوانید به آن تیر بیاندازید. خان آرام و با احتیاط از بلندی پایین رفت و در میان برفها به صورت چار دست و پا و گاه خزیده به سمت جانور روانه شد و آنان که از بالای بلندی به آن منظره نگاه میکردند همه تفنگها را به سمت جانور نشانه گرفته بودند که به محض حمله او به خان، همگی به سمتش شلیک کنند. خان در چند قدمی جانور سر از برف بالا آورد و به جانور نگاه کرد و ناگهان تمام قد برخاست و ایستاد و آنگاه با عجله به سمت جانور دوید و همراهان در حیرت ماند و هیچ سر در نمی آوردند. دنباله مطلب در صفحه ۴۴

جلد چهارم از هفت جلد کتاب سیر و سفری در گلستان ادب
پارسی تحت عنوان «از فردوسی تا بهار» انتشار یافته و موجود است.
parviznezami@yahoo.com (۵۱۶)۲۰۸-۷۷۸۷



عید نوروز خجسته باد

بیست و پنجمین بازار نوروزی ۱۳۹۳ گروه بانوان نیکوکار به نفع خانه نور

شنبه و یکشنبه ۱۵ و ۱۶ مارچ از ساعت ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

انواع شیرینی های نوروزی، آجیل چهارشنبه سوری، ترشی و مرباجات فانگی، کتاب و صنایع دستی به همراه رقص و موسیقی، حاجی فیروز، صرف ناهار، فرید و سایل هفت سین، گل و سبزه

**Ladies Charitable Society Celebrate
The 25th Annual Nowrouz Bazaar For The Benefit of Noor
Saturday & Sunday March 15th & 16th 10am - 5pm**

Music & Dance Entertainment, Persian traditional lunch
Haft Seen items, Persian Nowruz sweets & flowers & many more

در مکان جدید

برای اطلاعات بیشتر لطفا با شماره تلفن
۰۳۱۸-۸۰۴-۶۵۰ از ساعت ۲ تا ۴ تماس حاصل فرمایید
440 N. Wolf Road, Sunnyvale, CA

مبدا به تزیینات



طرف لاس وگاس راه افتادیم. در اوایل گل نم طبق معمول خودش ساکت بود و حرفی نمی زد. پرسیدم: تا حالا چطور بود! خوش گذشت؟ - بله. خیلی خوب بود ولی کاش بیشتر می ماندیم

گفتم: مسئله ای نیست فقط همانطور که گفتم باید به همسرم اطلاع دهم زیرا ممکن است به منزل زنگ بزند و غیبت چند روزه من او را دلواپس نماید.

با خوشحالی گفتم: پس می توانیم بیشتر بدانیم؟

پرسیدم: تو چند وقت می خواهی برگردی؟ سرشی را به طرف پنجره گرداند و گفت: اصلا نمی خواهم برگردم.

- چرا؟ دیدم سکوت کرده، فهمیدم که یک فکری ناراحتش کرده، دستش را گرفتم و گفتم: ببینم چرا جواب ندادی؟

رویش را برگرداند، بغض کرده بود و یک نوع ناراحتی توی صورتش نمایان بود.

گفتم: من اینجا هیچکس را ندارم، نه دوستی دارم و نه کسی، نه آشنا به جایی، از وقتی که وارد آمریکا شدم در همان هتل اطاق دارم.

کارم این است که صبح از هتل بروم بیرون و توی خیابانها پرسه بزنم و شب برگردم هتل بخوابم، به هیچ چیز و هیچ کس نمی توانم اطمینان کنم و حالا شکر خدا که شما را پیدا کرده ام و اصلا نمی خواهم دقیقه ای از شما جدا شوم.

و اینکه این سفر تمام شود و برگردیم و باز من تنها شوم برایم کابوس است.

پرسیدم: آیا تنها به آمریکا آمدی؟ گفتم: نه. با شوهرم به آمریکا آمدم.

- نگفته بودی شوهر داری؟ حالا شوهرت کجاست؟

- مدتی است که غیبش زده.

گفتم: مگر می شود؟ یعنی چی غیبش زده؟ - شوهرم سه روز از آمدن ما به آمریکا می گذشت که صبح از هتل بیرون رفت و دیگر برنگشت.

- چرا به پلیس خبر ندادی؟

- قبلا به من گفته بود که اگر روزی رفت و برنگشت نمی خواهد که پلیس در جریان قرار بگیرد این بود که برایم بلیط برگشت یکساله گرفت و ۲۵ هزار دلار هم گذاشت و گفت که پول لازم برای زندگی ۶ ماه را هم در این هتل برایت می گذارم سعی کن خودت را ناراحت نکنی اگر هم خواستی می توانی دوباره به ترکیه برگردی چنانچه مرا پیدا کردی که خوب چه بهتر و اگر نکردی آزادی که هرکاری خواستی بکنی لیکن بدان که من همیشه ترا دوست دارم. **دنباله در ماه آینده**

برنامه ریزی صحیح وقت لازم است، لیکن لاس وگاس را یکی دو روزه می شود دید، چون تقریبا همه در یک جا و نزدیک به هم هستند. حالا میل خودت است هرطوری که دوست داری؟

گفتم: نمی دونم! می خواهی فقط هالیوود را ببینیم و بعد هرچه شما بگوئید.

به هتل برگشتیم و وسایلی مان را برداشتیم و با هتل تصفیه حساب کردیم. ساعت ده و نیم صبح بود که راه افتادیم. اول گل نم را به Rexford Dr که مجتمع بزرگی از فروشگاه ها در آنجا مستقر شده بودند بردم. ماشین را در پارکینگ پارک کردم و به اتفاق یک دو ساعتی را در فروشگاه های آنجا گشتیم.

گل نم هم چند چیزی برای خودش خرید کرد و چون آن روز صبحانه نخورده بود گفت که اگر ممکن است برویم یک جایی چیزی بخوریم.

در یکی از رستوران های همان جا غذای ساده ای سفارش دادیم و قرار گذاشتیم که ساعتی هم در منطقه بولی هیلز هالیوود گردش کرده و بعد به طرف لاس وگاس راهی شویم.

در تمام این مدت او دست در بازوی من داشت و خیلی شاد و خوشحال بود. تمام حرکات و حرفهایم برایم زیبا بود، انگار که اصلا نه همسر و نه فرزندی دارم که بخواهم به آنها فکر کنم، پاک همه چیز را فراموش کرده بودم. «پدر عشق پسوزد که بسوزاند پدرم» خودم را اصلا باور نمی کردم، این من بودم که در هر مجلس و محفلی از وفاداری و صداقت در زندگی زناشویی حرف می زدم و یا این من بودم که هرگز فکر نمی کردم روزی بخواهم به همسرم دروغ بگویم و یا خیانت کنم.

خاطرم می آید زمانی که تازه با همسرم دوست شده بودم روزی به او گفتم: من به اطمینان تو احتیاج دارم و برای آن ارزش قائل هستم تا انحرافی در زندگی زناشویی ما پیش نیاید و اگر روزی تو کوچکترین شک و یا بدبینی نسبت به من پیدا کنی بدان آن روزی است که من حتما بتو خیانت خواهم کرد.

و حالا پس از سالها زندگی بدون هیچ انحرافی می رفت تا ارزشمندی های چندین ساله زندگی ام را به دست فراموشی بسپارم.

خدایا خودم را بگو می سپارم و بعد سری تکان دادم و از این دعای خودم خنده ام گرفت که ای بابا عشق در پیش خداوند مقدس است زیرا زیباترین مبادله احساسی است که بین بندگان خدا انجام می پذیرد به شرط آنکه ریا و فریب نباشد و بر پایه اصول اخلاقی و میل و خواست و رضای باطنی هر دو طرف باشد.

ساعت ۵ بعدازظهر بود که از لس آنجلس به

گل نم شیدوش باستانی



مقدمه: همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود برشته تحریر در آورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سنتا باربارا - کالیفرنیا

آغوش کشیدم و بوسیدم. یک لحظه خودش را عقب کشید. حالت مستی نوبآوری در چشمهایم موج زد. آغوش هایمان به روی هم باز شدند و لبهایمان همدیگر را طلب کردند. از هیجان نو رسیده تاب و توانم دستخوش التهاب درون گشتم و هر دو بروی تخت افتادیم.

در آن موقعیت واقعا برایم سخت بود که خوددار باشم یا تمام این احوال خیلی ملایم طوری که به غرورش لطمه نزده باشم چرخ می خورد دادم و روی لبه تخت پهلوی نشستم. پرسیدم: تو حالت خوبه؟

گفتم: آره خیلی خوبم. دستی به سر من کشید و از جایش بلند شد. نگاهی به یقه پیراهنش انداخت و گفت باید پیراهنم را عوض کنم. با این حرف همانجا جلوی من پیراهن را از تنش بیرون آورد و به طرف کمد لباس رفت پیراهنی دیگر انتخاب کرد و پوشید. از راحت بودنش جا خوردم. معمولا این عادات در کشورهای غربی زیاد نامعقول نیست زیرا بعضی از خانمها تا زمانی که یک سینه بند و شورتی به تن دارند چندان از ظاهر شدن در بین جمع ناراحت به نظر نمی رسند، ولی ایرانی ها این ملاحظات را رعایت می کنند. منم از جایم بلند شدم و گفتم بریم. در حالی که کیفش را بر می داشت با بی میلی گفت که بریم.

شنبه صبحها بانک ها باز هستند، بنابراین اولین کاری که کردم رفتیم بانک و من درخواست یک صندوق موقت کردم و پول را در صندوق گذاشتم و پاسپورت را پیش خودم نگه داشتم چون برای اتاق گرفتن لازم میشد. وقتی خیالم از بابت پولها راحت شد نقشه ای از تو ماشین برداشتم تا شاید جای مناسبی برای آن روز که بتوانیم ساعتی را بنشینیم و صحبت کنیم پیدا کنیم. برایم خیلی مهم بود سرگذشت گل نم را بشنوم. ولی چون آشنائی چندانی نداشتم روبه او کرده. گفتم: اگر برایت زیاد مهم نیست ما که قرار است بعدا به لاس وگاس برویم چه بهتر که الان راه بیافتیم تقریبا پنج ساعت و نیم از اینجا راه است. یک ساعتی هم برای ناهار به آن اضافه کنیم، وقت خوبی است که بین راه صحبتی هم داشته باشیم.

گل نم فکری کرد و گفت: خیلی دلم می خواهد هالیوود، یونیورسال استودیو، دیزنی لند و خیابانهای لس آنجلس را ببینم.

گفتم: اگر تو بخواهی تمام دیدنی های لس آنجلس را ببینی حداقل یکی دوهفته با یک

گل نم سکوت کرد و رفت تو فکر. فنجان کافی آتش تمام شده بود. بلند شد و رفت دوباره آنرا پر کرد و به سرمیز برگشت.

- شما خیلی خوب صحبت می کنید خیلی سؤال تو زندگی من بی جواب مانده است و عمدتا وضع فعلی من!! و شما مرا مجبور می کنید که دریچه دلم را برای شما باز کنم و آنچه که سالها در آن انباشته ام برایتان بگویم.

داستان طولانی است لیکن پر از درد و رنج. دوست دارید امروز را بریم یک جایی کنار دریا و یا طبیعت آرام و بی سر و صدا که چند ساعتی وقت داشته باشیم؟! شاید منم با گفتن سرگذشتم بتوانم آرامش فکری و خیال پیدا کنم

گفتم: این روزها و ساعات تماما مال توست و من در اختیار تو هستم. هر طور که راحتی و یا می خواهی عمل می کنیم. اگر نمی خواهی که لباس عوض کنی می توانیم الان برویم.

گفتم: نه با همین لباس راحتیم، فقط برویم من کیفم را از اطاقم بردارم. با هم به اتاقش رفتیم، نظافتچی هتل اتاقش را مرتب کرده بود. گل نم آرایشش را کمی تجدید کرد، عطری به خودش زد و کیفش را از روی تخت برداشت و پانکی از آن بیرون آورد و به من گفت نمی دانم حساب من چقدر است؟ این ۲۰ هزار دلار است، این هم پاسپورت و بلیط های من، پیش شما باشد چون می ترسم گم کنم.

گفتم: تو چرا این همه پول را همراه برداشتی؟ چرا بانک نگذاشتی؟

- من حساب بانکی ندارم. توی هتل هم اطمینان ندارم بگذارم. این است که همراه آوردم.

فکری کردم و گفتم: اگر برایت اشکالی ندارد من این پولها را ببرم بانک. مخارج سفر را من می پردازم و بعد باهم حساب می کنیم، بهتر نیست؟

قبول کرد و گفت: در هر حال احتیاط شرط است. پول و پاسپورت و بلیط ها را گرفتم و با خودم فکر کردم او چطوری به من اطمینان کرد که این همه پول را بدون هیچ ناراحتی بدست من سپرد و تازه می گوید در هر حال احتیاط شرط است؟

گل نم دستش را به گردن من انداخت صورتم را بوسه ای زد و گفت خیلی دوست دارم. گفته بودم که بلوزش کمی تنگ بود، با دست انداختن به گردن من دگمه بلوزش کنده شد و برجستگیهای سینه های زیبایش عیان گشت.

در یک آن کنترل از دستم خارج شد. او را به



خلیج فارس

ای بر جناب خاک وطن جان خلیج فارس
جان چیست چون تویی همه جانان خلیج فارس

هر شام و هر پگاه اگر نیک بنگری
خورشید کرده آینه بدنان خلیج فارس

فانوس آسمان به تو بخشیده روشنی
یا سند باد کرده چراغان خلیج فارس

تاریخ از زمان تو آغاز میشود
نامت بلند باد به دوران خلیج فارس

ان موج ها که نام تو تکرار می کنند
در گوش من همیشه غزلخوان خلیج فارس

پیروزی و شکست خشایار و داریوش
هستند در پیام تو تو پنهان خلیج فارس

چون تخت زیر پای دلبران ملک جم
تاج سر امیر نشینان خلیج فارس

حتی به نام نامی تو رشک می برند
نو کیسه ها و کهنه پرستان خلیج فارس

دریای پارس بودی و گشتی خلیج فارس
اینک شدی خلیج عرب هان؟! خلیج فارس

بازچه ی سیاست بیگانگان شدی
غار تگران نفت فراوان خلیج فارس

آتش زبانه می کشد از سینه ی سپند
فریاد می زند همه ایران خلیج فارس
مسعود سپند

جدا از رویت ای ماه دل افروز
نه روز از شو شناسم نه شو از روز
وصالت گر مرا گردد میسر
همه روزم شود چون عید نوروز
بابا طاهر



اندر دل من مها دل افروز تویی
یاران هستند لیک دلسوز تویی
شادند جهانیان به نوروز و به عید
عید من و نوروز من امروز تویی
مولوی



خوش آنکه چو من حیات جاوید گرفت
وز دولت جام جای جمشید گرفت
هنگام بهار و روز نوروز به باغ
در سبزه و گل غلت زد و عید گرفت
فرخی یزدی



رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید
وظیفه گر برسد مصرفش گل است و نبید
مکن زغصه شکایت که در طریق طلب
به راحتی نرسید آنکه زحمتی نکشید
ز روی ساقی مهوش گلی بچین امروز
که گرد عارض بستان بنفشه دمید
بهار می گذرد دادگسترا دریاب
که رفت موسم حافظ هنوز می نجشید
حافظ



سبد گل

آن جلوه گر شوخ غزلخوان چه قشنگ است
در عشوہ گری فتنه ی دوران چه قشنگ است

آن جادوی آواز پر از شور و صفایش
آهنگ دل مرغ خوش الحان چه قشنگ است

مستانه نگاهی که به اعماق دل و جان
ناوک زند از غمزه ی چشمان چه قشنگ است

سر در قدمش گر بنهی مایه ی فخر است
در سایه ی ان سرو خرامان چه قشنگ است

با دلبری و ناز و ادا دل بر باید
با شوخی و با آن لب خندان چه قشنگ است

با جلوه و با ناز و دل انگیزی و اطوار
دل بردن آن کبک خرامان چه قشنگ است

در بزم خوش رقص طرب آن سبد گل
هنگامه بپا کرده به میدان چه قشنگ است
ابوالقاسم غضنفر



ای دل اگر عاشقی در پی دلدار باش
بر در دل روز و شب منتظر یار باش
دلبر تو دایما بر در دل حاضر است
روزن دل برگشا، حاضر و هشیار باش
دیده ی جان روی او تا بنبند عیان
در طلب روی او، روی به دیوار باش
ناحیت دل گرفت لشگر غوغای نفس
پس تو اگر عاشقی، عاقل و بیدار باش
نیست کس آگه که یار کی بنماید جمال
لیک تو باری به نقد ساخته ی کار باش
در ره او هر چه هست با دل و جان وقف کن
تو به یکی زنده ای از همه بیزار باش
گر دل و جان تو را در بقا آرزوست
دم مزن و در فنا همدم عطار باش
عطار نیشابوری

عید فرخنده فراز آمد و نوروز بزرگ
هر دو بگذار بکام دل و غمها کن کم
قطران تبریزی

جشن باشکوه و سنتی چهارشنبه سوری

SANTANA ROW

سه شنبه ۱۸ مارس ۲۰۱۴ از ساعت ۵:۳۰ تا ۸:۳۰ عصر

همراه با مراسم آیینی و با موزیک زنده و شاد، برنامه های متنوع هنری، رقص و غذاهای خوشمزه و لذیذ رستوران فض در سانتانا رو

سیامک جستان
دی جی علیرضا
فرزاد ارجمند
رقص مهشاد

Andy Woodhouse *Bass* Roberto zhimantas
* Flamenco Guitar* Rafael Ramirez & Joe Birgandi
& Ali Tahbaz and many more Guest artists.



CELEBRATE
NOWRUZ
2014

NOWRUZ 2014 - A CELEBRATION SANTANA ROW

Date: Tuesday, March 18th 2014

Time: 5:30pm to 8:30pm

Place: Park Valencia in Santana Row
3055 Olin Ave., San Jose, CA
Free to the public-Free parking
Live music & Performances

TASTE OF NOWRUZ 2014 DE ANZA COLLEGE

Date: Sunday, March 23, 2014

Time: 4pm to 8pm

Place: De Anza College Visual & Performing Arts Center
21250 Stevens Creek Blvd.
Cupertino, CA 95014

Food, Live Music, Performances & Art
Tickets Available at EventBrite

For more details and information about the above events, please check out the Santana Row (www.Santanarow.com/events/), Eventbrite (www.Eventbrite.com) websites. The IFWC (www.payvand.org/ifwc/) websites. The IFWC (established in 1996) is a local, non-profit, non religious and non-political organization and is a member of the California Federation of Woman's Clubs (CFWC)/Loma Priets District, General Federation of Woman's Club. Contact us at

IFWC96@gmail.com or call us at telephone number (408)906-9237

SANTANA ROW



پرواک ناهستان

به خانه، باز اول کش مکش! یکی او بگوید و دو تا زنش جواب بدهد و آخرش به کتک کاری منجر بشود! بعد شام بخورند و به هم چشم غرّه برونند، بعد از آن هم بخوابند! شب جمعه هم بود. می دانست که امشب زنش سبزی پلو درست کرده. این فکرها از سر او می گذشت. به این سو و آن سو نگاه می کرد. حرف های زنش را به یاد آورد: «برو برو، حاجی دروغی! تو حاجی هستی؟! پس چرا خواهر و مادرت در کربلا از گدایی هرزه شدند؟! من را بگو که وقتی مشدی حسین صراف از من خواستگاری کرد، زنش نشدم و آدمم زن تو بی قابلیت شدم! حاجی دروغی!»

چند بار لب خودش را گزید و به نظرش آمد اگر در این موقع زنش را می دید، می خواست شکم او را پاره بکند! در این وقت، رسیده بود به خیابان بین النهرین. نگاهی کرد به درخت های پید که سبز و خرم در کنار رودخانه درآمده بودند. به فکرش آمد خوب است فردا که جمعه است از صبح با چند نفر از دوستان خودمانی، با ساز و دم و دستگاه بروند به دره ای مرادبک و تمام روز را در آنجا بگذرانند. اقلا در خانه نمی ماند که هم به او و هم به زنش بد بگذرد! دنباله مطلب در صفحه ۴۴

عادت کرده بود او را اغلب می زد! گاهی هم از این کار خودش پشیمان می شد، ولی در هر صورت، زود روی یکدیگر را می پوسیدند و آشتی می کردند. چیزی که بیش تر حاجی را بدخلق کرده بود، این بود که هنوز بچه پیدا نکرده بود. چندین بار دوستانش به او نصیحت کرده بودند که یک زن دیگر بگیرد، اما حاجی گول خور نبود و می دانست که گرفتن یک زن دیگر، بر بدبختی او خواهد افزود. از این رو، نصیحت ها را از یک گوش می شنید و از گوش دیگر بیرون می کرد. وانگهی زنش هنوز جوان و خوشکل بود و بعد از چند سال با هم انس گرفته بودند و خوب یا بد زندگی را یک جور به سر می بردند. خود حاجی هم هنوز جوان بود. اگر خدا می خواست به آنها بچه می داد. از این جهت، حاجی مایل نبود که زنش را طلاق بدهد، ولی این عادت هم از سر او نمی افتاد، زنش را می زد و زن او هم بدتر لجاجتی می کرد؛ به خصوص از دیشب میانه ای آن ها سخت شراب شده بود. حاجی همان طور که تخمه ای هندوانه می انداخت در دهنش و پوست دولبه کرده ای آن را جلوی خودش تف می کرد، از دهنه ای بازار بیرون آمد. هوای تازه ای بهاری را تنفس کرد. به یادش افتاد حالا باید برود

حاجی مراد

صادق هدایت

مکه نرفته بود! تنها وقتی که بچه بود و پدرش مرد، مادر او مطابق وصیت پدرش، خانه و همه ی دارایی آنها را فروخت، پول طلا کرد و بنه کن رفتند به کربلا. بعد از یکی دو سال، پول ها خرج شد و به گدایی افتادند. تنها حاجی به هزار زحمت، خودش را رسانده بود به عمویش در همدان. اتفاقا عموی او مرد و چون وارث دیگری نداشت، همه ی دارایی او رسیده بود به حاجی و چون عمویش در بازار معروف به حاجی بود، این لقب هم با دکان به او ارث رسیده بود! او در این شهر، هیچ خویش و قومی نداشت. دو سه بار هم جوایب حال مادر و خواهرش که در کربلا به گدایی افتاده بودند شده بود؛ اما از آنها هیچ خبر و اثری پیدا نکرده بود.

دو سال می گذشت که حاجی زن گرفته بود؛ ولی از طرف زن، خوش بخت نبود. چندی بود که میان او و زنش پیوسته جنگ و جدال می شد. حاجی همه چیز را می توانست تحمل کند، مگر زخم زبان و نیش هایی که زنش به او می زد؛ و او هم برای این که از زنش چشم زهره بگیرد،

حاجی مراد، به چابکی، از سکوی دکان پایین جست. کمرچین قبا ی بخور خود را تکان داد، کمر بند نقره اش را سفت کرد، دستی به ریش حنا بسته ی خود کشید؛ حسن، شاگردش را صدا زد، با هم دکان را تخته کردند؛ بعد از جیب فراخ خود، چهار قران در آورد، داد به حسن، که اظهار تشکر کرد، و با گام های بلند، سوت زنان، مابین مردمی که در آمد و شد بودند، ناپدید گردید.

حاجی، عبا ی زردی که زیر بغلش زده بود، انداخت روی دوشش. به اطراف نگاه کرد و سلانه سلانه به راه افتاد. هر قدمی که برمی داشت، کفش های نو او غرغر صدا می کرد. در میان راه، بیش تر دکان دارها به او سلام و تعارف می کردند و می گفتند: «حاجی! سلام. حاجی! احوالت چه طور است؟! حاجی! خدمت نمی رسیم....»

از این حرف ها، گوش حاجی پر شده بود و یک اهمیّت مخصوصی به لغت «حاجی» می گذاشت! به خودش می بالید و با لبخند بزرگ منشی جواب سلام می گرفت. این لغت، برای او حکم یک لقب را داشت، در صورتی که خودش می دانست که به



ارتش آمریکا استخدام می کند!

به قدرت صدای خود پی ببرید! "از طریق صدایم، ماموریت من تغییر دادن مسیر تاریخ است."

برای حل و فصل ناسازگاری ها، نجات دادن زندگی و بازسازی یک ملت، به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا پیوندید!

تسلط شما در زبان فارسی نقشی حیاتی در تداوم تلاشهای نوسازی کشور ما ایفا خواهد کرد. شما می توانید در ارتباط با شغل زبان مترجمی و یا موقعیت های دیگر در ارتش آمریکا، سؤالات خود را با ما مطرح کنید. مسئولین استخدامی ما آماده هستند تا سؤالات شما را در اسرع وقت پاسخ دهند.

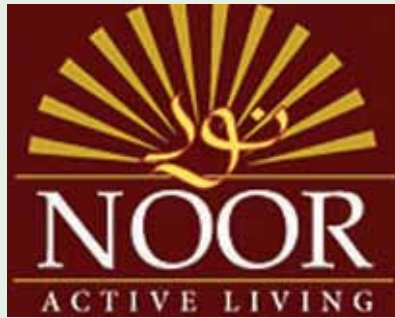
Part Time or Full Time. Between the ages of 18 and 41 years old. Total compensation includes Housing, Medical, Dental, Food, Special Pay, Vacation Times and many more.

Earn your *Citizenship* within six to eight months



For more information on the US Army's Linguist Program in your area, please call:

Sergeant Lexie Mitchell (925)518-5846



مجتمعی کاملاً استثنائی ویژه ایرانیان مقیم آمریکا

خانه نور

خانه سالمندان

زندگی خوش در محیطی آرام، دلپذیر و سالم

با همت و پشتیبانی چند تن از افراد نیکوکار، مرکزی در شمال کالیفرنیا به نام خانه نور، مخصوص نگهداری و پذیرایی از سالمندان ایرانی تهیه گردیده و آماده پذیرش داوطلبان می باشد. با تهیه این مرکز، سالمندان ما می توانند با آرامش در محیطی آمیخته با مهر، محبت و دور از نگرانی های روزمره، سرگرم بوده و با پرداخت هزینه ای مناسب در کنار همدیگر زندگی نمایند. کارمندان خانه نور به زبان های انگلیسی و فارسی و همچنین به فرهنگ ایران زمین آشنایی کامل دارند و افتخار می کنند که با مراقبت های لازم و فراهم نمودن کلیه وسایل رفاه و توجه به سلامت و موقعیت جسمی و روحی ساکنین این مرکز، محیطی سرشار از صفا و آرامش فراهم نمایند که نه تنها پاسخگوی خواسته های سالمندان عزیز باشد، بلکه آرامش خانواده و عزیزانشان را نیز فراهم کند. در خانه نور، ضمن تاکید به استقلال و تقویت توانایی های جسمی و روانی ساکنین، خدمات گوناگون دیگری مانند خدمات اولیه، بهداشتی، غذایی (تغذیه سالم و متناسب با موقعیت جسمی هر فرد)، ورزشی، هنری و سرگرم کننده و کمک های اولیه پزشکی مانند نظارت بر مصرف دارو و حالات جسمی و روحی ارائه می شود.

Imagine the Peace of Mind & Explore the Possibilities

Noor Active Living, a California not for profit organization, is Santa Clara Iranian based assisted living facility. The Center specifically caters to those who cherish Iranian culture, life style and heritage. Noor provides the familiar environment of language, culture and cuisine design for its residence to feel right at home. It's healthy, alternative, Iranian life style living serves both the body and spirit.



Home, away from home

اگر چه زندگی با عزیزان، ایده آل هر فرد سالمند می باشد، ولیکن گاهی به دلایل مختلف، این امر امکان پذیر و عملی نمی گردد. با توجه به این واقعیت، خانه نور آماده پذیرایی دائمی و یا موقتی در اتاق های خصوصی یا مشترک (دو نفری) از شما عزیزان می باشد.



◆ Housing

◆ Housekeeping

◆ Food & Beverage

◆ Common Facilities

◆ Health & Medical Care

◆ Daily Activities/Emphasis

on physical & mental well-being



(408)380-4036

www.nooractiveliving.org

Email: Info@NoorActiveLiving.org



1818 Scott Blvd., Santa Clara, CA 95050

ادامه مطلب طنکی گلی... از صفحه ۳۷

خان در کنار جانور چمباتمه زد و دستش را به این سمت و آن سمت جانور حرکت میداد و عاقبت جانور را از زمین بر داشت و در آغوش گرفت و با اشاره همراهان را به سمت خود فرا خواند. آن جانور مرموز، یک کودک خردسال تازه دنیا آمده بود که در قنداق و در چند لایه پارچه مندرس و پاره پوره پشمی پوشانده شده بود و از شدت سرما صورتش به یخ میمانست. خان برای دانستن از وضعیت زندگی کودک، دست به داخل قنداق کرد با کمال خوشحالی و اعجاب متوجه شد که بدن بچه در داخل قنداق گرم است و نشان میداد که کودک هنوز زنده است و امید به بازگشت به زندگی هنوز هست.

از پارچه های کهنه و فرسوده ای که به دور بچه پیچیده شده بود، چنین برمی آمد که پدر مادر کودک، از شدت فقر، کودکی را که هیچ امید آینده ای برایش متصور نیست و اگر زنده هم بماند موجود بدبختی خواهد بود که زمین و زمان هر دو با او سر ناسازگاری دارند. و برای آنکه پیش از جان کندن بچه از گرسنگی در برابر چشمانشان، از دیدن آن صحنه سوزناک فرار کنند، او را در پارچه ای پیچیده و به آن کوهستان برده بودند تا حیواناتی که در پی خوراک هستند آنرا بخورند تا هم او از رنج زندگی آسوده گردد و هم حیوان دیگری در آن زمستان پربرف، شکمی سیر کند. خان به یکی از همراهانش که مردی تنومند و نیز فربه بود، دستور داد تا دکمه های سینه اش را باز کند و بچه را به بدن خود بچسباند و پتوی همراهانش را بدور خود و بچه بپیچد تا گرمای بدن آن مرد به بدن یخزده بچه گرما برساند و او جان بگیرد.

خان شکار را تعطیل کرد و دستور برگشت به ده را داد. تا آن ساعت چیزی نخورده بودند و خود را برای یک کباب خوری کامل آماده کرده بودند. اسب ها را سوار شدند و براه افتادند. تا ده راه زیادی بود و راه هم ناهموار و پربرف که اسبها در آن برف زیاد باید با احتیاط

ادامه مطلب حاجی مراد... از صفحه ۴۲

فردا طلاق می‌دهم! چند وقت بود که شک داشتم، هی خودداری می‌کردم، دندان روی جگر می‌گذاشتم، اما حالا دیگر کارد به استخوان رسیده! آهای مردم! شاهد باشید زن من نانجیب شده! فردا ... آهای مردم! فردا ...»

زن رو به مردم کرده: «بی غیرت‌ها! شماها هیچ نمی‌گویید؟! می‌گذارید این مرتیکه‌ی بی سر و پا، میان کوچه، به عورت مردم دست‌اندازی کند؟! اگر مشدی حسین صراف این جا بود، به همه‌تان می‌فهماند. یک روز هم از عمرم باقی باشد، تلافی‌ای بکنم که روی نان بکنی، سگ نخورد! یکی نیست از این مرتیکه بپرسد: "ابولی! خرت به چند است؟! کی هست که خودش را داخل آدمیزاد می‌کند؟! برو... برو... آدم خودت را بشناس. حالا پدري ازت دریاورم که حظ بکنی! آقای آژان! ...»

دو سه نفر میانجی پیدا شدند. حاجی را به کنار کشیدند. در این بین، سر و کله‌ی آژانی نمایان شد. مردم، پس رفته، حاجی آقا و زن چادر حاشیه سفید، با دو سه نفر شاهد و میانجی به طرف نظمیته روانه شدند. در میان راه، هر کدام حرف‌های خودشان را برای آژان تکرار کردند! مردم هم، ریسه شده، به دنبال آنها افتاده بودند تا ببینند آخرش کار به کجا می‌انجامد!

حاجی، خیس عرق، هم‌دوش آژان، از جلو مردم می‌گذشت و حالا مشکوک هم شده بود! درست نگاه کرد، دید کفش سگک‌دار آن زن و جوراب‌هایش، با مال زن او فرق داشت! نشانی‌هایی هم که آن زن به آژان می‌داد، همه درست بود: او زن مشدی حسین صراف بود که می‌شناخت! پی برد که اشتباه کرده است، اما دیر فهمیده بود. حالا نمی‌دانست چه خواهد شد؟! تا این که رسیدند به نظمیته، مردم بیرون ماندند. حاجی و آن زن را آژان، وارد اتاقی کرد که در آن دو نفر صاحب منصب آژان پشت میز نشسته بودند. آژان، دست را به پیشانی گذاشته، شرح گزارش را حکایت کرد و بعد خودش را کنار کشید، رفت پایین اتاق ایستاد. رییس رو کرد به حاجی:

– اسم شما چیست؟
– آقا! ما خانه‌زادیم! کوچکیم! اسم بنده حاجی مراد. همه‌ی بازار مرا می‌شناسند.
– چه کاره هستید؟
– رزاق. در بازار دکان دار. هر فرمایشی که داشته باشید، اطاعت می‌کنم.
– آیا راست است که شما نسبت به این خانم بی‌احترامی کرده‌اید و ایشان را در کوچه زده‌اید؟
دنباله مطلب در صفحه ۵۵

ادامه دارد

آنکه حقیقت را نمی‌داند نادان است، آنکه حقیقت را می‌داند ولی انکار می‌کند تبهکار است. برتولت برشت





Let Us Take You on a Journey

Blowfish Sushi offers more than just a meal – we provide a true dining experience. Executive Chef Ritsuo Tsuchida has dreamed up an eclectic menu of sushi and Asian Fusion dishes that are as much a treat for the eyes as they are for the palate. Attention to detail makes every dish an exciting journey into the mind of a chef whose background is steeped in Japanese tradition but whose methods are unequivocally modern. Come in and experience for yourself what happens when past meets presents and the freshest ingredients are transformed into works of edible art.



Simply The Best

Monday – 11:30 am – 2:30 pm (lunch) 5:00pm – 10:00pm (dinner)*
 Tuesday – 11:30am – 2:30 pm (lunch) 5:30pm – 10:00pm (dinner)*
 Wednesday-Thursday – 11:30am – 2:30 pm (lunch) 5:30pm – 10:30pm (dinner)*
 Friday – 11:30am – 2:30pm (lunch) 5:30pm – 11pm (dinner)*
 Saturday - 5:30pm – 11pm (dinner)
 Sunday - 5:30pm – 10pm (dinner)
 *Happy Hour Cocktail service begins at 5pm

Monday-Tuesday-Wednesday-Thursday
 11:30 am – 2:30 pm (lunch) 5pm – 10:30pm (dinner)*
 Friday – 11:30am – 2:30pm (lunch) 5pm – 11pm (dinner)*
 Saturday – 11:30am – 5pm (lunch) 5pm – 11pm (dinner)*
 Sunday – 11:30 am – 5pm (lunch) 5pm – 10:30pm (dinner)
 *Fugu Sake Lounge Open Until 1:30am

San Jose
355 Santana Row #1010
San Jose, CA 95128
(408) 345-3848

San Francisco
2170 Bryant Street
San Francisco, CA 95128
(415) 285-3848

M A N
I S T H E
C R U E L E S T
A N I M A L

MATTHEW McCONAUGHEY WOODY HARRELSON
TRUE DETECTIVE
DARKNESSBECOMESYOU.COM

JAN 12
HBO

ادامه مطلب نوروز... از صفحه ۶۷

در ایران قدیم سفره را با سیب می آراستند چون سیب نماد آگاهی محسوب میشده و در دین مسیحیت و آئین میتراپسیم سیب اهمیت دارد و این اعتقاد رایج بود که آدم به خاطر مصرف سیب از بهشت رانده شد. سنجدر در شمار میوه های مطرود بشمار می آمد در طب سنتی عقیده داشتند برای پوکی استخوان و ناراحتی های مفصلی مورد استعمال دارد. سماق به عنوان یک سین دیگر مظهر صبر و خوش صحبتی تلقی میشد و برای پاک کردن و ضد عفونی جرم های داخلی گوش و چشم از آن استفاده می بردند. سرکه ریشه اخلاقی و مذهبی دارد و بعنوان یک نوع ضد عفونی کننده تلقی میشد و هم نماد تولد مجدد محسوب میشد. سیر را مانند پیاز برای دور کردن شیاطین و اجنه (جن) مورد استفاده قرار میدادند و آن را در خانه آویزان می کردند. و وسیله ای برای ضد عفونی کردن سبزه گندم یا جو یا سنبل نمایش زرتشتی و برکت اسلامی بوده، سمنو هم یکی دیگر از عناصر هفت سین و سمبل توجه به فقر و حمایت از آنها بوده و دو نوع غذای شل (سمنو) و سفت (حلوا) را به صورت نذری به آتشگاه میبردند. سکه هم نشانه بهبود وضع اقتصادی بود. علاوه بر هفت سین، ماهی نیز سمبل زایش بود و بر سر سفره میگذاشتند و آینه هم به عنوان مظهر پاکی و صفا محسوب می شده، شمع و شمعدان و چراغ هم مظهر روشنایی تلقی میشد. به این ترتیب آنچه زشت و پلشت است از درد و رنج و بیماری و قحطی تا دروغ و حسد و بیداد رخت پر می بندد و سلامت و شادی جایگزین آن. یکی از رسوم خلل ناپذیر پختن پلو در شب عید بوده و عمومیت داشته از کریم خان زند نقل میکنند که گفته است دو چیز «وکیل الرعایا» بر من گوارا است یکی آب سرد سرد زمستان که همه می نوشند یکی هم پلو شب عید که همه مردم میخورند. از جمله رسوم قدیم این که در شب عید زندانیان را عفو و آزاد میکردند. آنچه مسلم است عید نوروز یکی از کهنسال ترین عیدهای جهانی است در شاهنامه فردوسی و دو کتابهایی مانند مزوج الذهب و تاریخ طبری آنرا منسوب به دوره سلطنت جمشید میدانند تاریخ «جمشید جم» نویسان قدیم پیدایش نوروز را به چهارمین شهریار پیشدادیان منسوب کرده اند و از شهرت یافته. پس «جمشیدی» این رو به نوروز از اسلام با عنایت امامان معصوم شیعیان و تأیید جنبه های مثبت و منطقی آن، این جشن باردیگر جنبه مذهبی خود را بین شیعیان حفظ کرد

ادامه مطلب ترانه تیم ملی... از صفحه ۱۵

این کار با همکاری احسان خواجه امیری و کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال در یک برنامه زمانبندی مشخص، انجام خواهد شد. باز هم تاکید می کنم در تلاشیم از همه استانداردها استفاده کنیم تا اثر گذاری این ترانه در ذهن مخاطبین ایرانی در سراسر جهان نقش ببندد. در حقیقت قصد داریم تا تیم ملی را با موسیقی و ترانه ای بسیار جذاب و ساده بدرقه کرده و با زمزمه این موسیقی در استادیوم های ورزشی داخل و خارج از کشور، زمینه های تقویت روحیه ملی و همبستگی ملی را در بین تمامی ایرانیان در اقصی نقاط ایران و جهان را فراهم کنیم." ملامحمد در پایان بیان کرد: "جزئیات فنی بیشتر کار متعاقبا اعلام خواهد شد و در ساخت این قطعه از تمام ظرفیت های هنری

ادامه مطلب تازه های دنیای... از صفحه ۶۶

عاری از هرگونه آلودگی محیطی هستند توصیه شده است cod liver oil گاهی باعث جذب بیش از حد ویتامین های A و D شده و سطح آنها در بدن را به حد سمی می رسانند. سازمان های غذایی آمریکا و دنیا فرآورده های دارویی یا قرص و کپسول روغن ماهی را به شدت کنترل کرده که عاری از هرگونه ناخالصی باشند. همان طور تکنولوژی های جدید نشان داده است که فرآورده های تهیه شده است که مواد موثره EPA/DHA یا ۳-Omega را به نسبت های مختلف مخلوط کرده و تغییر نسبت های این دو ماده اثرات مفید گوناگونی روی سیستم و بیماریهای قلبی عروقی نشان داده است. با توجه به تمام این نتایج بررسی شده و مقالات علمی دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که مصرف روغن ماهی از نوعی که تهیه و کنترل شده است نه تنها بی خطر بوده بلکه از جلوگیری از بیماری قلب و عروق و تورم ها بسیار موثر بوده و جای نگرانی برای مصرف آنها وجود ندارد.

اثرات جانبی روغن ماهی

مهمترین اثرات جانبی روغن ماهی روی سیستم گوارشی بوده که مصرف طولانی آن ایجاد اسهال کرده است. ولی فرآورده ها و قرص و کپسول های جدید روغن ماهی این اثرات را از خود نشان نمی دهند. این مواد دارویی دارای پوشش بخصوصی بوده که مواد موثر روغن ماهی را قابل مصرف بیشتری کرده و اثرات آنها را روی سیستم گوارشی کم می کند مصرف بیش از حد روغن ماهی گاهی باعث بوی ماهی روی پوست، در ادرار و تنفس شده است. گزارش های علمی نشان داده است که تا مصرف ۷ گرم روغن ماهی در روز ایجاد هیچگونه خونریزی گوارشی نکرده و حتی همراه داروهای ضد انعقاد خون هم می تواند مصرف شود.

مهمترین منبع اصلی روغن ماهی در بازار مواد غذایی و دارویی Cod Liver Oil می باشد که بسیاری افراد آن را مصرف می کنند ولی بعلاوه آلودگی این روغن طبیعی به جیوه و PCB بیشتر فرآورده های قرص و کپسول ساخته شده از روغن ماهی که

پادزردن درویشان

از جمله رسوم متداول تا پایان دوره قاجاریه چادر زدن درویشان بر سرای بزرگان و اعیان شهر بوده و این کار هم به یک سلسله از درویش یعنی سلسله جلالی یا خاکسار اختصاص داشته به این ترتیب که شیخ یا نقیب ایشان به درویش رخصت و ماموریت میداد تا بر در خانه فردی سرشناس چادر بزند، مقصود از این کار به دست آوردن وجوهی قابل توجه برای خانقاهیان بود رسم وسلوک این درویشان پیوسته چنین بوده و هست که آنچه «مولی» برساند البته در اختیارشان میگذاشتند تا او مصرف آنرا تعیین کند.

سیزده بدر از کجا آمد

عدد سیزده اشتهار به نحوست دارد و مردم به عناوین مختلف خود را از آن دور نگاه میداشتند برخی عقیده دارند ایرانیها پس از گذشت مراسم نوروزی و دید و بازدید خواسته اند خستگی و فعالیت ایام نوروز را به این صورت از خود دور کنند و با گذراندن یک روز استراحت در طبیعت، خود را برای یکسال تلاش آماده سازند. نوشته اند اولین شهری که مردمش با تبعیت از این حکم نجومی سیزده بدر را برگزار کردند اهالی اصفهان بودند چون پایتخت ملکشاه سلجوقی اصفهان بود و منجمان به دعوت خواجه نظام الملک به این شهر رفته و در رصدخانه اصفهان، حرکت آفتاب را در دایره بروج رصد کردند و تقویم جلالی را که آغاز سال تحویل آفتاب به برج ححل است تنظیم نمودند.

جشن باشکوه و سنتی چهارشنبه سوری
SANTANA ROW
 سه شنبه ۱۸ مارس ۲۰۱۴
 از ساعت ۵:۳۰ تا ۸:۳۰ عصر

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
 OPEN 24 HOURS

ادامه مطلب فرار مغزها... از صفحه ۱۶

از این حد فراتر نمی رود. فیلمبرداری فیلم توسط «محسن اخوان فر» خوب انجام شده، آهنگ متن ساخته «علیرضا کوهن دیری» در جای خود شنیدنی است. «حسین شمقدری» اگر تصمیم دارد یک سری فیلم در این باره بسازد، باید از فضای یک پروژه دنباله دار خودداری کند و آنچه را که می خواهد و یا می تواند در یک ساخته، بطور کامل، عرضه کند چرا که زمان و تغییراتی که روزانه در این دشت جهانی روی می دهد همواره در نوسان است و فیلم آنجا اثرش بیشتر است که جامع تر و موثرتر به سوژه بپردازد. دوران داستانهای دنباله دار (حتی مستند آن) سرآمده و باید موجز و کامل به مسایل پرداخت.

ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

اشکانیان

اشکانیان زنان متعددی می گرفتند ولی بیش از یک زن عقدی نداشتند. چنانچه زنی بچه دار نمیشد به سحر و جادو متوسل میشد. زنان در کارهای دولتی شرکت نمی کردند. اشکانیان با اسیران با مهریانی رفتار می نمودند و کشتن آنان را روا نمی داشتند. اهل پیمان شکنی نبودند، جنگ و شکار را دوست داشتند. دروغ گفتن را گناه می دانستند. زبان اشکانیان پهلوی بود و خط خود را از زبان آرامی گرفته بودند. بر روی سکه هایشان واژه پهلوی با خط آرامی نوشته میشد و خط میخی هم در دوره این دودمان منسوخ نشده بود. (نقل از کتاب تاریخ ده هزار ساله ایران جلد اول - تألیف استاد عبدالعظیم رضائی)

۱۴- دوستان جهان وطنی ادعا می کنند که ایرانیان امروز به دلیل تاخت و تازهای بیگانگان دیگر ایرانی واقعی نیستند. اگرچه آزمایشان ژنتیکی جدید که توسط دانشگاه کمبریج انجام شده نشان می دهد که ایرانیان امروز از ده تا یازده هزار سال قبل در فلات ایران می زیسته و تغییری نکرده اند اما پیکره های تخت جمشید نیز نکته جالبی را بیان می کنند. چهره داریوش و سایر شاهان هخامنشی کاملاً شبیه ایرانیان امروزی بوده آن هم با دماغی عقابی که مشخصه دماغ ایرانیان امروز است!

در یک بررسی آگاهانه باید هر دوروی سکه را در نظر گرفت. این فیلم همانقدر مسئول است که دولتمردان ایران که برای جلوگیری از فرار مغزها راه حلی نیافته اند. شاید راه حل دولتمردان ایران ایجاد امکانات تحصیل بیشتر و تغییرات عمده در سطح دانشگاهی باشد. شاید اینها این معضل را هنوز جدی تلقی نمی کنند و یا همان افتخاراتی که ایرانی ها در جوامع غربی کسب می کنند برایشان کافی است. پرسش های فراوانی هست که می توانست از جانب فیلمساز با دست اندرکاران دولتی در میان گذاشته شود که متأسفانه در این فیلم نیست. اما در عین ناقص بودن موضوع، آنچه این مستند مطرح می کند قابل توجه است ولی متأسفانه فیلم

◆ نثر این دوره از سادگی و بی پیرایگی قابل برخوردار بود.
◆ عیب نبودن تکرار چه در نظم و نثر خواه تکرار یک فعل باشد یا یک جمله.
◆ بکار بردن حرف اضافه برای تاکید مانند به یمن اندر مردی بود... گویا سعدی آخرین کسی بود که حرف اضافه «بر» «اندر» و «در» در مقام تاکید بکار می برده است. در شیوه نگارش نویسندگان این سبک مترادفات وجود ندارد بهمین دلیل جمله ها کوتاه است و نویسنده این شیوه مقاصد خود را در کمال ایجاز و اختصار بیان می کرد
◆ بالاخره بکار رفتن مصدرها در معنی اصلی خود مانند مصدرهای گشتن، گردیدند و شدن...

ملایان صندلی را حرام اعلام کرده بودند. ۱۳- فراموش شده ترین بخش تخت جمشید چاه آب و استخر آن است. چاه آب بالای کوه و کمی پائین تر از آرامگاه اردشیر قرار دارد. این چاه گرد نیست بلکه مربع است و در دل سنگ کنده شده و اکنون در آن تعداد زیادی کبوتر چاهی زندگی می کنند. علت این که در ارتفاع کنده شده این است که احتمالاً آب را با فشار برای ساکنین شهر و به خصوص استخری که در وسط تخت جمشید قرار دارد تأمین می کرده. در هیچ جا نه اسم و عکسی از چاه است و نه استخر اما وجود دارند.

ادامه مطلب آشنا داند زبان... از صفحه ۱۷

حافظ و شوقی با اهل فارس

است. اولاً احقرانه است که پله بسازند و بعد با اسب از آن بالا بروند. دوم اینکه چطور امکان دارد با اسب از پله های کاخ شاه بالا بروند و با پهن اسب آن جا را آلوده کنند؟! سوم این که اگر با اسب از پله بالا می رفته اند می بایست سطح پله ها و نیز لبه آنها توسط نعل اسب خراشیده و شکسته شده باشد اما پله ها کاملاً سالم و ظریف با لبه های تیز هستند. می توان فرض کرد که کوتاه گرفتن پله به این دلیل بوده که افراد شلنگ تخته نیندازند و با طمانینه و وقار که لازمه دربار پادشاهی بوده حرکت کنند. ۴- کارگران و هنرمندان تخت جمشید همچون کارگران مصر برده نبودند بلکه دستمزد می گرفتند. بایگانی دستمزد این افراد به طور کامل و سالم از زیر خاک بیرون آمده. ۵- هنرمندان سنگ تراش گاهی مرتکب اشتباه شده و قسمتی از پیکره ها را شکسته اند اما آن ها را ترمیم و رفو کرده اند. به این صورت که سنگ دیگری را به همان قالب تراشیده و با بست های فلزی که جای آنها دیده می شود در جای شکسته شده نصب کرده اند.

۶- مردان مادی در نقش ها کلاه نمدی به سر دارند. جالب این جاست که امروزه نیز در همان مناطق ماد باستان اقوام ایرانی مثل لرها زندگی می کنند و کماکان همان کلاه ها را بر سر می گذارند.
۷- در نقش ها به کرات درخت سرو دیده می شود. امروزه نیز درخت ملی شیراز سرو است. ۸- در تمام نقش ها مردها گوشواره به گوش دارند. در آن زمان مردان نیز از این زینت استفاده می کردند.
۹- مقایسه پیکره های هخامنشی و یونانی و رومی نشان می دهد که در زمان هخامنشیان ایرانیان همواره ریش داشتند اما اکثر یونانیان و رومیان ریش خود را می تراشیدند.
۱۰- در تخت جمشید مجسمه ای از سگ یافت شده و این اهمیت و ارزش سگ را در ایران باستان نشان می دهد و احتمالاً برای نگهداری استفاده می شده اند. شکل مجسمه نشان دهنده سگ قوی هیکل و درنده ای است که با کسی شوخی ندارد.
۱۱- حیواناتی که در نقش ها دیده می شوند عبارتند از: شیر، گاو، عقاب، اسب، خر، بز، شتر دو کوهان و حیوانات افسانه ای که ترکیبی هستند از عقاب و شیر و عقرب. نبودن نقش فیل پرسش برانگیز است آن هم در شرایطی که قسمت بزرگی از هند جزو خاک ایران بوده و ارتش های باستانی ایران همواره از فیل استفاده می کرده اند.
۱۲- شاه همواره بر صندلی شاهی دیده می شود. معلوم نیست در آن زمان صندلی کارکرد دیگری نیز داشته و یا تنها شاه بر آن می نشسته است. دو هزار سال بعد ایرانیان آن چنان با صندلی بیگانه شده بودند که در زمان قاجار

حافظ شیرازی در جایی خدمت هم شهریارش رسیده و به مطایبه می گوید: آب و هوای فارس عجب سفله پرور است کوهمرهی که خیمه از این خاک برکنم؟ اما فارس یا پارس همواره خاستگاه هویت و اصالت ایرانیان بوده. حال و هوای استان فارس با تمام استان های دیگر ایران فرق دارد و وقتی شما مثلاً از استان اصفهان وارد فارس می شوید این تغییر اصالت را حس می کنید. گویی یک مرتبه تاریخ با همه سنگینی اش روی شانه های شما می آید. در هیچ جای ایران به اندازه فارس از سنگ و خاکش تاریخ نمی بارد. انگار وارد تونل زمان شده باشید. از تمام دشت های آن فریاد سربازان و چکاک شمشیرهای گردان ایرانی به گوش می رسد. بسیاری از دشت های آن با خرده سفال فرش شده اند. وقتی برای بار نخست پا روی خاک آن دیار گذاشتم گویی پا بر خاک اندام نیاکان گذاشته ام و یاد خیام افتادم. سکوت سنگین ساخوی کورش در پاسارگاد که از دل سنگ های آن علف بیرون زده و باد در شیارهای آن زوزه می کشد از فریاد و غوغای هر پادگان نظامی مهیب تر است. پارس قلب ایران است.

پارسه و آن چه در کتاب ها نیست

۱- قبل از حفاری تخت جمشید، نیمی از آن زیر خاک بود و نیم دیگر بیرون. آن قسمت که بیرون بوده تخریب بیشتری را متحمل شده. فرسایش باد و باران و بدتر از آن تعصب دینی. اعراب و حکومت های دینی بعد از اسلام به کرات آن را تخریب کرده اند؛ از جمله هرچا چهره ای از شاه دیده اند آن را به نشانه بت با پتک خرد کرده اند. اما آن قسمت از پیکره ها که جدیداً بیرون آورده شده اند صورت های سالم دارند. به طور کلی آثار باستانی در زیر خاک محفوظ تر هستند چون از جنگ، دزدان، متعصبین و نیز از زلزله درامانند.
۲- در تمام پیکره ها برای شاه دستبند، گردنبند و تاج طلا یا نقره نصب کرده بوده اند که جملگی به سرقت رفته اند و اکنون حفره های خالی آنها خودنمایی می کنند. سرقت آنها احتمالاً توسط اسکندر صورت گرفته چون بعید است که اسکندر طلا و نقره پشت سرخود جا گذاشته باشد. دلیل دیگرش این که از قبل از حمله اعراب، قسمت هایی از پیکره ها زیر خاک مدفون بوده اند که همه چیزشان از غارت اعراب مصون مانده اما آنها نیز فاقد دستبند و تاج هستند.
۳- پله های ورودی تخت جمشید کوتاه هستند. تاریخدانان دلیل آن را این فرض می کنند که در آن زمان با اسب از پله ها بالا می رفته اند. این فرض یکسره نادرست



ادامه مطلب یادداشت‌های بی تاریخ ... از صفحه ۵

و توی دکان قسمت زنانه از مردانه با دیوار کی ساخته از قاب های چوبین که ململ سفید داخل آنها از نیل آبی شده بود جدا می شد. و دختران جوان با حسرت آشکار و پنهانی بازوان ستبر عباس را به لذتی آمیخته به شرمی دروغین نگاه می کردند و با کونه آرنج به پهلوی هم می زدند و ریسه می رفتند. و ما بستنی خود را لیس می زدیم که روی لباسمان نچکد و بوی گلاب و طعم خامه سفت و خنکای بستنی به یادمان می آورد که:

عید در کوچه

کوچه از صدای بهار پر بود. و مردان شتاب زده به سوی خانه های می شتافتند. همه در پی آن بودند که وقت نو شدن سال در خانه باشند. بچه های روزنامه فروش فریاد می زدند: «اضافه حقوق کارمندان تصویب شد. اطلاعات، کیهان... تصویب شدن اضافه حقوق» و همسایه های ما که کارمندان صادق دولت بودند، منارهای این چاله را از پیش در بغل داشتند و به سختی و نفس نفس زنان آنها را به خانه هاشان حمل می کردند و از محل اضافه حقوق آینده روغن و برنج، ماهی و نارنج و گل و سنبل را به خانه ها می بردند. سنبل ها هنوز هلندی نبود که مثل موی درهم رفته سیاهان وزوزی باشد. سنبل ایرانی بود که افشان و معطر از دوش سبز ساقه سرازیر بود.

وقتی در کوچه جار می زدند: «گل پونه، نعنا پونه، تازه پونه، ریزه پونه» در حیاط خانه لنگ های لخت کرسی هوا بود و لحاق کرسی و تشک ها و پشتی های آن روی معجز مهتابی باد می خوردند که بعد به اتاق بالا بروند و در مفرش ها پیچیده شوند. ما با بقیه گلوله های خاکه ذغال کف حیاط فوتبال بازی می کردیم.

این طرف میدان سرچشمه جلو قهوه خانه کریم آبادی، میزی گذاشته می شد با قدحی پر از آب صاف قنات «حاجی علیرضا». چند ماهی سرخ در قح و دو سه نارنج روی آب. و پشت قدح آئینه ای بر روی شاهنامه بزرگی که به آن شاهنامه امیربهداری می گفتند. و کنار آن عکس حاج سید حسن رزاز، در جامه کشتی و تنکه پهلوانی، دستی بر کمر زده، طاق ابرو بالا انداخته قرار داشت. پهلوان نام خانوادگی «شجاعت» را برای خود برگزیده بود و هنوز تصویر صاف و قامت خدنگ و نگاه مرتفع او برای ما معنی شجاعت است.

در کوچه صدای بهار می آمد: «مال پای هفت سین سمنو... آی سمنو... آی سمنو» از خانه ما دستی بیرون نمی آمد، کاسه ای دراز نمی شد تا از سمنو پر شود. اما خیلی

ادامه مطلب از در گوشی ها ... از صفحه ۲۲

بنا بر این فلسفه متوجه می شویم که اتفاقا در همه جای این دنیای پهناور آزادی همان «زندانی نبودن» است و پس و سایر امتیازات و امکاناتی که بر اساس لفظ آزادی در پیرامون تکامل آن شکل گرفته زینت زندگی است. واقعیتی غیرقابل انکار و حائز اهمیت بسیار که آدمیزاده را از خرافات و تنگنای عالم ملاحظات و قیودات ناخواسته می رهااند. هرچند کالا نمای مدل آمریکائی و ما جهان سومی ها چه آسان و چه زود تحت تاثیر صحنه آرائی کارگردان های نقش آفرین به دنبال سراب آزادی در نهایت افتخار ایرانی آمریکائی شدیم و

در بیمارستان سینا جان داد.

آقا دایی ها هم به تفاوت عیدی می دادند. آقا دایی حسن خسیس بود و یک تومان بیشتر نمی داد. آقا دایی حسین که زن و بچه نداشت، بسته به اینکه در چه وقت روز به او می رسیدیم و چقدر از اسکناس هایش مانده بود، سبیل ما را چرب می کرد. آقا دایی علی اگر سرحال بود و نشئه، اسکناسی کف دست مان می گذاشت و فحش بی دریغی به تمام قوم و خویش ها می داد. ما آقا دایی علی را خیلی دوست داشتیم چون فحش هایی را که می داد از دهان دیگری نمی شنیدیم. یاد گرفتن فحش مثل دیپلم گرفتن بود.

وقتی عقربه ساعت تحویل سال را نشان می داد، پدر حلول سال نو را اعلام می کرد. دستش را می بوسیدیم، صورت مان را می بوسید و ما می دانستیم که باید تمام قصیده بهاریه سعدی را بشنویم.

بامدادی که تفاوت نکند لیل و بهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار و روزگاری تمام قصیده را از بر بودیم چون پدر می گفت که روز عید در روزگاران گذشته شاعران در پیش شاه قصیده می خوانده اند و وصله می گرفته اند. و تخت شاهان برپایه قصاید بهاریه استوار بوده و شاعران به مرحمت شاهان می زیسته اند. اعتقادات عجیب او را ما در سالهای بعد و سرکشی های جوانی اصلا باور نداشتیم که می گفت: «مملکت ایران را شعر شاعران برپا نگه داشته و پادشاهان با حمایت از شاعران در حقیقت ایران را حمایت می کرده اند.» و چه افسوس ها می خورد که این پادشاهان آخری از مظفرالدین شاه به این طرف، شعر نمی شناخته اند و حالا روز عید و سلام شاهانه ملک الشعرائی ندارند که تهنیت سال نو را به شعر بگویند و اعتقاد داشت که عید بدون شعر عید نیست. تعجب می کنیم که با این همه، او چرا قصاید مدحیه را در روز عید نمی خواند و همه ساله به شعر

بامدادان سعدی قناعت می کرد؟ وقتی قصیده تمام می شد، اسکناس های تازه ما را می داد و اجازه می داد که شیرینی های در پیشدستی کشیده شده را به نیش بکشیم... و عید در خانه ما بود.

عید دور از خانه

با سرعتی هراس انگیز بر خاکستری یک شاهراه دراز می رانیم. به نظر می رسد که ساعتی بعد تحویل خواهد شد. هیچ ایستگاه رادیویی فارسی حرف نمی زند. رادیو را می بندم. ساعت بغلی ندارم. به ساعت ارزان قیمت مچی ام خیره می شوم. تا تحویل سال وقتی باقی نمانده است. مثل جزیره متحرک بی لنگری هستیم که روی رودخانه اسفالت حرکت می کند. حتی قایقی نیستیم که شرعی و بادبانی داشته باشد. باید ساعت تحویل به خانه برسیم. اما خانه کجاست؟ سرچشمه از ما خیلی دور است. مادری در بین نیست و پدری. برادرم و خواهرانم هر کدام در دوردستی پراکنده اند. تازه به خانه و سفره که برسیم بچه ها هستند با باورهایی که ما در آنها جا داده ایم و اعتقاد به اینکه شام شب عید را باید با هم خورد و گرمای مهربان نگاه زنم که همه ما را آرام می کند و لیخند او که بشارت عید است. ساعت تحویل سال را نشان می دهد و روی جاده هستیم و می رانیم؛ بی لنگر، بی شرع، بی بادبان و ناخدا گم کرده. من بی اختیار می خوانم:

بامدادی که تفاوت نکند لیل و بهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار نوه کوچکم «دلبر» با حیرت کودکانه و فارسی شیرینش می پرسد: - صدرالدین چی می گی؟ در جوابش می گویم: - هیچی بابا دارم از تهرون حرف می زنم. و او دوباره می پرسد: - تهرون کیه؟ ... عید را دور از خانه هستیم. مارس ۱۹۹۲، ۱۷ اسفند ۱۳۷۰، کالیفرنیا

ادامه مطلب مواد مخدر... از صفحه ۱۱

ماده مخدر می‌تواند همچون افزار جنایت به کار رود یا همچون ماده‌ای برای سرخوشی و شادکامی‌های کوچک هر روزه زندگی. خب این شاخصه حیات انسانی ماست که هر کس این امکان را دارد تا با کزدیسه کردن چیزها و چه بسا مفاهیم دور و برش، به قطب شرارت بدل شود، اما این قطب شر بودن، ذاتی چیزها و کلمات نیست بلکه به نحوه رفتار و به تبع به نگرش افراد معطوف است.»

او در ادامه می‌گوید: «پیرامون ماده مخدر

ادامه مطلب زنانی که... از صفحه ۱۲

علی رغم مشکلات اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها که می‌توان آن را به عنوان دغدغه‌ای نام برد که زنان حاضر می‌شوند برای حل این مشکل قدم در مسیرهای پرفراز و نشیب بگذارند، یکی از این زنان به نگاه سنگین دیگران و مسئولان به آن‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: وقتی به دنبال کار بودم به هر جایی که مراجعه می‌کردم طوری به من نگاه می‌کردند که انگار خطای بزرگی را مرتکب شده‌ام در صورتیکه ما هم تا چند ماه پیش مانند بسیاری از زنان دیگر صاحب زندگی بودیم و مشکلی را هم نداشتیم.

زنان سرپرست فانوار متکدی نیستند

او می‌گوید: در بسیاری از موارد ما را با زنان متکدی هم ردیف می‌دانند و مانند یک گدا به ما نگاه می‌کنند که نگاه سنگین آن‌ها باعث می‌شود تا دیگر به سراغ حمایت سازمان‌های دولتی نرویم و ترجیح دهیم با دست فروشی کردن در مترو و یا کار کردن در خانه‌های دیگران زندگی خود را بگذرانیم. این مادر که فرزندان ۱۵ و ۹ ساله دارد می‌گوید: بعد از فوت همسرم تا مدتی خانواده وی و خانواده خودم به نوعی برای گذران زندگی با ما همکاری می‌کردند اما به مرور این حمایت‌ها قطع شد و البته از آن‌ها نیز نمی‌توان انتظار داشت چراکه همه مشکلات خودشان را دارند.

لیلا ادامه می‌دهد: مشکلات اقتصادی را

می‌توان کم یا زیاد حل کرد اما مشکلاتی که این وضعیت را غیر قابل تحمل می‌کند سوء تفاهم‌ها نسبت امثال ما است و باید تغییر نگرشی نسبت به زنان مطلقه، بیوه

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

نیاز را انجام دهند.

وی ادامه داد: البته در میان زنان سرپرست خانوار افرادی که دارای نوزادان و یا فرزندان کم سن و سال بودند تلاش می‌کردیم تا با هماهنگی با دستگاه‌های مانند بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی از آن‌ها حمایت کنیم تا زمانیکه خودشان بتوانند وارد بازار کار به صورت مشاغل خانگی، تولیدی و یا کارهای اداری شوند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: مرکز امور زنان و خانواده نمی‌توانست وارد کارهای اجرایی شود اما سعی داشت تا دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط و مسئول را برای ورود به این فضا ترغیب و تشویق کند و با اقداماتی مانند تشکیل گروه‌های همیار یا دادن وام‌های خود اشتغالی زمینه‌ای گامی برای توانمندسازی این افراد بردارد.

طییب‌زاده نوری افزود: یکی از دغدغه‌های اصلی زنان سرپرست خانوار دیده نشدن آن‌ها است درحالی‌که باید به عنوان گروه هدف در اولویت برنامه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی و همچنین در اولویت برنامه‌های معاونت امور زنان ریاست جمهوری قرار گیرند.

وی ادامه داد: اما متأسفانه تاکنون در برنامه‌های اعلام شده هیچ برنامه‌ای از سوی این معاونت اعلام نشده است و اقدامات دولت‌های گذشته نیز در این دولت پیگیری نمی‌شود و انتظار ما این است که معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده آسیب پذیرترین بخش زنان را ببیند و آسیب‌ها و معضلات آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

بی‌توجهی به وضعیت زنان سرپرست فانوار باعث رشد شغل‌های کاذب می‌شود

یک مشاور خانواده نیز در گفت‌و گو با فارس بی‌توجهی به وضعیت زنان سرپرست خانوار را باعث رشد شغل‌های کاذب دانست. زهرا مروتی با هشدار به دلیل افزایش گرایش زنان سرپرست خانوار به شغل‌های کاذب گفت: دولت باید با اقدامات حمایتی مانع از گسترش اشتغال کاذب در بین زنان سرپرست خانوار شود.

وی یکی از دغدغه‌های اصلی زنان سرپرست خانوار را اشتغال عنوان کرد و گفت: هم اکنون شاهد این هستیم که برخی از زنان سرپرست خانوار برای تأمین معاش خود و خانواده اقدام به دست‌فروشی می‌کنند که این موضوع شایسته خانواده ایرانی نیست.

مروتی ادامه داد: دولت می‌تواند با سازماندهی وضعیت اشتغال برای این افراد زمینه‌ای را مهیا کند تا آن‌ها بدون داشتن دغدغه معاش بتوانند به تربیت فرزندان خود بپردازند. این مشاور خانواده اظهار داشت: یکی از اقداماتی که می‌تواند در این زمینه موثر باشد پیمه شدن زنان سرپرست خانوار است که متأسفانه اقدام موثری تا کنون در این راستا انجام نشده است و امیدواریم دولت در سال آینده این موضوع را در اولویت کارهای خود قرار دهد.

مروتی با اشاره به اینکه زنان سرپرست خانوار مادرانی هستند که باید برای تربیت فرزندان خود وقت کافی داشته باشند، گفت:

وقتی انسان ببری را بکشد، نامش را تمرین مردانگی می‌گذارد. ولی وقتی ببری انسان را بدرد نام اینکار را توحش و آدمخواری می‌نهند، تفاوت جنایت و عدالت هم در قاموس بشر از این بیشتر نیست. جرج برناردشاو

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده آمار پایین اشتغال زنان سرپرست خانوار را به دلیل نابرابری در اشتغال به کار در میان زنان و مردان می‌داند و می‌گوید: زنان سرپرست خانوار به دلیل اینکه مشکلات معیشتی را به تنهایی بر دوش دارند ممکن است در طولانی مدت با مشکلات جسمی و روانی نیز درگیر شوند.

شهیندخت مولاوردی همچنین با اشاره به آمار رو به رشد طلاق در کشور پیش بینی می‌کند که در سال‌های آینده آمار زنانی که به دلیل طلاق سرپرست خانوار شده‌اند نیز افزایش داشته باشد.

وی همچنین از انعقاد تفاهم‌نامه‌ای با وزارت تعاون برای حمایت از زنان سرپرست خانوار خیر داده و می‌گوید: تلاش می‌کنیم این تفاهم‌نامه در سال جاری منعقد و از سال آینده اجرایی شود.

این در حالی است که سرانجام لایحه حمایت از زنان سرپرست خانوار که در دولت دهم تدوین شده بود مشخص نیست. یکی از مواردی که در آن لایحه مطرح شد بحث اولویت استخدامی زنان سرپرست خانوار است و موضوع تبدیل وضعیت قراردادهای آن‌ها از حالت قراردادی و شرکتی به استخدامی است و یکی دیگر از بندهای پیشنهاد شده در این لایحه این بود که فرزندان زنان سرپرست خانوار در اولویت استخدام قرار بگیرند و همچنین تا درصدی معین از معافیت بیمه‌ای برخوردار شوند و همچنین درصد مالیات بر حقوق آن‌ها کم شود اما معلوم نیست این لایحه هم اکنون در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

امیدواریم دولتی که با شعار تدبیر و امید و با رای چشمگیر زنان جامعه بر سر کار آمده است اقداماتی را در دستور کار خود قرار دهد تا به زودی شاهد کم‌رنگ شدن مشکلات این قشر آسیب پذیر جامعه باشیم و با این اقدام از آسیب‌هایی که می‌تواند به دنبال این موضوع ایجاد شود جلوگیری کنیم.

ادامه مطلب ورزش از ... از صفحه ۱۴

آقای روحانی در دورخیز خود به سوی آنچه آن را شپش زدائی با غرب خواند موفق شد چند تابو را از میان بردارد او موفق شده آخرین عوامل سرکش را در میان پاسداران انقلاب که اغلب سرکرده های آنان از سهامداران فوتبال هستند بشکند و آنها را خنثی نموده و حمایت رهبر را کسب کند. در یک سخنرانی در ماه سپتامبر رهبر از «نرمش قهرمانه» در دیپلماسی سخن گفت و رئیس جمهور اذعان کرد که برای تهران همانند غرب شمارش معکوس آغاز شده است. اما هنوز هم هیچ چیز تازه ای که کمکی به فوتبال کند، دیده نمی شود. آیا باید اسپندی را روی آتش ریخت یا از کسی که می داند خواهش کرد تا که تخمی برای رهائی از چشم زخم ها بشکند. نکته ای که در تهران دهان به دهان می چرخد «روحانیت شیعه ۱۴۰۰ سال برای بدست گرفتن قدرت صبر کرده و حاضر نیست آنرا رها کند». مجموعه بحران هائی که ایران در سی سال گذشته پشت سر گذاشته است حاکی از ظرفیت تطبیق نظام و هم چنین تغییر خط ناشی از بحث های داخلی است. در این سی سال ایران دوبار به جام جهانی راه یافته است و بهترین نتیجه آن پیروزی بر آمریکائی ها است چیزی که حتی رهبر را شاد کرده است اما هرگز وضع به بدی امروز نبوده است. در حالیکه شاید این بهترین مربی تاریخ فوتبال ما است که روی نیمکت تیم ملی نشسته است. او که تبحر زیادی در زمینه جنگ های روانی دارد، به شایعه بستن قرارداد با آفریقای جنوبی لبخند زد و گفت پیشنهادهایی هم از تیم های انگلیسی داشته است. سرمربی تیم ملی در میان تمامی یأس و ناامیدی می گوید که می خواهم کاری کنم تا آنهایی که آرزو می کردند با ما هم گروه بشوند از این آرزو پشیمان شوند. او تنها مربی پرترغالی است که دوبار چمدانش را برای جام جهانی بسته است. او گرچه با تیم ملی پرتغال به جایی نرسید اما با تیم جوانان پرتغال در سالهای ۸۹ و ۹۱ قهرمان جهان شد و چهره هائی چون فیگو را به جهان شناساند. او در جام جهانی ۲۰۱۰ با تیم ملی پرتغال در مرحله یک هشتم نهائی به اسپانیا باخت و می دانیم که اسپانیا قهرمان جهان شد، او وقتی جوان بود به منچستر یونایتد پیوست و در کنار فرگوسن دستیار او شد. او می گوید کار کردن به عنوان یک مربی در فوتبال انگلیس و منچستر یونایتد یک امتیاز ویژه است که من آن را به دست آورده ام و همیشه از اینکه این شانس را داشته ام تا عضوی از تیم منچستر یونایتد باشم و از بودن کنار سرالکس فرگوسن برای مدت شش سال به این سطح از دانش و آگاهی برسم افتخار می کنم. او در جواب سعید راد و منتقدانش می گوید ما بدون تجربه بین المللی و بازیکنان

با کیفیت نمی توانستیم خودمان را به مرحله پایانی جام جهانی برسانیم. در مدت دو سالی که هدایت ایران را به عهده دارم این فرصت فراهم شد تا بازیکنان ایرانی که در تیم های اروپائی بازی می کنند را کشف کرده و به ترکیب تیم ملی اضافه کنم. وقتی من هدایت تیم ملی را به عهده گرفتم ایران تنها یک لژیونر داشت و حالا با ۶ یا ۷ بازیکن شاغل در لیگ های خارجی داریم. من فکر می کنم این تعداد هم رضایت بخش نیست ولی اوضاع از زمان شروع به کار خیلی بهتر شده است رضا (قوچان نژاد) مثال خوبی از یک بازیکن با استانداردهای جهانی است که ابتدا از او حمایت چندانی نشد، ولی او گلی را به ثمر رساند که سبب خوشحالی ۷۸ میلیون ایرانی شد و ما را به جام جهانی برد. در دو سال گذشته از ما انتظار می رفت که واجدالشرايط حضور در مرحله پایانی جام جهانی شویم و درواقع مسؤلیت انتظار ۷۸ میلیون ایرانی روی دوشمان بود. وقتی بازیکنان امید و آرزوهای یک ملت را بر روی دوش می کشند کار سختی دارند و مسؤلیت سنگینی را بر روی دوش شان احساس می کنند. پوشیدن پیراهن تیم ملی هم این مسؤلیت را سنگین تر از گذشته می کند ولی ما این رویا را عملی و این تصویر ذهنی را واقعیت بخشیدیم.

ایران تاکنون به مرحله دوم جام جهانی نرسیده است، پس ماموریت ما این است که تمامی سعی خود را به کار بگیریم تا این رویا هم عملی شود. ما در جمع تیم های مدعی نیستیم و در مراسم قرعه کشی هم می دانستیم که تمامی ۳۱ تیم دیگر بدنبال این بودند که ما در گروهشان قرار بگیریم. ما می خواهیم کاری کنیم که آنهایی که آرزو می کردند با ما همگروه شوند از این آرزو پشیمان شوند. در همین حال روزنامه گاردین گزارشی از کارلوس کی روش در راه آماده سازی تیم ایران درج می کند. گاردین می افزاید تیم های ایران و کره جنوبی در ژوئن ۲۰۱۳ به فاصله چند ثانیه از یکدیگر جواز حضور در جام جهانی را بدست آوردند، اما این دو تیم در راه آماده سازی خود برای این رویداد بزرگ راههای متفاوتی را پیموده اند. به گزارش گاردین از آن زمان تاکنون کره جنوبی بیشتر از ۱۳ بازی تدارکاتی داشته است. در ماه گذشته آنها در برابر مکزیک در سن آنتینوی تکزاس با یک تیم بسیار جوان چهار بر صفر به مکزیکی ها باختند. در حالی که ایران که با آرژانتین، بوسنی و نیجریه هم گروه است، هنوز یک بازی تدارکاتی هم نداشته است. تیم ایران در هشت ماه گذشته ۲۷۰ دقیقه بازی کرده است که آنها هم دیدارهای مقدماتی جام جهانی در برابر تایلند

ادامه مطلب دست فروشان ... از صفحه ۱۲

می گویم که می دانی فرزند بیشتر زندگی بهتر یعنی چی؟ می گوید: "آره دیگه یعنی الان ما اگه دو تا بودیم به جای چهار تا زندگیمون لنگ بود. البته الان که بیشتریم زندگیمون مثل بنز داره می چرخه." میدانی امشب شب یلداست؟ "آره بابا معلومه. ملت حاضر نیستند یه دقیقه وایسن. همه می خوان بدو برندن... البته دروغ گفتم این شب فروش ما بهتره چون می خوان سر یلداشون گل هم باشه. اونم نرگس نیگا... ساعات پایانی شب و زمان کار متروست. یک شب قبل از یلدا، خانمی که در واگن زنان دستفروشی می کند حالا روی صندلی آرام نشسته و مسافر شده است. می گوید که هفت فرزند دارد چهار تایشان را به خانه بخت فرستاده و سه تا در خانه هستند. "همین چهار تا رو هم مردم و دوستان جمع شدند و جهیزیه و خرج عروسی را تهیه کردند و گرگه ما از عهده اش برنی امیدم. حالا هم که

زندگی خود مردم اونقدر بد شده که دیگه کسی به ما نمی رسد. من همین قدر که شب گرسنه بچه هام نخوابند هنر کردم. می پرسم: "بچه ها کمک حال نیستند؟" می گوید: "چطور می توانند باشند؟ بیایند دستفروشی؟ خجالت می کشند. جووند و غرور دارند. کار هم که پیدا نمی شود بروند سر کار. دخترم می رفت پیش یه دکتر حجامت می کرد برای هفت ساعت کار ماهی ۲۰۰ هزار تومان می گرفت. حتا خرج بلیت اتوبوس و متروش هم در نمی اد." اگر به جای هفت تا بچه چهار تا داشتی الان دیگه خلاص بودی. فرستاده بودی همه را خانه بخت و حالا مسوولیت کمتری داشتی" می گوید: "چی بگم؟ عقل مون نمی رسید که. می گفتند بچه رحمت است و روزی اش را با خودش می آورد. اگه عقل الانم رو داشتم به خدا چهار تا چیه همون دو تا رو می وردم"

ادامه مطلب گیله مرد ... از صفحه ۱۴

دکتر صدر الدین الهی هم با مهری بی پایان دست مان را میگرفت و گهگاه سر مقاله های خاوران را می نوشت و از تجربه هایش می آموختیم. من هم که در شهرکی در حوالی سان فرانسسکو عرق فروشی میکردم هم سر دبیری خاوران را بعهده داشتم و هم با نام «گیله مرد» پاچه این و آن را میگرفتم و خلاقیت را میخنداندم. شب ها، پس از کار گل، می آمدم در دفتر خاوران می نشستیم و می نوشتیم و تایپ میکردیم و غلط گیری و صفحه بندی میکردیم و چای و آبجو میخوردیم و سیگار دود میکردیم و برای خودمان عالمی داشتیم. وقتیکه خاوران برای چاپ آماده میشد تازه آغاز مصیبت مان بود. باید میرفتیم چاپخانه. اما پول چاپ نداشتیم. چه کنیم چه نکنیم؟ پول های مان را روی هم میگذاشتیم و هزینه چاپ را فراهم میکردیم و هر صبح جمعه خاوران شسته و رفته در دست خوانندگان و خواهندگانش بود. نه آگهی تبلیغاتی داشتیم. نه تک فروشی میکردیم. و نه از خدایی و تا خدایی دست کمکی به سوی

مان دراز میشد. پنج سال تمام؛ بی هیچ وقفه ای؛ خاوران را منتشر کردیم و دست آخر بجان آمدیم و عطای روزنامه نویسی را به لقایش بخشیدیم و در غبار زمان و زمانه گم شدیم. حالا چرا بعد از بیست و چند سال دارم این حرفها را میزنم؟ راستش فقط میخواستم خاطره ای برایتان تعریف کنم که کار به این روده درازی ها کشید. یک شب توی دفتر خاوران نشسته بودم و داشتم نوشته های این و آن را میخواندم و و غلط گیری میکردم. دندانم بشدت درد میکرد. مسعود سپینداز راه رسید. گفتم: مسعود جان؛ تو که عالم و آدم را میشناسی بین دوستان رفیق دندانپزشکی نداری که این دندان درد بی صاحب شده مان را درمان کند؟ سپینداز کاغذی برداشت و چیزی روی آن نوشت. خیال کردم لابد نشانی یکی از دوستان دندانپزشک اش را برابم نوشته است. وقتی کاغذ را بدستم داد دیدم نوشته است:

ای همچو من ویلان و سرگردان حسن جان دندان چه خواهی چون نداری نان حسن جان؟

کنار نهاده شد. کی روش گفته است طی ۳۲ ماه گذشته که هدایت تیم ایران را به عهده داشته ام نهایت تلاشم را برای آمادگی کامل تیم بکار بردم. من برای اتخاذ تصمیمات بهتر و مشورت با دوستانم الکس فرگوسن، خوزه مورینیو و فابیو کاپلو تماس داشته ام اما من جادوگر نیستم که بدون پول بتوانم کاری انجام دهم. بدون تردید فقط می توان متاسف بود چرا که ما مملکت فقیری نیستیم که برای تهیه دو سه میلیون دلار چنین گریه و زاری کنیم، اما بدون تردید مسئولان سازمان های ورزشی ما در سرگیجه خود دور می زنند.

ادامه مطلب ضرب و شتم... از صفحه ۷

محمد نوری‌زاد پس از خروج از دادسرای اوین در مصاحبه با رادیو فردا در مورد علت محبوس نشدن خود توسط مأموران اطلاعات گفت: «قاضی می‌گوید که مقامات بالاتر به او گفته‌اند نوری‌زاد را بازداشت نکنید چون با بازداشت او دستگاه قضایی وارد ماجرابی می‌شود که می‌تواند تبعاتی داشته باشد.»

وی افزود: «نگران این هستند که ماجرابی مثل ستار بهشتی پیش بیاید که نتوانند جمعش کنند.» آقای نوری‌زاد به گفته خودش پس از خروج از دادسرای اوین با «پارچه سفیدی به تن و پرچمی به دوش» ساعتی را با نوشته‌هایی اعتراضی در مقابل درب شمالی وزارت اطلاعات ایستاده است.

وی در جریان این حرکت اعتراضی در مصاحبه با رادیو فردا در مورد خواسته‌های خود خطاب به مقامات گفت: «اموالی که

بیش از چهار سال پیش برداشته‌اید را بدهید، به چه دلیل این همه زمان پیش شما بوده؟» وی افزود که هم‌چنین خواستار دانستن علت ممنوع‌الخروج بودن خود و خانواده‌اش «بدون طی روند قانونی» است. آقای نوری‌زاد هم‌چنین نسبت به این که «بعد از یک و سال و نیم زندان از همه فعالیت‌های اجتماعی هم ساقط شده‌است» اعتراض دارد. وی در ادامه گفت: «فکر می‌کنند اگر من به خواسته‌هایم برسم دون شان اینهاست یا فردا نکند الگویی شود برای دیگران که خواسته‌هایی دارند.»

محمد نوری‌زاد که بیش از دو دهه همکاری با صدا و سیمای جمهوری اسلامی را در کارنامه دارد پیش از این به دلیل نگرارش نامه‌های سرگشاده انتقادی خطاب به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دستگیر و روانه زندان شده بود.

ادامه مطلب دانشگاهیان ... از صفحه ۷

اصفهرانی آلوده شده است. آمار سرطان خون در کودکان مرز هشدار را پشت سر گذاشته است. خوش به حال پایتخت‌نشینان که پای تخت هستند و چشم همه مسؤولان نگران آن‌ها است.

شما را به خدا به داد ما برسید! راه‌حل‌های مقطعی از جمله طرح زوج و فرد و تعطیلی مکرر مهدکودک‌ها و مدارس پاسخی درخور نیست و باید طرحی نو در انداخت. اصفهان نگین انگشتی صنعت ایران است و نباید تاوان تلخ خودکفایی کشور را با آلودگی و خشک‌سالی و بیماری باز پس دهد. هر سیاستی برای کاهش آلودگی در کل کشور به استحضار اندیشیده شود، در اصفهان از اوجب واجبات است.

امضاکندگانی این نامه که جمعی از استادان دانشگاه‌های استان اصفهان هستند، ضمن سپاس از دل‌نگرانی‌های مسؤولان محیط زیست و نیز حمایت از پیگیری‌های نمایندگان محترم اصفهان در مجلس شورای اسلامی، درخواست تسریع در اجرای «برنامه جامع کنترل کیفی هوای اصفهان» و تخصیص بودجه لازم برای آن را دارند.

بازگشت هوای پاک به اصفهان از مسیر تطبیق مسؤولانه صنایع و نیروگاه‌های برق اصفهان با پروتکل‌های زیست‌محیطی، توسعه سیستم حمل و نقل عمومی به ویژه مترو، جایگزینی خودروهای فرسوده و استانداردسازی بنزین می‌گذرد که همیاری نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و دولت‌مردان را می‌طلبد که اکنون چشم امید مردم اصفهان به همت آن‌ها است.

امید آنکه این سوگ‌نامه انگیزه‌ای برای ترغیب بیشتر مسؤولان محترم در جهت کاهش اساسی آلودگی هوای اصفهان باشد، پیش از آن که از این هم دیرتر شود.

سال‌ها پیش آب زاینده‌رود بهانه‌ای برای رشد صنایع مختلف از قبیل ذوب‌آهن، فولاد مبارکه، پلی‌اکریل و پالایشگاه در اطراف اصفهان شد. صنایعی که هرکدام مایه افتخار هر ایرانی و محصولاتشان مایه رونق زندگی مردمان جای‌جای کشور پهناور ایران و از جمله اصفهان است؛ اما خشکی زاینده‌رود و آلودگی روز افزون این صنایع، تنها و تنها نصیب مردم اصفهان شده است. بنزین غیراستاندارد، خودروهای فرسوده، ضعف غیرقابل‌باور سامانه‌های حمل و نقل عمومی و البته قصه کشدار متروی شهر که خود «یکی داستان است پر آب چشم»، همگی نقش خود را در این بازی شوم و نفس‌گیر ایفا کرده‌اند. اما از همه بدتر، نیروگاه‌های برق این کلان‌شهر مزید بر آلودگی آن شده‌اند.

در حالی که طبق اظهار نظر نماینده محترم اصفهان در مجلس شورای اسلامی قرار بوده سوخت نیروگاه‌های برق اصفهان از مازوت به گاز تغییر کند، هنوز این مهم اتفاق نیافتاده و روزانه صدها تن ذرات معلق و مسموم در ریه‌های فرزندان معصوم ما تخلیه می‌شود. برق این نیروگاه‌ها برای چیست؟! برای چیست؟! چراغ کدام خانه را می‌خواهد روشن کند؟! چراغ چند خانه و شعله چند زندگی باید خاموش شود تا دلمان خوش به روشنی نیروگاه برق باشد؟!

اصفهان شهر خرازی و همت و ردانی‌پور و کاظمی و ۲۳ هزار شهید است که عزیزترین داشته‌شان را تقدیم انقلاب کردند تا مردمشان در آسودگی و امنیت زندگی کنند. اما اکنون مردم اصفهان دارند ذره‌ذره می‌میرند و ریه‌شان انباشته از سرب و گوگرد و ذرات معلق و مسموم دیگر می‌شود. متخصصین نسبت به سونامی بیماری‌های صعب‌العلاج در اصفهان هشدار داده‌اند. شیر مادران

ادامه مطلب صلح به بهای ... از صفحه ۱.

بسته‌بندی شده را تهیه می‌کنند. در ۱۰ روز اول جنگ لیبی در حدود ۵۵۰ میلیون دلار خرج شد. ۲۴۰ میلیون دلار صرف اسلحه و مهمات بویژه موشک‌هایی بود که باید دوباره جایگزین شود. حتی اعضای دموکرات کنگره نیز در دادن اجازه به رئیس جمهور برای حملات بعدی در لیبی و یا هر جای دیگر که مربوط به مبارزه با «تروریسم» می‌شود شرکت داشتند. به یک معنی ادامه جنگ‌های ابدی. سازمان امنیت داخلی (Home Land Security)، حتا منافع بیشتری دارد. برای مثال سرمایه‌گذاری بر روی «سازمان‌های امنیت داخلی» سالیانه ۱۲ درصد بهره به همراه دارد. یک بازگشت نجومی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی.

لایبست‌ها

در واشنگتن هزاران لایبست وجود دارد که بودجه رو به گسترش جنگ و «امنیت داخلی» را حمایت می‌کنند. یکی از نمونه‌ها «مایکل شرتاف» رییس پیشین سازمان امنیت داخلی است که با شتاب و بدون تست قبلی گذاشتن دستگاه‌های عکسبرداری را در فرودگاه‌ها تصویب کرد.

در آن زمان کسی نمی‌دانست که کارخانه سازنده این ماشین‌ها از مشتریان شرکتهای بود که «شرتاف» مشاور آن بود. لایبست‌ها سیاستمداران را زیر عنوان «قوی بودن علیه ترور» و یا «ضعیف بودن علیه ترور» تحت فشار دائمی قرار می‌دهند. لایبست‌ها محصولاتی را تعیین می‌کنند که خود را از بین می‌برد و باید جایگزین شود. آنچه که در «جنگ‌های دائمی» یا ترور به آن نیاز است.

سازمان‌های دولتی

سازمان‌های دولتی، لایبست‌ها و کمپانی‌ها یک مثلث وابسته به یکدیگرند. اقتصادی که براساس جنگ پایه ریزی شده است، ارتش و سازمان‌های امنیتی را مضمون و غیرقابل دسترس می‌سازد. به اینگونه بودجه برنامه‌های حفاظت از محیط زیست و برنامه‌های کمک‌های اجتماعی میلیاردی دلار کم شده و به بودجه برنامه‌های وابسته به جنگ تحت عنوان «خطرات جدید» اضافه می‌شود. با حمایت لشگری از لایبست‌ها، کمپانی‌ها و برخی از اعضاء کابینه و کنگره در واشنگتن ماشین‌های عکسبرداری در فرودگاه‌ها اجباری می‌شود.

این تنها وزارت دفاع و یا امنیت داخلی نیست که از جنگ نفع می‌برد، سازمان‌های قضائی کشور نیز برنامه‌های عظیم ضد تروریسم دارند که هزاران نفر را استخدام کرده و میلیاردی دلار خرج یافتن تروریست‌های داخلی می‌کنند. یکی از اشکالات عمده کمبود تروریست‌های داخلی است که بتواند این اندازه مخارج را برای سیستم‌های امنیت داخلی توجیه کند.

پرزیدنت هم‌چنین گفته است: «مسائل فلسطینی‌ها می‌تواند تا حدی حل شود و این یک موازنه جدید دیگری در منطقه خواهد بود که اجازه می‌دهد اسرائیل بتواند با کشورهای سنی روابط سیاسی برقرار کند.»

نیل فرگسون با اشاره به سخنان اواما می‌خواهد نتیجه بگیرد که طرز فکر و برخورد وی دلیل ضعف او در سیاست‌های خارجی است. برای مثال فرگسون به این بخش از سخنان اواما اشاره می‌کند که در رابطه با مشکل سوریه گفته بود: «آمریکا پلیس دنیا نیست». به نظر وی و بسیاری که امروز بار دیگر سیاست‌های تجاوزگرانه «جرج بوش» و نئوکنسرواتیوها را تقدیر می‌کنند، در مقابل خشونت‌هایی که در جهان وجود دارد این است که «صلح» بدون «جنگ» امکان پذیر نیست. به عبارتی آنها می‌خواهند آمریکا همچنان نقش پلیس دنیا را داشته باشد.

مفید بودن برای اقتصاد

در حالی که سیاستمداران انگشت‌شماری این واقعیت را پذیرفته‌اند که بنظر می‌رسد جنگ یک نیاز اقتصادی است، یک آمار جدید نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از کشته‌شدگان در جنگ از خانواده‌های طبقه کارگر هستند. آنها بدون شک نیازی به جنگ ندارند ولی بهای جنگ را می‌پردازند. امروزه در اقتصادی که درحال رکود است، بودجه‌های عظیم نظامی و امنیتی برای میلیون‌ها نفر شغل و درآمد بوجود آورده است.

صدها میلیارد دلار سالیانه از خزانه دولتی به جیب سازمان‌ها و پیمانکارانی می‌رود که انگیزه محکمی برای ادامه جنگ و مخارج جنگی دارند. در سراسر کشور شاهد اقتصادی هستیم که بر پایه صنعت جنگ‌سازی می‌چرخد.

در سال ۲۰۱۳ «بودجه سیاه» آنچه که مربوط به برنامه‌های انتی‌لجنسی‌های سری است به بیش از ۵۲/۶ میلیارد دلار رسیده بود. این تنها برنامه‌های سری است نه بودجه‌های بسیار وسیع جاسوسی و ضد جاسوسی. اکنون ۱۶ سازمان جاسوسی در آمریکا وجود دارد که بیش از ۷/۱ میلیون نفر کارمند دارد. این علاوه بر بیش از یک میلیون نفر است که در ارتش و سایر سازمان‌های امنیتی استخدام هستند. ریشه اصلی وسیع‌تر شدن این مجموعه در نفوذ کمپانی‌های بزرگ، لایبست‌ها و سازمان‌هایی است که براساس مبارزه با «ترور» بوجود آمده‌اند.

پیمانکاران

در ۸ سال گذشته چندین تریلیون دلار به سوی کمپانی‌های نظامی و امنیت داخلی سرازیر شده است. برای مثال زمانیکه آمریکا وارد جنگ لیبی شد قراردادهای سخاوتمندانه‌ای به پیمانکارانی داده شد که همه چیز از موشک گرفته تا غذاهای

ادامه مطلب چهارشنبه سوری... از صفحه ۴

همچنین نمونه دوردستی از آتش‌افروزی نوروزی را در نزد مردم روستاهای جنوب کشور رومانی گزارش کرده‌اند. آیین آتش‌افروزی تا روزگار ما بر جای مانده و نام «چهارشنبه سوری» بر خود گرفته‌است. در ایران باستان بخش‌بندی هفته به گونه امروزی (شنبه تا پنجشنبه و جمعه) نبوده و در گاه شماری ایرانیان هر یک از ۳۰ روز ماه نامی ویژه داشته‌است (امرداد، دی، باذر، آذر، ...، سروش، رشن، فرودین، ورهرام، ...، شهریور، سپندارمزد، خرداد و...). «هفته» ریشه در ادیان سامی دارد، که باور داشتند خداوند، جهان را در ۶ روز آفرید و روز هفتم به استراحت پرداخت و آفرینش پایان یافت؛ و از همین رو روز هفتم را به زبان یهودی شنید یا شنبه نامیده‌اند که به معنی فراغت و آسایش است. بخش‌بندی روزها به هفته از یهود به عرب و از اعراب به ایرانیان رسیده‌است. اعراب درباره هر یک از روزهای هفته باورهایی داشته‌اند؛ برای نمونه اینکه چهارشنبه هر هفته روز شومی است. منوچهری دامغانی هم اینگونه به این باور اشاره می‌کند:

**چهارشنبه که روز بلاست باده بخور
به ساتکین می‌خور تا به عافیت گذرد
برهی آیین‌های سوری**

سال نو - کوزه نو: ایرانیان در شب چهارشنبه سوری کوزه‌های سفالی کهنه را بالای بام خانه برده، به‌زیر افکنده و آن‌ها را می‌شکستند و کوزه نوئی را جایگزین می‌ساختند. که این رسم اکنون نیز در برخی از مناطق ایران معمول است و بر این باورند که در طول سال بلاها و قضا‌های بد در کوزه مترکم می‌گردد که با شکستن کوزه، آن بلاها دور خواهد شد.

آجیل مشکل‌گشای، چهارشنبه سوری: در گذشته پس از پایان آتش‌افروزی، اهل خانه و خویشاوندان گرد هم می‌آمدند و آخرین دانه‌های نباتی مانند: تخم هندوانه، تخم کدو، پسته، فندق، بادام، نخود، تخم خربزه، گندم و شاهدانه را که از ذخیره زمستان باقی مانده بود، روی آتش مقدس بو داده و با نمک تیرک می‌کردند و می‌خوردند. آنان بر این باور بودند که هر کس از این معجون بخورد، نسبت به افراد دیگر مهربان‌تر می‌گردد و کینه و رشک از وی دور می‌گردد. امروزه اصطلاح نمک‌گیرشدن و نان و نمک کسی را خوردن و در حق وی خیانت نورزیدن، از همین باور سرچشمه گرفته‌است.

حلوا مالی: در آیین مردم زاهدان و سمنان و برخی از شهرستان‌های قزوین به سر و

صورت خود حلوی داغ می‌مالند.

فال‌گوشی و گره‌گشایی: یکی از رسم‌های چهارشنبه‌سوری است که در آن دختران جوان نیت می‌کنند، پشت دیواری می‌ایستند و به سخن رهگذران گوش فرامی‌دهند و سپس با تفسیر این سخنان پاسخ نیت خود را می‌گیرند.

قاشق‌زنی: در این رسم دختران و پسران جوان، چادری بر سر و روی خود می‌کشند تا شناخته نشوند و به در خانه دوستان و همسایگان خود می‌روند. صاحبخانه از صدای قاشق‌هایی که به کاسه‌ها می‌خورد به در خانه آمده و به کاسه‌های آنان آجیل چهارشنبه‌سوری، شیرینی، شکلات، نقل و پول می‌ریزد. دختران نیز امیدوارند زودتر به خانه بخت بروند.

شال انداختن: شال‌اندازی از دیگر مراسم شب سوری است که تاکنون اعتبار خود را در شهرها و روستاهای همدان و زنجان حفظ کرده‌است. پس از خاموشی آتش و کوزه‌شکستن و فال‌گوشی و گره‌گشایی و قاشق‌زنی جوانان نوبت به شال‌اندازی می‌رسد.

جوانان چندین دستمال حریر و ابریشمی را به یکدیگر گره زده، از آن طنابی رنگین به بلندی سه متر می‌ساختند. آنگاه از راه پلکان خانه‌ها یا از روی دیوار، آنرا از روزنه دودکش وارد منزل می‌کنند و یک سر آن را خود در بالای بام در دست می‌گرفتند، آنگاه با چند سرفه بلند صاحبخانه را متوجه ورودشان می‌سازند. صاحبخانه که منتظر آویختن چنین شال‌هایی هستند، به محض مشاهده طناب رنگین، آنچه قبلاً آماده کرده، در گوشه شال می‌ریزند و گره‌ای بر آن زده، با یک تکان ملایم، صاحب شال را آگاه می‌سازند که هدیه سوری آماده‌است. آنگاه شال‌انداز شال را بالا می‌کشد. آنچه در شال است هم هدیه چهارشنبه سوری است و هم فال. اگر هدیه نان باشد آن نشانه نعمت است، اگر شیرینی نشانه شیرین‌کامی و شادمانی، انار نشانه کسرت اولاد در آینده و گردو نشان طول عمر، بادام و فندق نشانه استقامت و بردباری در برابر دشواری‌ها، کشمش نشانه پرابی و پربارانی سال نو و اگر سکه نقره باشد نشانه سبیدبختی است.

حاجت خواهی از توپ مروارید: توپ مروارید، یک توپ نظامی بزرگی واقع در میدان ارگ تهران قدیم، روبروی نقاره‌خانه قدیم. وجه تسمیه این توپ معلوم نیست اما برخی (کتبائی، ۱۳۷۸) علت نامگذاری را چند رشته مروارید

ادامه مطلب در انتظار... از صفحه ۵

سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده سبّ النبی محسوب نمی‌شود، اما دادگاه محترم هیچ توجهی به قانون نداشته و بر خلاف آن رای می‌دهد.

تقاضا از فعالان حقوق بشر در پایان این نامه خطاب به «گزارشگران و فعالان حقوق بشر» آمده است: «از شما فعالان حقوق بشر به عنوان شخصیت های حقوق دان و مدافعین جان افراد بی گناه مانند فرزند من تقاضا دارم به ما کمک کنید هیچ کس در ایران جواب گوی ما نیست جان فرزند من را نجات دهید. باتشکر فراوان. مادر رنج کشیده فخری جمالی»

ادامه مطلب ابهام در شمار... از صفحه ۶

از طریق دریا وارد کشور می‌شود. ۹۰ درصد مواد مخدر کشف شده را نیز پلیس با استفاده از تجهیزات کشف می‌کند.

با وجود این، ستاد مبارزه با مواد مخدر که متولی اصلی برنامه‌ریزی، هماهنگی و اقدامات بین بخشی برای معتادان و مجری اصلی پیشگیری و انجام هماهنگی با دستگاه‌های درمانی برای مداوای معتادان است و به عنوان آخرین مرجع آمار معتادان را اعلام می‌کند، آمارهای متفاوتی از تعداد معتادان ایرانی ارائه می‌دهد.

بر اساس یکی از این آمارها که از قول حمید صرامی، مدیرکل تحقیقات ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام شده است، طبق آخرین نظرسنجی سال ۱۳۹۲ که با همکاری جهاد دانشگاهی صورت گرفته، یک میلیون و ۳۲۵ هزار نفر معتاد شناسایی شده‌اند که تریاک ماده اول مصرفی آن‌هاست و مواد مخدر صنعتی از جمله شیشه در رتبه دوم قرار دارد.

توسل می‌جستند. رواج خرافاتی از این قبیل، باعث شده بود عده‌ای از زنان و دختران، به نیت حاجت روائی و بخت‌گشایی به دورش جمع شوند و به آن دخیل ببندند، بخصوص در شبهای بیست و هفتم ماه رمضان و شبهای اول چهارشنبه سوری نیز زنان و دختران پول و شیرینی و کله قند به نگهبانان توپ می‌دادند تا در اجرای مراسمشان آزاد باشند. صادق هدایت کتاب توپ مرواری را در انتقاد از خرافات رایج میان مردم در باره این توپ با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره نوشت.

خانم فخری جمالی در این نامه سرگشاده نکاتی از دفاعیات وکلای فرزند خود را بیان کرده و در اعتراض به حکم صادر شده نوشته: «دادگاه محترم در استدلالی عجیب و بدون توجه به مدافعات صورت گرفته اعلام می‌نماید که مقدار مشروبی که فرزندم خورده او را مسلوب الاراده نکرده تا از اتهام سبّ النبی مبرا شود لذا هم وی را به مجازات شرب خمر و هم حد سبّ النبی یعنی اعدام محکوم نموده است. متأسفانه دادگاه محترم هیچ توجهی به صراحت ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی که می‌گوید: هرگاه متهم به سبّ ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا درحالت مستی یا غضب یا

به اعتقاد نارنجی‌ها، درباره آمار معتادان نمی‌توان اعلام نظر قطعی کرد، اما نباید از آمار افرادی که به صورت تفننی مواد مخدر مصرف می‌کنند غافل شد. او می‌گوید: «نزدیک به ۸۰۰ هزار ایرانی مواد مخدر به ویژه تریاک را به صورت تفننی مصرف می‌کنند.»

این کارشناس هشدار می‌دهد که اگر به مصرف تفننی مواد مخدر در آمارها و برنامه‌ریزی‌ها توجه کافی نشود، خطر افزایش تعداد مصرف‌کنندگان مواد مخدر به معضلی حاد تبدیل خواهد شد. آمارهای متفاوت درباره تعداد معتادان در ایران اما در شرایطی ارائه می‌شود که نیروی انتظامی خبر از کشف سالانه ۵۰۰ تن مواد مخدر می‌دهد.

علی مویدی، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: «پلیس در حوزه جلوگیری از عرضه مواد مخدر به وظایف خود به خوبی عمل می‌کند. در صورتی که امروز مرزهای شرقی کشور کاملاً مسدود است، مواد مخدر بیشتر

ذکر کرده‌اند که به دهانه توپ آویزان بوده‌است. نوشته حک شده روی توپ نام سازنده آنرا اسماعیل اصفهانی و سال ساخت آنرا ۱۲۳۳ (به ارفرتحعلی شاه قاجار (حکومت: ۱۲۱۲-۱۲۵۰)) ذکر کرده‌است. این توپ هم اکنون در مدخل ساختمان شماره هفت وزارت امور خارجه قرار دارد.

این توپ در فرهنگ عامه حائز اهمیت بوده‌است به نحوی که در دوران قاجار خرافات بسیاری پیرامون آن شکل گرفت و مردم برای گرفتن حاجتهای خود به آن

ادامه مطلب جغرافیای... از صفحه ۳

سالها برای به رسمیت شناخته شدن نوروز در این کشور تلاش کردند.

نوروز در ترکیه خاص نواحی شرقی آن کشور است و از اعیاد ملی کردها محسوب می‌شود. در شهرهای جنوب شرقی ترکیه، مانند دیاربکر، اورفا، ماراش، و مرسین، نوروز مراسم باشکوهی دارد که بیشتر نماینده و منعکس کننده فولکلر مردم آن نواحی است. از ویژگی‌های آن یکی نواختن پر سر و صدای سورنا و دهل و دیگری ایراد سخنرانی‌های آتشین در کنار کپه‌های آتش است. این آیین‌ها در میدان‌های بزرگ و اصلی شهرها و روستاها برگزار می‌گردد و جمعیت انبوهی از زن و مرد، در حالی که دست هم را می‌گیرند، به دور کپه‌های آتش به رقص و پایکوبی می‌پردازند. در خانه‌ها پختن شیرینی‌های خانگی و غذاهای خاص نوروز از سنت‌های دیگر مراسم نوروزی است.

در غرب آن کشور تا همین اواخر خانواده‌های کرد آیین‌های نوروز را در داخل خانه‌ها و بطور خصوصی برگزار می‌کردند، چون اساسا دولت ترکیه منکر وجود یک اقلیت چند میلیونی کرد در آن کشور بود و آن‌ها را «ترکان کوهستانی» می‌نامید. افزون بر انکار حقوق قومی و فرهنگی آن‌ها، در قوانین اساسی کشور، مردم عادی نیز آن‌ها را غیر خودی و بیگانه می‌انگاشتند. به طوری که در شهرهای غربی، مانند آنکارا، استانبول، و ازبک، اگر کردی بی احتیاطی می‌کرد و در کوچه و بازار به زبان مادری خود سخن می‌گفت، بسیار احتمال داشت که عواقب وخیم آن دامانش را بگیرد.

اما از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این سو و با بالا گرفتن اعتراضات کردها، به ویژه با پیدایش حزب کارگران کردستان، برگزاری مراسم نوروز در ترکیه نه فقط صورت علنی و آشکار به خود گرفت، بلکه آیین‌های آن به یک نماد اعتراضی درآمد و به وسیله‌ای برای ابراز مخالفت با سیاست‌های دولت تبدیل شد و شکل نوعی پرچم سیاسی گرفت.

از آن پس هر سال در میدان‌های شهرها انبوه جمعیت کردان به دور کپه‌های آتش گرد می‌آمدند و به سیاست‌های تبعیض آمیز و شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر شرق کشور اعتراض می‌کردند. به تدریج، با افزایش تعداد کپه‌های آتش و بالا گرفتن شعله‌های آن‌ها، شعارها هم تندتر شد و گه گاه تمایلات جدائی خواهانه هم در میان آن‌ها به گوش رسید.

در زمان نخست وزیری خانم تانسو چیلر، که مذاکره برای پیوستن ترکیه به اتحادیه در اروپا وارد مراحل تازه‌ای شد، آن اتحادیه در صدر فهرست اصلاحاتی که انجام آن‌ها را از ترکیه خواستار شد، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها بود.

کهنه باقی نماند و برابر رسم دیرینه نوروز قبل از شروع عید نوروز بانوی خانه وقتی که خورشید به اندازه یک سر نیزه بالا آمد دو چارو را که سرخ رنگ است و در فصل پاییز از کوه جمع آوری کرده‌اند و تا جشن نوروز نگاه داشته‌اند در جلوی خانه راست می‌گذارند. چون رنگ سرخ برای این مردم رمز نیکی و پیروزی و برکت است. پس از طلوع کامل خورشید هر خانواده‌ای می‌کوشد هر چه زودتر وسایل خانه را به بیرون آورده و یک پارچه قرمز را بالای سردر ورودی خانه بیاویزد که این معنی همان رمز نیکی و خوشی ایام سال را دارد. سپس وسایل در داخل خانه مرتب چیده و با بازکردن در و پنجره هوای نوروزی و بهاری را که معتقدند حامل برکت و شادی است وارد خانه می‌کنند. در این سرزمین پختن شیرینی ویژه و غذاهای متنوع جزو رسم و رسوم این ایام است، همچنین برگزاری مسابقه‌هایی مانند تاب بازی، تخم مرغ بازی، کبک جنگی، خروس جنگی، بزکشی، کشتی محلی نیز در این ایام به شادی آن می‌افزاید و یکی از غذاهای معروف این ایام باج نام دارد در این غذا کله پاچه گوسفند را با گندم پخته و دیگران را با آن مهمان می‌کنند.

در ترکمنستان

در کشور ترکمنستان طبق رسم قدیم و جدید دوبار در سال جشن نو گرفته می‌شود. یکی از این جشن‌ها با استناد به تقویم میلادی که به تایید سازمان ملل رسیده به عنوان جشن بین‌المللی (سال نو) شناخته می‌شود و دیگری برگزاری عید نوروز به نشانه احیای دوباره آداب و رسوم دیرینه مردم ترکمنستان است. مردم ترکمنستان عقیده دارند زمانی که جمشید به عنوان چهارمین پادشاه پیشدادیان بر تخت سلطنت نشست آن روز را نوروز نامیدند. مردم ترکمنستان در این ایام با پختن غذاهای معروف نوروزی مانند: نوروز کجه، نوروز بامه، سمنی (سمنو) و اجرای بازی‌های مختلف توسط جوانان ترکمن حال و هوای دیگری به این جشن و شادی می‌دهند.

در ایام نوروز مسابقات مختلفی در ترکمنستان برگزار می‌شود که می‌توان به مسابقات اسب دوانی، کشتی، پرش برای گرفتن دستمال از بلندی، خروس جنگی، شاخ زنی میش‌ها، شطرنج بازی، مهره بازی، تاب بازی اشاره نمود. دید و بازدید در ایام نوروز در میان مردم ترکمن از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار می‌باشد.

نوروز در میان کردها

موسی آتئر نویسنده کرد معتقد است که قبلا جشن نوروز در میان کردها در ۳۱ ماه آگوست برگزار می‌شده است اما با قبول اسلام و پذیرش تقویم اسلامی این جشن به فروردین منتقل شده است. کردهای ترکیه

این معجون از چهل نوع ماده مخصوص تهیه می‌شده است که شفا بخش بسیاری از بیماری‌ها و دردها بوده و باعث افزایش قدرت بدنی می‌شده است. مردم این سرزمین نوروز را آغاز بهار طبیعت و شروع تجدید حیات و طراوت در جهان و برخی روز مقدس در مقابل شب قدر و شب برائت و برخی عامل اتحاد و همبستگی و حتی آن را زادروز امام علی و تعیین ایشان به خلافت و سالروز ازدواج او با فاطمه دانسته‌اند.

در پاکستان

در پاکستان نوروز را «عالم افروز» یعنی روز تازه رسیده که با ورود خود جهان را روشن و درخشان می‌کند، می‌نامند. در میان مردم این سرزمین تقویم و روز شمار و یا سالنمای نوروز از اهمیت خاصی برخوردار است. بدین جهت گروه‌ها و دسته‌های مختلف دینی و اجتماعی در صفحات اول تقویم‌های خود به تفسیر و توضیح نوروز و ارزش و اهمیت آن می‌پردازند و این تقویم را در پاکستان (جنتری) می‌نامند.

از آداب و رسوم عید نوروز در میان مردم پاکستان می‌توان به خانه تکانی و یا به عبارتی پاکیزه کردن خانه و کاشانه و پوشیدن لباس و تهیه نمودن انواع شیرینی مثل (لدو) گلاب حامن، رس ملائی، کبک، برفی، شکرپاره، کریم رول، سوهن حلوا، و همچنین پختن غذاهای معروف این ایام و عیدی دادن و گرفتن و دید و بازدید اقوام اشاره نمود.

در ایام نوروز مردم پاکستان از گفتار نا مناسب پرهیز نموده و با نواختن و نوازش یکدیگر با احترام و اخلاص یکدیگر را نام می‌برند. همچنین سرودن اشعار نوروزی به زبان‌های اردو، دری و عربی در این ایام مرسوم است که بیشتر در قالب قصیده و غزل بیان می‌شود. پاکستانی‌ها بر این باورند که مقصد نوروز، امیدواری و در امن و صلح و آشتی نگهداشتن جهان اسلام و عالم انسانیت است تا آنجا که آزادی و آزادگی، خوشبختی و کامیابی، محبت و دوستی و برادری و برابری همچون بوی خوش گل‌های بهاری در دل و جان مردمان جایگزین می‌گردد.

در تاجیکستان

جشن نوروز برای مردم تاجیکستان بویژه بدخشانیان تاجیکستان جشن ملی نیاکان است و از آن به عنوان رمز دوستی و زنده شدن کل موجودات یاد می‌کنند و به نام خیدیر ایام یعنی جشن بزرگ معروف است. مردم تاجیکستان به ویژه بدخشانیان تاجیک در ایام عید نوروز خانه را پاک کرده و به اصطلاح خانه تکانی می‌کنند، همچنین ظروف خانه را کاملاً «شسته و تمیز می‌کنند تا گردی از سال

مقامات دولتی در این روز جشن‌هایی با حضور سفیران خارجی برپا می‌کنند و به مناسبت نوروز پیام تبریک می‌فرستند.

اگرچه به دلیل مبارزه حکومت کمونیستی ازبکستان در دهه‌های گذشته با آیین نوروزی بعضی از آیین‌های آن به فراموشی رفته‌اند، سبزه و سمنو درست کردن و هدیه دادن آن به دیگران از جمله کارهایی است که مردم ازبکستان در هنگام نوروز انجام می‌دهند. چهارشنبه سوری و سبزه به در در این کشور دیگر انجام نمی‌شود، ولی از روی آتش پریدن هنوز در برخی روستاها رایج است. پختن سمنو در ازبکستان بسیار میان مردم رواج دارد و مردم در کنار دیگ سمنوی جوشان اقدام به رقص و خواندن شعر می‌کنند:

سمنک در جوش است، ما کفچه ز نیم

دیگران در خوابند، ما دفچه ز نیم

از جمله دیگر آداب نوروز در این کشور، برگزاری مراسم آوازخوانی، مسابقه، نمایش، و کاشتن درخت است.

در افغانستان

نوروز در افغانستان یا به عبارتی در بلخ و مرکز آن مزار شریف هنوز به همان فر و شکوه پیشین برگزار می‌شود. در روزهای اول سال همه دشت‌های بلخ و دیوار و پشت بام‌های گلی آن پر از گل سرخ می‌شود گویی بلخ سیدی از گل سرخ است یا به عبارتی مانند اجاق بزرگی که در آن لاله می‌سوزد این گل فقط در بلخ به وفور و کثرت می‌روید و از این رو جشن نوروز و جشن گل سرخ هر دو به یک معنی به کار می‌رود. در اولین روز عید نوروز علم امام علی با مراسم خاص و با شکوهی در صبح آن روز برافراشته می‌شود. یا افراشته شدن آن جشن نوروز نیز رسماً آغاز می‌شود و تا چهل شبانه روز ادامه می‌یابد و در این چهل شبانه روز حاجتمندان و بیماران برای شفا در پای این علم مقدس به چله می‌نشینند. مردم این سرزمین بر این باورند که اگر بر افراشته شدن علم به آرامی و بدون لرزش و توقف از زمین بلند شود سالی که در پیش است نیکو و میمون است.

از آیین و رسم نوروزی در سرزمین بلخ می‌توان به شستشوی فرش‌های خانه و زدودن گرد و غبار پیش از آمدن نوروز و انجام مسابقات مختلف از قبیل بزکشی، شتر جنگی، شتر سواری، قوچ جنگی و کشتی خاص این منطقه اشاره نمود.

نوروز در ترکیه

عثمانیان یا مردم ترکیه امروز عید نوروز را به عنوان یکی از معدود ایام جشن می‌گرفتند. در این روز حکیم باشی معجون مخصوصی که (نوروزیه) نامیده می‌شد جهت پادشاهان و درباریان تهیه می‌نمود که گفته شده است

ادامه مطلب هیسترتکتومی ... از صفحه ۲۸

بعضی از علل دردهای لگنی عبارتند از: آندومتروز، فیبروئیدها، چسبندگی ها، عفونت ها، آسیب ها

فونریزی غیر طبیعی از واژن

علل شایع این وضعیت عبارتند از: برهم خوردن تعادل هورمون ها، فیبروئید ها، پولیپ، عفونت رحم، و سرطان. از علائم مرتبط با آن ممکن است وجود خونریزی های شدید و طولانی در هنگام قاعدگی، خونریزی در بین قاعدگی ها و یا بعد از یائسگی باشد. البته با اعمال جراحی یا اقدامات طبی دیگر نیز میتوان این حالت را با موفقیت درمان نمود. لذا در مورد دیگر گزینه های موجود باید با پزشک صحبت کرد.

سرطان: بسته به وسعت سرطان، جهت توقف گسترش آن به اعضای دیگر در موارد زیر ممکن است هیسترتکتومی ضرورت یابد: سرطان آندومتر و دهانه رحم، سرطان تخمدان و لوله های فالوپ.

انواع هیسترتکتومی

• هیسترتکتومی توتال (کامل): که بر خلاف اسمش، فقط رحم و سرویکس (دهانه رحم) در آورده میشوند.

• هیسترتکتومی ساب توتال (نیمه کامل): فقط قسمت فوقانی رحم در آورده شده، دهانه رحم و اعضای دیگر باقی می ماند.

• هیسترتکتومی رادیکال (ریشه ای): که در آن رحم، دهانه رحم، قسمت فوقانی واژن، بافتهای حمایتی و معمولا غدد لنفاوی لگن در آورده میشود. این نوع معمولا برای درمان سرطان بکار میرود. علاوه بر هیسترتکتومی ممکن است در آوردن یک یا هر دو تخمدان نیز لازم شود. در این صورت عمل جراحی سالیپنگو اوفارکتومی نامیده میشود. اما در کل تخمدان و لوله های فالوپ در هنگام هیسترتکتومی برداشته نمی شوند مگر آنکه مشکلی داشته باشند.

نمونه عمل

هیسترتکتومی به دو صورت قابل انجام است: از طریق واژن، و از طریق شکم

فطرات هیسترتکتومی

هیسترتکتومی عملی ایمن است با این حال، از معدود خطرات همراه با سایر اعمال جراحی نیز برخوردار است و در موارد بسیار نادر عوارض شدید و حتی مرگ را به دنبال دارد.

عوارض احتمالی

- مشکلات مربوط به بیهوشی
- ایجاد لخته در سیاهرگ ها (DVT) که ممکن است کنده شده و به ریه ها بروند.
- عفونت
- خونریزی
- آسیب به اعضای داخلی (دستگاه ادراری، مثانه، روده ها) و پوست

ادامه مطلب تولدی دیگر ... از صفحه ۱۳۱

این سخن اشکسته میآید دلا
این سخن دُر است و غیرت آسیا

شرح می خواهد بیان این کلام
لیک می ترسم بلغزد فهم عام

تا نگردد نکویی من بدی
آنچه هم گفتم نبد جز بیخودی

این مباحث تا به اینجا گفتنی است
آنچه آید زین سپس بنهفتنی است

در خور فهم عوام این گفته شد
این سخن باقی است آن بنهفته شد

گر نبودی خلق محبوب و کثیف
گر نبودی خلق ها تنگ و ضعیف

در مدیحت داد معنا دادمی
غیر این منطق لبی بگشادمی

ای دریغا عرصی افهام خلق
سخت تنگ آمد ندارد خلق خلق

بقیه مقاله در شماره آینده

ادامه مطلب حاجی مراد ... از صفحه ۱۳۱

اشتباهی گرفتم. آخر من رو به روی مردم،
آبرو دارم!»

رییس چیزی نوشته داد به دست آژان.
حاجی را بردند جلو میز دیگر. اسکانس ها

را با دست لرزان شمرد، به عنوان جریمه
روی میز گذاشت. بعد به هم راهی آژان،

او را بردند جلو در نظمیته. مردم، ردیف
ایستاده بودند و درگوشی با هم پیچ پیچ

می کردند. عبای زرد حاجی را از روی
کولش برداشتند و یک نفر تازیانه به

دست، آمد کنار او ایستاد. حاجی، از زور
خجالت، سرش را پایین انداخت و پنجاه

تازیانه، جلو مردم به او زدند؛ ولی او خم
به ابرویش نیامد!

وقتی که تمام شد، دستمال ابریشمی
بزرگی از جیب درآورد. عرق روی پیشانی

خودش را پاک کرد. عبای زرد را برداشته،
روی دوش انداخت. گوشه ای آن به زمین

کشیده می شد.

سر به زیر، روانه ی خانه شد و کوشش
می کرد پایش را آهسته تر روی زمین

بگذارد تا صدای غزغز کفش خودش را
خفه بکند؛ دو روز بعد حاجی زنش را

طلاق داد!

شعر چه باشد بر من تا که از آن لاف زنم
هست مرا فن دگر، غیر فنون شعرا

گاه مولوی به علت اعتقادات عامه و
عوام الناس یا یاوه گویان و غرض

ورزان نمی توانسته است همه مطالب
واقعی و حقایق اصلی را که تصادم با

نظر عوام و خرافیون مذهبی دارد بی
پرده عنوان کند و ناگزیر شده کلام را

در زیر الفاظ و بطن داستان ها و حجاب
جملات مخفی سازد تا خواننده آگاه و

تیزبین و باخرد آن را کشف نماید. این
نظر در ابیات زیر آشکار است:

هر که را اسرار حق آموختند
مهر کردند و دهانش دوختند

عارفان کز جام حق نوشیده اند
رازها دانسته و پوشیده اند

سر پنهان است اندر زیر و بزم
فانش اگر گویم جهان برهم زنم

ای دریغا رهزنان بنشسته اند
صد گره زیر زبانم بسته اند

پای بسته چون رود خوش راهوار
بس گران بندبست این معذور دار

چپ عرض بکنم؟! بنده گمان می کردم که
زن خودم است!

به کدام دلیل؟!
حاشیه ی چادرش سفید است.

خیلی غریب است! مگر صدای زن
خودتان را نمی شناسید؟!
حاجی آهی کشید: «آخر شما که نمی دانید

زن من چه آفتی است! زنم، نوای همه ی
جانوران را درمی آورد! وقتی که از حمام

درمی آید، به صدای همه ی زن ها حرف
می زند. ادای همه را درمی آورد. من گمان

کردم می خواهد مرا گول بزند! صدای
خودش را عوض کرده!»

زن: «چه فضولی ها! آقای آژان! شما که
شاهد هستید توی کوچه رو به روی صد

کرور نفوس به من چک زد. حالا یک
مرتبه موش مرده شد! چه فضولی ها! به

خیالش شهر هرت است! اگر مشدی حسین
بداند، حقت را می گذارد کف دستت! با زن

او؟! آقای رییس! ...»

رییس: «خوب خانم! با شما دیگر کاری
نداریم. بفرمایید بیرون تا حساب حاجی آقا

را برسیم!»

حاجی: «والله غلط کردم! من نمی دانستم.



از دست دادن عملکرد تخمدان
مراقبت های بعد از عمل

بعد از عمل جراحی، بسته به نظر پزشک
بیمار چند روز بستری و جهت جلوگیری از

عفونت به وی آنتی بیوتیک و نیز مسکن
تجویز میشود. در صورتی که عمل جراحی

از طریق شکم انجام شده باشد، بهبودی به
۶-۸ هفته زمان نیاز دارد. در این صورت

بیمار نباید فعالیت های سنگین انجام دهد،
خصوص در دو هفته اول باید استراحت

کامل داشته و از بلند کردن اجسام
خودداری کند. اما بعد از آن میتواند کم

کم کارهای سبک را انجام دهد. بعد از
توقف خونریزی، درد و فشار بر لگن بیمار

میتواند فعالیت های خود را از سر بگیرد.
در حوالی هفته ششم نیز می تواند فعالیت

های جنسی را آغاز نماید. البته تا ۳ ماه
بعد از عمل باید کماکان از انجام فعالیت

های سنگین خودداری نماید. در زمانی که
از طریق واژن هیسترتکتومی می شوند،

سرعت بهبودی بیشتر است و سریعتر می
توانند فعالیت های خود را از سر بگیرند.

تغییرات پس از هیسترتکتومی

اگر هیسترتکتومی قبل از یائسگی انجام
شود، بعد از عمل قاعدگی متوقف شده

و بیمار دیگر نمیتواند باردار شود. در
صورتی که تخمدان ها نیز در آورده

شده باشند، ممکن است علائم زجر آور
یائسگی نیز بروز کنند (مانند گر گرفتگی،

تغییر خلق و خو، اختلالات خواب، خشکی
واژن). حتی ممکن است این علائم نسبت

به یائسگی نرمال شدیدتر هم باشند.
بعضی زنان اظهار کرده اند که بعد از این

جراحی، میل جنسی شان کاهش یافته است
ولی این مطلب بطور علمی هنوز ثابت

نشده است، بر عکس در واقع اکثر زنان
افزایش یا عدم تغییر میل جنسی را گزارش

کرده اند.

نکات

در موارد زیر باید بیمار بلافاصله با دکتر
تماس بگیرد و یا به بیمارستان مراجعه کند.

• خونریزی شدید واژینال

• تب: دمای بالاتر از ۳۸ درجه سانتی
گراد یا بالاتر

• هر گونه بی اختیاری ادرار، نشست یا قطره.
قطره آمدن ادرار یا درد در موقع ادرار کردن

• درد شدید در واژن، شکم، ساق پا یا قفسه سینه
• ترشح از زخم، باز شدن زخم یا التهاب آن

• باد کردن شکم، عدم توانایی در دفع
گازهای روده ای

• تنگی نفس

منبع: www.Sogc.org

ادامه مطلب جغرافیای... از صفحه ۵۴

مضافاً این که یک فرستنده تلویزیون کردی به نام «روژ»، که برنامه‌های آن از اروپا به وسیله ماهواره پخش می‌شد، دولت ترکیه را ناچار به قبول واقعیت حضور کردها در جامعه کرد، و از آن پس آشکار شد که یک اقلیت قابل ملاحظه، که به علت فقدان آمار رسمی جمعیت آن را بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون می‌زنند، در جامعه وجود دارد و این جمعیت عظیم دارای زبان و فرهنگ و آئین‌های متفاوتی است.

در قرقیزستان

عید نوروز در قرقیزستان تنها یک روز آن هم در روز اول یا دوم فروردین ماه است که به ۲۹ روز یا ۳۰ روز بودن اسفند بستگی دارد. اگر اسفند ۲۹ روز باشد اول فروردین و اگر ۳۰ روز باشد در روز دوم فروردین برگزار می‌شود. تا قبل از فروپاشی شوروی سابق این مراسم به دست فراموشی سپرده شده بود ولی پس از فروپاشی دوباره حیات یافت و هر ساله با شکوهرت از سال قبل برگزار می‌شود. مراسم جشن این روز را در شهرها دولت تدارک می‌بیند و در روستاها بزرگان و ریش سفیدان در برگزاری آن دخالت دارند. در شهرها در میدانی بزرگ و در روستاها در بیابان‌های اطراف این جشن برگزار می‌شود. در قرقیزستان در این روز یختن غذاهای معروف قرقیزی مثل (پش بارماق) مانته برسک و کاتما مرسوم است که به صورت رایگان بین حاضران در جشن پخش می‌شود. در قرقیزستان در این روز افزون بر جشن برگزاری یکسری مسابقات از قبیل سوارکاری و غیره نیز مرسوم است و به گونه چشمگیری در این روز مسابقات دنبال می‌شود و جوایز ارزنده‌ای به نفرات برتر داده می‌شود.

در قزاقستان

مردم قزاقستان نوروز را اعتدال بهاری می‌دانند و بر این باورند که در این روز ستاره‌های آسمانی به نقطه ابتدایی می‌رسند و همه جا تازه می‌شود و روی زمین شادمانی برقرار می‌شود. همچنین قزاق‌ها معتقدند که نوروز آغاز سال است و در میان آنان عبارات زیبایی درباره نوروز وجود دارد. نوروز روزی است که یک سال منتظرش بوده‌اند نوروز روزی است که خیر بر زمین فرود آمده و بالاخره نوروز روزی است که سنگ نیلگون سمرقند آب می‌شود: در شب سال تحویل تا شب قزیر صاحبخانه دو عدد شمع در بالای خانه اش روشن می‌کند و خانه اش را خانه تکانی کرده و

چون مردم قزاق باور بر این دارند که تمیز بودن خانه در آغاز سال نو باعث می‌شود افراد آن خانه دچار بیماری و بدبختی نشوند آنان بر این مساله ایمان دارند و آن را هر ساله رعایت می‌کنند.

در شب نوروز دختران روستایی قزاق با آخرین گوشت باقی‌مانده از گوشت اسب که سوقیم نام دارد غذایی به نام اویقی آش همراه با اویز می‌پزند و از جوان‌هایی که دوستشان دارند پذیرایی می‌کنند. آنان نیز در قبال آن به دختران آینه و شانه و عطر هدیه می‌کنند که آن را سلت اتیکتر می‌نامند و به معنی علاقه آور می‌باشد. در عید نوروز جوانان یک اسب سرکش را زین کرده و عروسکی که ساخته دست خودشان است با اویز زنگوله‌ای به گردش در ساعت سه صبح که ساعتی معین از شب قزیر است رها نموده تا از این طرف مردم را بیدار نمایند. عروسک در حقیقت نمادی از سال نو است که آمدن خود را سوار بر اسب به همه اعلام می‌کند.

نوروز برای قزاق‌ها بسیار مقدس بوده و اگر در این روز باران یا برف بیارد آن را به فال نیک گرفته و معتقدند در سال خوبی پیش رو خواهند داشت. در عید نوروز مردم لباس نو و سفید به تن می‌کنند که نشانه شادمانی است. دید و بازدید اقوام در این ایام با زدن شانه‌ها به یکدیگر از آیین و رسوم مردم قزاق در ایام عید نوروز می‌باشد. همچنین یختن غذایی به نام نوروز گوژه (کوژه = آش) که تهیه آن به معنی خداحافظ با زمستان و غذاهای زمستانی است و از هفت نوع ماده غذایی تهیه می‌شود در این ایام جزو آیین و رسوم این سرزمین می‌باشد. مسابقات معروفی نیز در ایام نوروز در قزاقستان برگزار می‌شود که از مهم‌ترین آنان می‌توان به (قول توزاق) اشاره نمود که بین گروههای مرد و زن برگزار می‌شود. اگر برنده زن‌ها باشند قزاق‌ها معتقدند آن سال خوب و پربرکتی است اگر مردها پیروز شوند آن سال نامساعد خواهد بود. از دیگر مسابقات می‌توان به کوکپار برداشتن بز از مکانی مشخص توسط سواران، آودار یسپاق، قیزقوو و آلتی باقان اشاره نمود. در عصر نوروز نیز مسابقه آیتیس آغاز می‌شود که مسابقه شعر و شاعری است.

در بلغارستان

در بلغارستان به ویژه تاتارهای کریمه نوروز را جشن می‌گیرند.

در زنگبار

در زمان‌های کهن گروه بزرگی از شیرازیان

ادامه مطلب تعریف آجیل... از صفحه ۴

برگ هلو؛ انجیر؛ خرما و سنجد فراهم شده است. این آجیل در مراسم غروب چهارشنبه یا بر سر مزار اموات پخش می‌شود.

کارکرد اجتماعی: کسی که در تنگنای حوادث گرفتار آمده و یا دچار زحمت و مشکلی شده باشد، نذر و نیت می‌کند که هرگاه از بد حادثه رهایی یافت و یا گره از کارش گشوده شود همه عمر، هر ماه یا هر هفته یک بار نخود مشکل گشا یا آجیل مشکل گشا (مشکل از نخود، پسته، بادام، فندق، کشمش، خرما، توت خشک، انجیر و تخمه و ...) خریده و پس از انجام مراسم لازم، آنرا بین مردم تقسیم کند. منبع: انجمن مردم شناسی دانشگاه آزاد

(۱) فروهر: نماد میهنی: از دوران پادشاهی مادها و سپس شاهنشاهی هخامنشیان، نگاره فروهر نشانه نماد میهنی بوده و آدمی را در پیکره و سیمای شاهین تیزچنگ و بلندپروازی نشان می‌دهد که آنرا نماد توانایی، سر بلندی و فر و شکوه می‌دانستند و پرچم‌های خود را به نما و سیمای شاهین می‌آراستند.

(۲) امشاسپندان: امشاسپندان، مهین ایزدانی هستند، که بازشناساننده‌های وجود اهورامزدا هستند. این واژه به معنی جاودانان پاک یا مقدسان بی‌مرگ یا نامیرایان فزونی‌بخش است که از دو جز امشه به معنی جاودانی و بی‌مرگ و سبته به معنی پاک و مقدس و فزونی‌بخش تشکیل شده‌است.

ادامه مطلب آمار بیماران... از صفحه ۵

جلیلی در مصاحبه خود به فشارهای مختلف اجتماعی و سیاسی در ایران که به گفته بسیاری از روانشناسان و روانپزشکان در کنار فشارهای اقتصادی از دلایل مهم بیماری‌های روانی هستند اشاره‌ای نکرده است.

می‌گویند. این جشن هر سال در اول پائیز برگزار می‌شود و روز آغاز سال در تقویم قبطیان است.

در مورد سابقه این جشن برخی معتقدند که یادگاری از دوره تسلط هخامنشیان بر مصر است، اگر چه خود قبطیان آن را مربوط به مصر باستان می‌دانند. از ویکی‌پدیا

این هدایا لُرک یا آجیل گاهنبار نامیده می‌شد.

روش تهیه آجیل مشکل گشا در شب چهارشنبه سوری: معمولاً آنرا همراه با نیت تهیه میکنند. آجیل را که شامل: نخودچی، کشمش، توت، گردو، باسلق، انجیر، مغز پسته، بادام و نقل است را خریداری و پاک کرده و سپس آجیل در ظرفی ریخته شده و در شب چهارشنبه سوری توسط مهمانان و میزبان خورده می‌شود.

کارکرد ملی و باستانی: این آجیل از دیرباز به یکی از نمادهای فرهنگ ایرانی بدل گشته‌است به صورتی که برخی از مراسم‌های سنتی ایرانیان (مانند نوروز و یلدا و چهارشنبه سوری) تنها با حضور آجیل مفهوم خود را پیدا می‌کنند. در ایام نوروز و نیز شب یلدا حضور این آجیل ضروری است. با این نوع از آجیل که آجیل شیرین هم نامیده میشود در مراسم باستانی مثل نوروز و یلدا از مهمانان پذیرایی میشود.

اما در مراسم چهارشنبه سوری این آجیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از رسوم شایع چهارشنبه سوری که هنوز هم به شکل گسترده در میان زرتشتیان جریان دارد؛ پخش آجیل مشکل گشا موسوم به «لُرک» است که از مغز هفت نوع میوه خشک شده خوردنی از جمله مغز پسته؛ بادام؛ کشمش؛ گردو؛

او افزود که البته نمی‌توان گفت در نتیجه آمار بیماران روانی در روستاهای دورافتاده کمتر است، چون ممکن است روستاییان چنین مناطقی بر اثر محرومیت و کمبود امکانات آمار بیشتری در این عرصه داشته باشند.

به زنگبار در کرانه‌های شرقی قاره آفریقا کوچیدند و آیین‌های ایرانی مانند نوروز را نیز با خود به‌همراه بردند. جشن نوروز در زنگبار «نوروزی» نامیده می‌شود و هنوز جشنی شناخته شده است.

در مصر

قبطیان مصر نیز جشنی سالانه به‌نام نیروز دارند که به عربی به آن النیروز



PERSONAL INJURY CLAIMS & TRIALS RESOLVING YOUR LAWSUIT

By: **Caroline Nasser**



One of the most common questions our legal team receives from injured victims and families involves the trial process. Specifically, victims looking to file a personal injury claim against the party responsible for their damages want to know if their case will go to trial. The answer to this question – as with most matters in the legal field – is that it depends. It is important to remember that

personal injury claims can be favorably resolved in two ways; out-of-court settlement negotiations or trial verdicts. Although cases are always unique and can differ drastically, most personal injury or wrongful death cases are resolved before the trial phase. Still, trials do happen – and should the need for trial arise, you will want a seasoned litigator on your side of the courtroom.

Having successfully recovered compensation for clients through both settlements and trial verdicts, Attorney Caroline Nasser is prepared to help you understand whether your case may go to trial by considering the following:

What are your available options? Accidents, injuries, and victims are always unique. The particular facts and circumstances of your case, then, will play a role in how we determine your available options for pursuing compensation.

How will the “other side” react? Personal injury claims are filed

against the party responsible for your accident and / or damages, or more accurately their insurance provider. Insurance companies are corporations that are in business to collect premiums, not pay victims. They may refuse to compensate you fairly. If an insurance company disputes your claim or offers you a settlement that is less than you deserve, taking your case to trial may become a favorable option.

What is best for you?

As always, our legal team works closely with our clients to better understand their personal situation and unique needs. We don't make decisions for our clients, and instead offer personalized advice to help them make the best possible decision given the facts of their case. Attorney Nasser always considers the best

interests of our firm's clients, and uses her decades of experience to create a strategy that will best benefit them.

Because personal injury claims are so unique, we strongly encourage local residents who have questions about their case to meet personally with our San Jose personal injury lawyer for a FREE case evaluation.



Request your free case evaluation by calling toll-free
(877) 396-8460

The Negro needs the white man to free him from his fears. The white man needs the Negro to free him from his guilt.

Martin Luther King, Jr.



اکادمی موسیقی توان

زیر نظر استاد پیانو و نوازنده چیره دست امیر رضا خستوان

فراگیری پیانو، گیتار، ویلن

فلوت، تنبک، دف، جاز

آموزش آواز و شناخت ردیف موسیقی سنتی

بابانوی آواز غزال فیلی

اولین جلسه رایگان

TAVAN
MUSIC ACADEMY
LEARN TO PLAY - LOVE TO PLAY

1454 POLLARD ROAD LOS GATOS, CA 95032
408-692-4222 | WWW.TAVANMUSIC.COM

*Continued from Page 59***Little....**

Last month, the government announced that it had earmarked 13 trillion Rials (\$433 million) for food baskets intended for poor households, but the swelling numbers of those who considered themselves eligible created an administrative nightmare, earning Rouhani criticism both from conservative MPs and impoverished citizens who questioned the fairness of the system through which the aid was disbursed. Among the rejected applicants was 55-year old Mohammad, a custodian at Tehran's Mehrabad Airport. Mohammad says his salary amounts to \$310 - barely enough to feed a family in a city where the average monthly cost of living is \$553. "How can you give the basket to someone who owns a car worth \$10,000 but not give it to me, with my salary?" he asked. "Ahmadinejad [or Rouhani], it doesn't make a difference." The question of social justice under Rouhani is not limited to the economic realm. Much of the sociocultural restrictions imposed on Iranian citizens under Ahmadinejad remain in place, despite the president's pre-election pledge to relax cultural censorship and strengthen personal freedoms. The Internet remains slow and heavily filtered, and social networking sites are still blocked despite their widespread use by politicians. The cinema, despite a surge in creativity this year, remains prone to censorship and favoritism to pro-government directors. At least three newspapers - including the centrist Aseman, which vocally supported the Rouhani administration - have been forced to shut down, while others were banned before they ever hit the newsstands. Another still-existing publication, the magazine Mehrnameh, is on thin ice after a reprimand for publishing an article that mentioned the Baha'i, a religious sect whose members are persecuted in Iran. International watchdog groups have also noted a surge in hangings since Rouhani took office, noting that many of those executed were ethnic or religious minorities. Despite these harrowing social and economic issues, the new administration has proven effective on several key domestic fronts. Among Rouhani's

early successes was currency stabilisation. The plummeting price of the rial, which at its lowest point traded at 40,000 per one US dollar, has been steadied at 29,000-30,000 per \$1, ending an era of wild speculation and financial uncertainty that undermined international trade. "The market has regained a sense of balance," says Nadia, 33, a manager at a logistics firm based in Tehran's financial district. "That's enough of a reason for which to stand up and applaud Rouhani." Another, more recent achievement is the renewed flow of pharmaceuticals to the country, providing relief to the thousands of patients who have been dying due to lack of access to essential drugs and medical equipment after its import was disrupted as a consequence of the financial sanctions on Iran. Meanwhile, as the government lobbies for the removal of sanctions on key industries, large construction projects for new ports and oil refineries are in the works, promising job creation and economic revitalisation in the provinces. Yet while the long-term economic perspective seems positive, the new government's failings in the social and cultural sphere suggest that Supreme Leader Ayatollah Khamenei may be keeping Rouhani on a shorter leash than voters had expected. The newspaper closings, the ongoing censorship in the arts, and the poor human rights record indicate that while Rouhani may be in favour of a more open Iranian society, his hardline critics remain determined - and able - to block even the slightest attempt at relaxation. This political reality does not bode well for the Green Movement voters who supported Rouhani in last year's presidential race, hoping that electing a centrist figure would address at least some of the concerns they voiced during the bloody protests of 2009. With their one-time leaders Mir Hossein Mousavi and Mehdi Mousavi facing a fourth year of house arrest, many Green Movement activists now believe that any reform under Rouhani will come in small, moderate doses, if at all. "When you're experiencing intense pain, you don't care about a return to normal - all you want is for the pain to go away," said Ali, 29. "And that is what this new government is banking on."

*Continued from Page 60***History of Nowruz**

For the Iranians out side home, Nowruz is an element of nostalgia and a reminder of home, at least once a year. Although Nowruz has some outside influences like Qoran and the Arabic prayer during the beginning of the year, but it still holds the distinctively Iranian values of health, green-ness, life, light, and happiness. Nowruzetan Pirooz.

Traditions Of Nowruz

Nowruz or Iranian new year is the beginning of the Spring. We calculate the exact astronomical start of the Spring and take that as the beginning of the year. This exact second is called "Saal Tahvil". Iranians consider Nowruz as their biggest celebration of the year, before the new year, they start cleaning their houses (Khaane Tekaani), they buy new clothes, and they grow green grass (Sabze). For the actual Saal Tahvil, they put seven items on the table-linen that all start with "S". This is called "Haft Seen". These seven things are: Seeb (apple), Sabze (green grass), Serke (vinaiger), Samanoo (a meal made out of wheat), Senjed (a special kind of berry), Sekke (coin), and Seer (garlic). Sometimes instead of Serke they put Somagh (sumak, an Iranian spice). After the Saal Tahvil, people hug and kiss each other and wish each other

a happy new year. Then they give presents to each other, usually older ones to the younger ones. During the holidays, people go to see their relatives. Foods and snacks are usually prepared, snacks are "aajil" (a combination of different nuts with raisins and other sweet stuff) and fruits. When the guest is leaving, the host gives some "Eidi" to the kids, this Eidi is often some money; it is not very common to give toys as the Eidi. At the thirteenth day of the new year, the people go to picnics. This is called Sizdah Bedar. This is the most popular day of the holidays among children because they get to play a lot! Also in this day, people throw the Sabze away, they believe Sabze should not stay in the house after "Sizdah Bedar".

Another tradition of the new year celebrations is "Chahar Shanbe Soori". It takes place before Saal Tahvil, at the last wednesday of the old year, well actually Tuesday night! People make fire and they jump from the fire and sing a little song :

Zardi-e Man az to
Sorkhi-e to az Man

It means: I will give you my yellow colour (sign of sickness), and you give me your red colour (sign of healthiness). This is because in the older times when Iran was where Zoroasterin, they believed fire can cure people and take the sickness away. Nowruz is a fun time for all of the

Spelling of Nowruz

The above spelling of the Iranian New Year, Nowruz, has been recommended and used by the prominent Persian and English linguists and scholars for decades. The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO), in August 2004, approved and adopted this spelling of Nowruz. The first part is pronounced as the verb "know" in English.

Amongst many academic and national institutions that use this spelling of Nowruz, Encyclopedia Iranica, Oxford University, University of Cambridge, White House, United States Congress, Canadian Government, and Canadian Parliament are a few to name. Likewise, numerous Foundations and Centers for Iranian Studies and Persian Language have adopted the spelling: Nowruz.

For consistency within the International Iranian Community, we will all write the name of the Iranian New Year as: Nowruz.

Iran sentences student activist to seven years in prison for 'peaceful protest'

Amnesty calls for immediate release of Maryam Shafipour as concerns continue about her deteriorating health in Tehran jail

The Guardian: An Iranian court has sentenced a leading student activist and human rights campaigner to seven years in prison for peaceful political activism. Maryam Shafipour,



29, who is being held in a women's wing of Evin prison in Tehran, was found guilty of "spreading propaganda" and "gathering and colluding" against the ruling system. She was arrested in July after being summoned for questioning and was kept in solitary confinement for more than two months without access to her lawyer. The opposition website Sahamnews reported on Sunday that her sentence was issued by Abolghasem Salavati, a judge at the Islamic revolutionary court. He has handed down heavy sentences to activists and campaigners in recent years, especially in the aftermath of the disputed presidential election in 2009. It was not clear if Shafipour had access to legal representation in the court. In 2009, Shafipour, a student of agricultural engineering from the Imam Khomeini International University in Qazvin, a province west of Tehran, campaigned for the opposition leader and former presidential candidate Mehdi Karroubi, and was a member of the women's committee for his campaign. She was first arrested in 2010 and subsequently given to a

one-year suspended prison term. She has since been barred from continuing her education and expelled from university. Other student activists imprisoned in Iran include Majid Tavakkoli, Bahareh Hedayat, Seyyed Zia Nabavi, Majid Dori and Navid Khanjani. A relative of Shafipour told the opposition website Kaleme that the activist had been under pressure from her interrogators to confess and had been mistreated and tortured in jail. In December, the Committee of Human Rights Reporters in Iran (CHRR) reported that Shafipour's health was deteriorating in Evin. "In the past week her high blood pressure reached dangerous levels rendering her unconscious and she was transferred to the prison's infirmary," CHRR reported. "Despite the recommendation by the prison's doctor that Shafipour immediately receive an MRI, the prison authorities did not comply. In addition during the past weeks Maryam Shafipour has been suffering from extreme toothache but she has not been seen by a dentist nor been allowed to receive medical attention for her teeth." Amnesty International has also said that Shafipour reportedly passed out in December after experiencing an irregular heartbeat. The charity's Middle East and north Africa deputy director, Hasiba Hadj Sahraoui, said on Monday: "Maryam Shafipour's conviction is a chilling reminder of how little Iran's human rights record has changed since 2009, when students were arrested in droves during postelection unrest. "That a student could be jailed for seven years merely for peacefully expressing her views or supporting an opposition politician defies belief. "Maryam Shafipour should be immediately and unconditionally released, and allowed to continue her studies. She should not spend the next seven years languishing in Evin prison."

Little change in Iran despite promise of 'transformation'

Many Iranians are frustrated with President Rouhani as they grapple with sociocultural restrictions, unemployment and downward social mobility

"Those who are constantly creating rifts do not know what kind of burden we carry." These words, uttered by President Hassan Rouhani in the midst of a publicity tour of Iran's provinces, sum up the political temperature inside the country after the centrist administration's first six months in office. Despite pivotal breakthroughs in international negotiations, Rouhani faces increasing pressure on the domestic front as he balances the concerns of a rigid conservative camp against the grievances of voters grappling with sociocultural restrictions, unemployment and downward social mobility.

"In domestic politics, what has changed? Did anything get cheaper? Did the inflation rate drop? Have the jobless returned to work?" asks 48-year-old former business owner Hossein, who joined Tehran's ever-expanding legion of gypsy cab drivers after his factory went bankrupt during the sanctions-plagued administration of Mahmoud Ahmadinejad. "Lifting the sanctions should make the situation better, but when [Mr Rouhani] wanted to be president, he promised a total transformation in the first 100 days. Now, it's as if he hadn't said anything." Even as Rouhani pushes for economic development in critical areas like petrochemicals, the automotive industry and shipping lines - all of which are slated for liberation from international sanctions as the nuclear talks with the United States and the European Union advance - his supporters are

growing impatient with the lack of progress on job creation and inflation control. The Iranian economy shrank 2% in the past six months, according to official statistics, and consumer prices have increased 5.6% since Rouhani's inauguration last August. After a routine visit to Tehran earlier this month, the International Monetary Fund



Iranian guitarist performs during Iran's 29th Fajr international music festival at the Vahdat hall in Tehran. Photograph: Vahid Salemi/AP

warned that without "reforms to promote stability, investment and productivity," Iran would continue to struggle with the "large shocks" that have impeded its stability and growth in past years. Recognising the ever-increasing financial strain on Iranian households, the government has tried to aid some of the country's neediest through subsidies and breadlines, but some of these efforts have ended in near-fiasco due to the large volume of applicants. In an economy where the average urban family must spend 23.8% more than it did a year ago to maintain the same standard of living, the people lining up for government handouts are not just the abjectly poor and the unemployed, but also labourers and civil servants whose monthly salaries fall well below the national average of \$500.

Continued on Page 58

"Don't part with your illusions. When they are gone you may still exist, but you have ceased to live."

Mark Twain

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

History of Nowruz

Nowruz, in word, means "new day". It is the new day that starts the year, traditionally the exact astronomical beginning of the Spring. For thousands of years, Nowruz was rotating. The Zoroastrian religious calendar, used before Islam, consisted of 12 months with 30 days each, making 360 days, plus a "stolen five" (Panjeh-ye Mostareghe) days that was held at the end of each year, adding up to 365 days. Early astronomers were not aware of the leap years and did not add the one day more every four years, thus caused the rotation of Nowruz. The other fact was that during the anarchic times and moments of unrest in the country such as time of Alexander, or end of Ashkanids, people forgot to add the five stolen days, and this resulted in another problem in the calendar. During the Sasanid era Tansar, the head priest (Mubedhan-i Mubedh) of Ardeshir I unsuccessfully tried to organise the calendar. There are accounts of Nowruz in Autumn, winter or even Summer! The first person who re-

organised the calendar successfully was Omar Khayyam, the mathematician and astronomer of 5th century H (11-12th AD). He drew a chart for the year and put the start of the year at the moment of Aries' entrance to the house of Sun. He made a calendar of 6 months with 31 days, and 6 months with 30 days making a total 365 days, and suggested the addition of 1 day every four years and also addition of a months every 13,000 years. This is the most complete calendar ever made. Khayyam called it "the Jalali Calendar" because of "Jalal" al-Din Malekshah Saljuqi, his patron king. Currently, his calendar is called the "Khorshidi"(Sun based) calendar, as oppose to the Arabic "Ghamari" (moon based) calendar. Although Khayyam was Iranian and he created this calendar based on the pre-Islamic calendar of Zoroastrians, it was not used widely in Iran until the 1925 AD(1304 HS) when Reza Shah Pahlavi ordered it to be used instead of "Ghamari" calendar. In the process of finding

names for the months, there are some interesting mistakes happened which are note-worthy. The first month is originally called "Frvartishn", but when they wanted to choose it as the name, they found it too hard, so they made it shorter by calling it Farvardin. Second month was originally Ardibe-

sheed), the ancient Iranian king who is the hero of the mythological story of expanding the earth. According to the story, when Yama expanded the earth three times, he ordered the day of the last expansion to be called Norooz, a New Day for the Iranian race. The truth most likely lies somewhere in be-



hesht, but it became Ordibehesht. Fifth month, Mordad, was suppose to be Amordad, but the Mordad form sounded better. Seventh months Mehr was "Mithr" at first, but 'th' sound is hard to pronounce in Farsi, so they chose the acceptable replacement of 'h'. Azar, the ninth months was "Atar" at first, but it sounds too Zoroastrian, so 'z' was found to be more acceptable. And finally, the last month was "Esfandarmadh(z)", but oh god, who is going to say that! So "Esfand" was thought of as more suitable, although it is the name of a spice! Now, in ahistorical sense, Nowruz is the oldest Iranian holiday. Together with Mehregan (entrance of Libra to the house of Sun), it was one of the "two" new years of ancient Aryans. Mehregan was the first day of the "cold" year (Autumn and Winter), and Nowruz was the start of the "warm" year (Spring and Summer). It is said that Nowruz is chosen as the official holiday by King Yama (Jam-

tween this story and the fact that Nowruz is the beginning of the Spring. It could be that Nowruz was already a holiday for the Aryans, but when it coincided with an important event in the reign of Jamsheed, it was chosen to be the "special" holiday. What ever it might have been, Nowruz became the most important holiday in Iran after the Islam. Comparing to Nowruz, Mehregan and Sadeh (another important Iranian holiday) lost their importance. The selection of Nowruz as the only standing "Iranian" holiday after Islam might also be a direct result of the limitations imposed on Iranians by Moselm rulers. For Iranians after Islam, Nowruz was a sign of holding on to the national values. It helped them to remember their heritage in spite of cultural attacks of Arabs, Mongols, Turks, and Westerners. Nowruz continues its role of national pride in this world of cultural trades and influences.

Continued on Page 57

سال نو
را با صدای
گرم و دلنشین
بهراد
آغاز میکنیم

در سالن
خانوادگی
ساقی

موزیک
با شام کامل
Friday
March
21st 2014
SAAGHI RESTURANT
13921 S BASCOM AVE, SAN JOSE
TEL (408) 998-0122

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED
MONTHLY TO
HUMANITARIAN
PROJECTS

OPEN 24 HOURS

کاباره رستوران ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل کاباره رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

رستوران ساقی مجهز به کادر ورزیده کیترینگ،

به جشنها و میهمانی های شما جلوه بیشتری می دهد!

Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.

کیترینگ برای هفتاد نفر به بالا،

یک بره کامل، بطور رایگان، مهمان ما باشید!

هفت روز هفته ناهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید



بوفه کامل ۸,۹۹ دلار

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ www.saaghi.com



Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasserri62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112